

فیضان سنت، جلد 3



آداب گفتگو

هشتاد در صد گناه از زبان صادر می شوند

حقایق در مورد سیدنا لقمان حکیم

چطور قبل از سخن تعمق کنیم

بسیست و پنج مورد خودداری از حرفهای بی فایده

شیخ طریقت، امیر اهل سنت مؤسس دعوت اسلامی، علامه محمد ابوبلال

محمد الیاس عطار قادری رضوی

برکات خدای
ایشان مستدام باد

فیضانِ سنت جلد 3 جا بہ حصا

(1) آداب گفتگو

(1) فضیلت پرہیز از گفتار بیہودہ

شیخ طریقت، امیرِ اہلسنت، بانیِ دعوتِ اسلامی، حضرت علامہ

دَامَتْ بَرَکَاتُہُمْ اَلْعَالِیَہ

مولانا ابو بلال محمد الیاس عطار قادری رضوی

بأشر : مکتبۃ المدینہ کراچی

آداب گفتگو

به نسبت دوازده حروف (احمد رضای عزیز) دوازده نیت

فرمان مصطفیٰ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم: نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِّنْ عَمَلِهِ ”نیت مؤمن از عمل او بهتر است“

(الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ جلد 6، ص 185، حدیث 5942)

دو گل مدنی: (۱) نتیجہ اعمال وابستہ بہ نیت ہا است

(۲) ہر قدر نیت ہای خوب بیشتر شود، ہما نقدر ثواب ہم بیشتر می شود

(۱) ہر بار حد (۲) صلوة (۳) تعوذ (۴) با تسمیہ آغاز خواہم کرد (درہمین صفحہ از خواندن دو عبارت دادہ شدہ ای عربی ہر ہر چہر نیت عمل خواہد شد) (۵) آیات قرآنی (۶) حادثہ مبارکہ را زیارت خواہم کرد و در آن ہر احکامات بیان شدہ سعی می نمایم تا عمل کنم ، (۷) در ہر جای کہ نام ذاتی یا صفاتی خداوند می آید در آنجا کلمات ثنائی (پاک) یا (کریم) و غیرہ را می خوانم (۹) اگر سخنی را متوجہ نشوم از علمای کرام خواہم پرسید، (۱۰) دیگران را بہ خواندن این کتاب تشویق خواہم کرد۔ (۱۱) با نیت درست ثوابی را کہ با خواندن کتاب کسب می نمایم ایصال ثواب تمام امت مصطفیٰ خواہم کرد۔ (۱۲) حسب ہدایت دادہ شدہ ای این کتاب ، مضامین این کتاب را تدریس خواہم کرد۔

فهرست

- 1..... آداب گفتگو
- 1..... فضیلت درود شریف
- 1..... نکوهش بلند کردن صدا در حین صحبت کردن
- 1..... سخن گفتن با لحن ملایم سنت است
- 2..... مشرکان عرب با صدای بلند صحبت کردن را مایه فخر می دانستند
- 2..... چرا الاغ آواز میدهد؟
- 2..... عطسه با صدای بلند نیز ناپسند است:
- 2..... صورت خود را به سمت مخاطب نگه دارید
- 3..... روش صحبت کردن باید به گونه ای باشد که گفتگو قابل درک باشد
- 3..... سخنان پیامبر اکرم ﷺ همیشه آسان و واضح بود
- 3..... پیامبر اکرم ﷺ یک نکته را سه بار تکرار می کرد
- 4..... گفتگوی مصطفی ﷺ
- 4..... وزیری که از کلمات سخت استفاده می کرد (لطیفه)
- 4..... دو چیز که بیشتر از هر چیز به جهنم می روند
- 5..... آن بهشتی است کیست؟
- 5..... ضمانت بهشت
- 5..... هشتاد درصد گناهان با زبان انجام می شود
- 5..... التماس تمام اعضای بدن به زبان:
- 6..... اعتکاف جماعت سبب اصلاح شد
- 7..... بلند قامت اماکن در بهشت نظر آینده:
- 7..... سخن نیکو صدقه است
- 7..... صدقه یعنی چه؟
- 7..... دعوت به سوی نیکی را فوراً ارائه دهید
- 7..... اشخاص خوش اخلاق به پیامبر اکرم ﷺ نزدیک می شوند
- 8..... اخلاق خوب چیست؟
- 8..... مضرت‌ترین چیز:
- 8..... گوشها مانند شیشه است و سخنان بیهوده مانند سنگ است:
- 8..... زبان استخوان ندارد، اما استخوان‌ها را میشکند:
- 9..... خریا خوک نامیدن کسی:

- 9..... صدا زدن مسلمان با القاب بد گناه است:
- 9..... ملائکه لعنت می فرستند:
- 10..... با بچه‌ها نیز راست بگوئید:
- 10..... ذکر خیر سیدنا عبدالله بن عامر:
- 10..... مال و خانه هر دو را نگه دارید (حکایت کوتاه):
- 11..... نافرمان والدین چگونه اصلاح شد؟
- 12..... آرام کردن کودکان با دروغ:
- 12..... روشی محتاطانه برای آرام کردن کودکان در پیش بگیرید:
- 12..... اعمال کسی که بر زبان خود مسلط است نیز کنترل می شود:
- 12..... ناراحتی پیامبر اکرم ﷺ از کسی که به شوخی دروغ میگوید:
- 13..... سقوط در اعماق جهنم:
- 13..... بزالاں باید متوجه شوند:
- 13..... حکم نمایش های طنز:
- 14..... در عمل آخرت شتاب باید کردن:
- 14..... گفتار نیک به مشیت الهی است و.....
- 14..... از کلمات محافظت کنید:
- 14..... دیگران نیز زبان دارند:
- 15..... هیچ خوی در آن گفتار نیست:
- 15..... با صدا زدن دیگران به شیوه ای خوب، پاداش کسب کنید:
- 15..... گفتن لبیک در پاسخ به تماس کسی:
- 16..... کسی که شوخی می کند آبروی خود را از دست می دهد:
- 16..... یکی از دلایل نفرت:
- 16..... شوخی باعث نفرت می شود:
- 16..... تعریف گناه کبیره:
- 17..... تعریف خود پسندی:
- 17..... اعمال خوب 70 ساله تباه شد:
- 17..... جرمی بزرگتر از گناه:
- 18..... توضیح مهم در مورد خود پسندی:
- 18..... خودپسندی را یک علاج مجرب:
- 19..... هشت علت و درمان خودپسندی:
- 20..... نوجوان نا اهل شروع به اصلاح کرد:
- 21..... چهار فرموده پیامبر اکرم ﷺ در مورد فحش گفتن:

- 21..... زشت گوئی پُر خطر مرض است.
- 21..... به شکل سگ:
- 22..... تعریف گفتار زشت:
- 22..... هشت مروراید مدنی در مورد خوش گفتاری
- 23..... ۱۵ سخنان حکیمانه که در دنیا و آخرت مفید است:
- 24..... (پنجاه سخن دلچسپ و مملوء از نصایح مفید)
- 28..... 19 اصطلاح عربی در مورد زبان در تناسب با نوزده حرف " بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ " (با ترجمه فارسی)
- 29..... 11 اصطلاح اردو در مورد زبان در تناسب با یازده حروف "یا رب! کرم فرما" (با معانی فارسی)
- 30..... توبه از عادات گناه نصیب گردید:
- 32..... دعوت به سوی نیکی (مختصر):
- 33..... فضیلت پرهیز از گفتار بیهوده
- 33..... زیاد خواندن صلوات نصرت کرد:
- 34..... خداوند متعال از گفتگوهای بیهوده بیزار است:
- 34..... تفسیر آیه مبارکه:
- 35..... انگیزه اجتناب از سخنان بیهوده:
- 35..... نجات چیست؟
- 35..... ضرورت حفظ زبان و فواید و مضرات آن:
- 36..... سببی خرما (حکایت):
- 36..... مبدا مردم دندان های شما را بشکنند:
- 36..... مجازات منحصر به فرد برای یک سوال بی فایده (حکایت):
- 36..... هیچ کس نمی تواند عذاب جهنم را تحمل کند:
- 37..... اعمال سگین:
- 37..... زیبایی یک انسان در چیست؟:
- 37..... دعای مصطفی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم:
- 37..... علامت رویگردانی نظر رحمت خداوند متعال:
- 38..... بیهوده حرف زننده را گنا بایستی بسیار:
- 38..... ذکر خیر سیدنا عبدالله بن ابی اوفی:
- 38..... دعا برای پرداخت کننده زکات:
- 38..... دیدار امام ابوحنیفه رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَیْهِ با یکی از اصحاب پیامبر:
- 39..... گفتار بیهوده چیست؟:
- 39..... اگر سکوت خالی از تفکر درباره آخرت باشد، غفلت است:
- 39..... غفلت چیست؟

- 40..... من بر شما خوف از غفلت دارم:
- 40..... من در عوض بر قضا کردن نماز گریه می کنم:
- 41..... نالنده در جهنم داخل خواهد شد:
- 41..... بزرگی در خواب بشارت داد:
- 43..... دو نوع صحبت و سکوت:
- 43..... شیطان بر کسی مسلط است که زبان را حفظ نکند:
- 43..... بزرگترین سلاح شیطان:
- 44..... صدیق اکبر سنگی در دهانش می گذاشت:
- 44..... تمرین سکوت به مدت 40 سال (حکایت):
- 44..... تابعی بزرگوار که مکالمات را یادداشت می کرد و آنها را ارزیابی می کرد:
- 44..... نحوه ارزیابی مکالمه:
- 45..... ارزیابی اعمال:
- 45..... شکایت به خداوند متعال از تیزی زبان:
- 46..... ما را از زبان خارج نکن:
- 46..... زبان باید در زندان بماند:
- 46..... استقامت در عبادت با حفظ زبان حاصل می شود:
- 46..... تنبیه خود برای سخنی یهوده (حکایت):
- 47..... من می توانم روزه تابستان سخت گرم را تحمل کنم، اما...:
- 47..... حفاظت زبان بسا سزاوارتر است:
- 47..... یکی از علل تنگی رزق و روزی:
- 47..... خداوند متعال همه چیز را می شنود:
- 48..... اگر مجبور شوید برای صحبت های یهوده پول بپردازید چه؟:
- 48..... فرشتگان همه چیز را می نویسند:
- 48..... یک حکایت در مورد گفتگوی یهوده:
- 49..... هفت "دسته گل فاروقی" از هفت گل:
- 49..... محاسبه ی سخنان یهوده بسیار طولانی خواهد بود:
- 49..... از صحبت های یهوده دوری کنید تا از مصیبت جلوگیری کنید:
- 50..... گفتار، عقل متکلم را نمایان میکند:
- 50..... نصیحتی به کسی که حرف های زشت می گوید:
- 50..... دعوت اسلامی مرا نماز خوان کرد:
- 51..... زبان گویا مانند شیر برای حمله آماده است:
- 51..... جانوری درنده:

- 51.....محافظت از مال آسان است مگر محافظت از زبان...:
- 52.....عاشقان را شش علامات:.....
- 52.....شش نشانه جهالت:.....
- 53.....چهار آسیب جدی گفتگوی بیهوده:.....
- 54.....سکوت کردن را بیاموز:.....
- 54.....عبادت با سکوت آغاز می شود:.....
- 54.....سکوت کلید عبادت است:.....
- 54.....پنج نصیحت عالی:.....
- 55.....چهار حدیث از رسول الله ﷺ در فضیلت سکوت:.....
- 56.....بهتر از 60 سال عبادت:.....
- 56.....یا در مورد چیز خوب صحبت کن و یا سکوت اختیار کن:.....
- 56.....رسول الله ﷺ طویل السکوت بود:.....
- 56.....افسوس! بسیاری از مردم پس از گوش دادن به تلاوت رفتند:.....
- 57.....شوق گوش دادن به تلاوت:.....
- 57.....فضیلت گوش دادن به یک آیه شریفه:.....
- 57.....20 سال در تلاوت قرآن تلاش کردم:.....
- 57.....اگر بهشت می خواهی غیر از نیکی سخن نگو:.....
- 58.....توبه خالصانه از گناهان:.....
- 59.....سکوت منبع محافظت از ایمان است:.....
- 59.....راز بهشتی شدن (حکایت):.....
- 60.....برصحابی نبی ﷺ جنتی است:.....
- 60.....تمام اصحاب پیامبر ﷺ بهشتی هستند.....
- 61.....افراط در خوردن نیز یکی از دلایل زیاده گویی است:.....
- 61.....هر که بدون گرسنگی بیدلیل غذا بخورد پرحرف است:.....
- 62.....زخم شمشیر خوب می شود مگر زخم زبان هرگز:.....
- 62.....زبان را در بند نگه دار:.....
- 62.....جمله ای که به درد لب هانمی خورد، به درد هیچ جایی نمی خورد:.....
- 62.....هر کس مسائل داخلی را بیرون فاش کند، انسان ارزانی است:.....
- 63.....گاهی جمله ای از دهان بیرون می آید که ...:.....
- 63.....او کم بیهوده می گوید:.....
- 63.....لغزش زبان از لغزش پا خطرناکتر است:.....
- 63.....چه کسی لحظه پذیرش را می داند:.....

- 64..... پنج جای نگرانی در روز قیامت برای کسی که بیهوده حرف می زند :
- 64..... سکوت هفت هزار فایده دارد :
- 65..... دوران جوانی دوران دیوانگی است، از شر آن دوری کنید! :
- 65..... سکوت نه مزیت دارد :
- 65..... زبان را مانند طلا و نقره حفظ کن :
- 65..... سکوت "طلا" است :
- 65..... چه کسی صاحب حکمت است ؟ :
- 65..... گفتار کمتر، کار بیشتر :
- 66..... 40 سال از گفتگوی بیهوده شبانه دوری کرد :
- 66..... حتی یک کلمه توهین آمیز می تواند به جهنم منتهی شود :
- 66..... صحبت بد مرا نابود کرد :
- 68..... حضرت مولانا رومی رحمۃ اللہ علیہ فرمودند.....
- 68..... توصیه ای برای پاک کردن سخنان از بیهوده گویی :
- 68..... اگر کسی مکالمه دنیوی کرد، ذُکْرُ الله را بجا آورد :
- 68..... وقتی نظر رحمت از بین برود :
- 69..... محروم از حسن اخلاق و درک دین :
- 69..... گوینده اغلب پشیمان می شود :
- 69..... پشیمانی از حرف نزدن بهتر از پشیمانی بعد از حرف زدن است :
- 70..... شخص پرحرف باید شرمندگی را تحمل کند :
- 70..... هر کس قبل از سخن گفتن بیندیشد از گفتگوی بیهوده خودداری می کند :
- 70..... بیمار سرطانی بهبود یافت :
- 71..... هیچ بیماری لاعلاج نیست :
- 71..... شفای معنوی سرطان :
- 71..... آدم نادان تا زمانی که سکوت کرده است شناخته نمی شود :
- 71..... اگر خورشید تا نیمه شب غروب نکرد چه؟ (واقعہ) :
- 72..... ای کاش لال می بودم!
- 72..... کاش! او لال می بود :
- 72..... چگونه خانه را منبع آرامش بسازیم :
- 72..... یک پست قابل توجه از رسانه های اجتماعی :
- 73..... راه حل برای رفع دعوی عروس و مادرشوهر :
- 73..... دیدار پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم به برکت سکوت :
- 74..... آفت های زبان بسیار زیاد است :

- عمر بن عبدالعزیز زار زار به گریه افتاد: 74.....
- شرح حکایت: 74.....
- اتخاذ روش های مختلف گفتگو برای متأثر ساختن: 75.....
- مکالمه بیشتر، اشتباهات بیشتر: 76.....
- توشه ی سفر باید همانند نوع سفر باشد: 76.....
- نقش سکوت در ایجاد محیطی الهام بخش سنت با در خانه: 77.....
- آفات سؤالات بیهوده: 77.....
- حکمت سیدنا لقمان حکیم: 78.....
- سکوت دانایی است (یک واقعه): 78.....
- به چه چیزی گفتگوی بیهوده می گویند؟ 78.....
- اطلاعاتی در مورد سیدنا لقمان حکیم رحمۃ اللہ علیہ: 79.....
- لقمان حکیم که بود؟ 79.....
- سیدنا لقمان یکی از سرداران بهشت است: 79.....
- چهار تعریف از حکمت: 79.....
- سیدنا لقمان پزشک طیب نیز بود: 80.....
- مضرات نشستن طولانی مدت در دستشویی: 80.....
- اگر زبان و دل سرکش شد، پس...: 80.....
- مثال هایی از سؤالات بیهوده: 80.....
- برای آدم پرحرف پرهیز از اغراق سخت است: 81.....
- نقش سکوت در ایجاد فضای مذهبی در منطقه: 82.....
- سلاح مدنی برای اعمال دینی: 82.....
- احق بدون فکر حرف می زند: 83.....
- مواظب زبان باش، همه کارهایت سامان می یابد: 83.....
- اول فکر کن بعد صحبت کن: 83.....
- طریقه فکر کردن پیش از سخن گفتن: 83.....
- طریقه ی سکوت: 84.....
- در مورد اشاره بیهوده نیز پاسخگویی وجود دارد: 85.....
- فایده اندیشیدن قبل از حرف زدن: 85.....
- بحث بیهوده درباره دهشت افگنی: 86.....
- دل آدم پرحرف سخت می شود: 86.....
- سیدنا امام مالک کسی را که عاشق غیبت بود متقاعد کرد: 86.....
- یاغی انسان شریفی شد: 87.....

- 88..... هفت علاج گناه به نسبت هفت حرف "بسم الله" :
- 88..... هر کار خیری که انجامش سخت باشد ثواب بیشتری دارد :
- 89..... از گفتگوی بیهوده خودداری کنید :
- 89..... در بهشت پشیمان نمی شود :
- 90..... نوک قلم :
- 90..... درختی در بهشت بکارید :
- 90..... فضیلت صلوات فرستادن بر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ :
- 91..... فایده دینی یا دنیوی گفتگو :
- 91..... قصد گفتن سُبْحَانَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ یا تشویق مردم به گفتن آن :
- 92..... بهتر از شصت سال عبادت :
- 92..... ارزش لحظه های گرانبها :
- 92..... عامل بزرگ خجالت :
- 92..... زمان مانند شمشیر است :
- 93..... وقتی فیضان السنن وارد خانه شد :
- 94..... 25 واقعه درباره خودداری از گفتگوی بیهوده.....
- 94..... (1) طوری صحبت نکن که بعداً باید عذرخواهی کنی :
- 94..... شرح دو جزء حدیث :
- 95..... (2) پدر عزیز! چرا حرف نمیزنی؟
- 95..... (3) راه رسیدن به خوف از الله تعالی :
- 96..... (4) نصیحتی به زبان در حال ایستادن بر کوه صفا :
- 96..... (5) وای بر تو! :
- 97..... (6) من بیشتر دوست دارم سکوت کنم تا اینکه حرف بزنم :
- 97..... (7) سه تن از پارسایان که روی آب و هوا راه می رفتند :
- 97..... درختی در بهشت – محافظت از شر :
- 98..... (8) گویا چیزی در دهان گذاشته اند :
- 98..... کاش یک در آهنی حائل می بود :
- 98..... (9) بر زبان حکومت کردن :
- 99..... خداوند متعال توفیق دهنده است :
- 99..... (10) چهار عالم، چهار قول :
- 99..... (11) چهار پادشاه، چهار سخن :
- 100..... (12) او چهل سال نخندید :

- 100..... فضیلت خوف از الله متعال :
- 100..... حدیث مبارکه: خوف خداوند متعال باعث افزایش روزی و عمر می شود :
- 101..... ترس از الله متعال یعنی چه؟
- 101..... (13) کسانی که حرف می زنند و سکوت می کنند:
- 101..... (14) تاکید بر سکوت برای پنهان کردن ضرر:
- 102..... خوشحالی از ضرر رسیدن به مسلمان دیگر:
- 102..... (15) سکوت طریقه ی خردمندان است :
- 102..... گفتن یک حکم نادرست :
- 103..... سه نمونه از کسانی که از جواب دادن می ترسیدند :
- 103..... (16) عقلمندی آنست که مکالمه کسی را قطع نکنید :
- 103..... بدون شک کسی که بیهوده حرف دیگری را قطع کند عاقل نیست:
- 104..... (17) سکوت لازمه رازداری است :
- 104..... ارسال پیام و اتساب به دیگران :
- 104..... دو قول از پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم در مورد نگفتن سخن فردی به دیگری :
- 105..... (18) اگر آرامش می خواهی، پس سکوت کن :
- 105..... یک فریب بزرگ :
- 105..... (19) حکمت چگونه به وجود می آید؟ :
- 106..... (20) چرا جواب نمیدی؟ :
- 106..... فکر کردن قبل از صحبت اینگونه است :
- 107..... (21) عاقل لال بهتر از جاهل احمق است:
- 107..... مردم را از شر خود نجات دهید:
- 107..... فضیلت نجات مردم از شر :
- 108..... سه عمل منتهی به بهشت :
- 108..... (22) یک درهم صدقه در برابر هر جمله بیهوده :
- 108..... تلاش مستمر برای 20 سال :
- 108..... آیه قرآنی در مورد کوشش :
- 109..... مؤدبه به کسانی که در راه خداوند متعال تلاش می کنند :
- 109..... دانشجوی کُند ذهنی امام بسیار برجسته ای شد (واقعه) :
- 109..... پادشاه و مورچه (واقعه) :
- 110..... گریه کار عجیبی کرد :
- 110..... (23) باید به سکوت خود افتخار کنید :

- 110..... سکوت برتری دارد :
- 111..... (24) پرندہ توسط صدایش شکار شد :
- 111..... (25) گفتن "من عمیقاً ناراحت شدم" یا "بسیار متأسفم" :
- 111..... گفتن "تب شدید" چگونه است؟ :

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ
 أَمَّا بَعْدُ فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ط

آداب گفتگو

ای پروردگار مصطفی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم! هرکسی که 37 صفحه «آداب گفتگو» را بخواند یا گوش دهد و آداب سخن گفتن به طریقه ی سنت رسول الله صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم را بیاموزد را بے حساب و مغفرت کن.

آمِن بِجَاهِ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم

فضیلت درود شریف

رسول الله صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم میفرمایند: " همانا نزدیکترین به من در روز قیامت کسی است که بیشتر بر من درود می فرستد." (ترمذی، ج 2، ص 27، حدیث 484)

ای عاشقان رسول الله صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم! بدون شک ممکن است انسان هر زمانی نیاز به صحبت کردن داشته باشد، اما به یاد داشته باشید که سکوت حتی بهتر از گفتار مجاز بیهوده است.

نکوهش بلند کردن صدا در حین صحبت کردن

الله تعالی در جزء 21، سوره لقمان، آیه 19 میفرماید:

وَاعْظُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ
 الْحَمِيرِ ﴿١٩﴾

ترجمه کنزالعرفان: (پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشتترین صداها صدای خران است.

سخن گفتن با لحن ملایم سنت است

حضرت علامه مفتی سید محمدنعیم الدین مراد آبادی رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَیْهِ در تفسیر این آیه مبارکه مینویسند: شورانداختن و بلند کردن صدا مکروه و نامطلوب است و هیچ فضیلتی در آن نیست. صدای الاغ یعنی خه با وجود بلند بودن،

مکروه (یعنی ناپسند) و وحشتناک (یعنی نفرت انگیز) است. نبی کریم ﷺ صحبت کردن با صدای ملایم را میپسندید و از صدای بلند اجتناب میکرد. (خزائن العرفان، ص 762)

مشرکان عرب با صدای بلند صحبت کردن را مایه فخر می دانستند

حضرت علامه اسماعیل حقی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ مینویسد: هنگامی که مردم با یکدیگر صحبت می کنند، بدترین و وحشتناک ترین صدا در میان آنها صدای کسی است که مانند الاغ با صدای بلند صحبت می کند. مشرکان عرب با صدای بلند صحبت کردن را مایه فخر می دانستند، در این آیه این عمل متکبرانه آنان نفی شد. (روح البیان، ج 7، ص 87 به طور خلاصه)

چرا الاغ آواز میدهد؟

به صدای الاغ اشاره شد، لذا روایتی آموزنده در این زمینه ارائه می کنیم. چنانچه رسول الله ﷺ میفرماید: "وقتی صدای بانگ خروس را می شنوید از خداوند متعال طلب رحمت کنید زیرا فرشتگان را می بیند. و چون صدای عرعر الاغی را شنیدید، از شیطان متعال پناه ببرید زیرا او شیطان را می بیند." به طور مثال بگویید:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ط. (تیسیر شرح جامع صغیر، ج 1، ص 107)

عطسه با صدای بلند نیز ناپسند است:

حضرت علامه اسماعیل حقی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در ادامه در مورد آیه مبارکه مذکور نوشته است: از این جا مسئله عطسه نیز واضح میشود و آن اینکه عطسه با صدای بلند نیز مکروه (یعنی ناپسندیده) است، به همین دلیل حکم این است که باید سعی کنید تا حد ممکن با صراى آهسته عطسه کنید (روح البیان، ج 7، ص 87 به طور خلاصه).

رسول الله ﷺ میفرماید: "عطسه کردن با صراى بلند از طرف شیطان است" (عمل الیوم واللیل، ص 119، حدیث 265). همچنان پیامبر اکرم ﷺ عطسه کردن با صدای بلند در مسجد را ناپسند می پنداشت. (شعب الایمان، ج 7، ص 32، حدیث 9356)

حضرت علامه عبدالرئوف مناوی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در رابطه با این حدیث می فرماید: عطسه کردن با صدای بلند در مسجد بسیار مکروه (یعنی خیلی ناپسندیده) است و بیرون از مسجد کم. (فیض القدر، ج 5، ص 311، تحت الحدیث 7156)

صورت خود را به سمت مخاطب نگه دارید

الله تعالی در جزء 21، سوره لقمان، آیه 18 میفرماید:

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ

ترجمه کنزالعرفان: "(پسرم!) درحین صحبت کردن با دیگران با بی‌اعتنائی از آنها روی مگردان."

حضرت علامه سید نعیم الدین مراد آبادی رحمۃ اللہ علیہ در تفسیر این آیه مبارکه مینویسند: راه متکبران را که در هنگام سخن گفتن با مردم، در حالی که آنان را حقیر شمرده، روی از آنان برمی گردانند، اختیار نکنید. با همه افراد، ثروتمند یا فقیر با تواضع (یعنی با عاجزی) رفتار کنید. (خزائن العرفان، ص 761)

حضرت علامه اسماعیل حق رحمۃ اللہ علیہ در تفسیر روح البیان مینویسد: هنگام سلام و سخن گفتن و ملاقات، تمام صورت خود را به طرف مردم به عنوان نوعی تواضع نگه دارید. صورت خود را از آنها برنگردانید و قسمتی از آن را نبوشانید. این عادت متکبران است که به مردم با لَکْوَ وَتَحْقِیرِ چشم به فقرا و مستمندان می نگرند. در واقع، هر دو ثروتمند و فقیر باید از نظر رفتار خوب در نظر شما برابر باشند. (روح البیان، ج 7، ص 84)

روش صحبت کردن باید به گونه ای باشد که گفتگو قابل درک باشد

ما باید از لحن کوچه بازاری و فریاد زدن با صرای بلند بپرهیزیم، زیرا پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم هرگز اینچنین صحبت نکرده است. ایشان صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم در حین گفتگو، صدایش نه آنقدر بلند می و نه آنقدر پایین که شنیدن آن برای طرف مقابل سخت می شد.

سخنان پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم همیشه آسان و واضح بود

ام المومنین (یعنی مادر تمام مسلمانان) حضرت بی بی عایشه صدیقہ رضی اللہ عنہا فرموده اند که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بسیار واضح سخن میگفت، طوری که هر شنونده آن را درک میکرد. (ابوداود، ج 4، ص 343، حدیث 4839)

پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم یک نکته را سه بار تکرار می کرد

خادم پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، سیدنا انس رضی اللہ عنہ روایت کرده است: وقتی پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم چیزی می گفت، آن را سه بار تکرار می کرد تا فهمیده شود. (بخاری، ج 1، ص 52، حدیث 95)

شرح حدیث: در "مرآت شریف" بیان شده: یعنی در بیان احکام هر حکم را سه بار تکرار می کرد تا در اذهان القا شود. (در اینجا) به معنای (تکرار) هر نکته (سه بار) نیست. (مرآت، ج 1، ص 194)

گفتگوی مصطفی ﷺ

در صراط الجنان، جلد 7، صفحه 502 آمده است: در کتب سیرت النبی آمده است که پیامبر اکرم ﷺ سریع سخن نمی گفت، بلکه بین سخنانش مکث می کرد. آنقدر واضح و مشخص سخن میگفت که شنوندگان آن را می فهمیدند و حفظ می کردند و اگر نکته مهمی می بود گاهی آن جمله را سه بار تکرار می کرد تا شنوندگان به درستی آن را در ذهن خود القا کنند. آنحضرت ﷺ بی جهت صحبت نمی کردند؛ بلکه اغلب ساکت می ماندند. به حضور ﷺ معجزه «جامع کلمات» عطا شد، یعنی بیانی طولانی را در یک جمله کوتاه خلاصه می کرد.

وزیری که از کلمات سخت استفاده می کرد (لطیفه)

هنگام صحبت کردن، کلمات باید ساده و واضح باشند. اگر از کلمات دشوار کنیتفاهمکن است طرف مقابل به «مهارت زبانی» شما متقاعد شود، اما متوجه نشود که شما چه می خواهید بگویید. سعی کنید از طریق این لطیفه منظور من را بفهمید: روزی وزیر کشاورزی و آبیاری از روستایی بازدید می کرد. هیئتی از کشاورزان به دیدار او آمدند. این افراد یکی رکھلومتادند تا از وزیر اجازه بگیرند. وزیر نگاهی به بالا انداخت و پرسید: آیا درکشت زار شما امسال تقاطر امطار شده یا خیر؟ (آیا امسال در مزارع شما باران بارید یا نه؟) کشاورز بی سواد با شنیدن این جمله فوراً بیرون آمد و به یارانش گفت: "وزیر محترم قرآن می خواند."

ای فدائیان رسول ﷺ، اگر وزیر از زبان دشوار استفاده نمی کرد، کشاورز گیج نمی شد درحالیکه وزیر قرآن نمی خواند، بلکه سخن خود را به شکلی اغراق آمیز بیان کرد. معنی جمله وزیر این است که: آیا امسال در مزارع شما باران بارید یا نه؟ بنابراین، هرگاه با کسی صحبت می کنید، یا سخنرانی می کنید و یا مقاله و کتاب می نویسید، سعی کنید از کلماتی استفاده کنید که برای شنوندگان و خوانندگان قابل درک باشد.

دو چیز که بیشتر از هر چیز به جهنم می روند

برادران اسلامی عزیز! کنترل زبان بسیار ضروری است. افراد بی شماری هستند که فقط به خاطر زبانشان وارد جهنم می شوند. از سیدنا ابوهریره رضی الله عنه روایت است که از پیامبر اکرم ﷺ پرسیده شد: چه کاری مردم را بیشتر به بهشت می کشاند، حضرت ﷺ فرمود: تقوا و خوش اخلاق است. باری دیگر از حضرت ﷺ پرسیدند: چه چیزی مردم را بیشتر وارد جهنم می کند؟ فرمود: دو چیز، دهان و شرمگاه.

(ابن ماجه، ج 4، ص 489، حدیث 4246)

آن بهشتی است کیست؟

سیدنا ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

"هر کس را که خداوند متعال از شر آن چیزی که بین فک و پاها قرار دارد (یعنی دهان و شرمگاه) نجات دهد وارد بهشت می شود." (ترمذی، ج 4، ص 184، حدیث 2417)

ضمانت بهشت

هر کس دهان و عورت خود را حفظ کند، یعنی بر خلاف شرع از آن استفاده نکند، بهشتی است. از این رو، صحابی پیامبر، سیدنا سهل بن سعد رضی الله عنه، آورده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس ضمانت حفاظت از آنچه بین فک و پاهایش (یعنی دهان و شرمگاه) است را به من بدهد، بهشت را به او ضمانت می کنم. (بخاری، ج 4، ص 240، حدیث 6474) یعنی برای حفظ دهان و عورت از حُرُمات شرعی وعده بهشت داده شده است.

هشتاد درصد گناهان با زبان انجام می شود

آنچه بین فک ها وجود دارد، زبان و کام و غیر آنچه بین دو پا است، عورت است یعنی باید زبان خود را از دروغ گفتن و غیبت و گفتار ناجائز حفظ کرد. دهان خود را از غذای حرام حفظ کرد و نباید عورت خود را به زنا نزدیک کند. بدیهی است که چنین مسلمانی باتقوا خواهد بود. به خاطر داشته باشید که حدود 80 درصد (یعنی اکثریت) گناهان از طریق زبان انجام می شود. آن که زبانش را حفظ کند دزدی ریزنی و قتل هم نمی کند. انسان فقط زمانی مرتکب جرم می شود که آماده دروغ گفتن باشد، که اگر گرفتار شود جرم خود را انکار کند. دروغ ریشه همه گناهان است. به خاطر داشته باشید که این ضمانت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا روز قیامت برای همه انسانهاست و ضمانت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ضمانت پروردگار است. (مرآت، ج 6، ص 447 با کمی تغییرات)

التماس تمام اعضای بدن به زبان:

از صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، سیدنا ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سلم فرمود: وقتی انسان صبح از خواب بیدار می شود، اعضای بدنش خم می شود و به زبان می گوید: "از خداوند متعال بخاطر ما بترس! زیرا ما با تو مرتبط هستیم". اگر تو راست بمانی ما نیز راست می مانیم و اگر تو کج بروی ما نیز کج خواهیم بود." (ترمذی، ج 4، ص 183، حدیث 2415)

اعتکاف جماعت سبب اصلاح شد

برادران اسلامی عزیز! اگر زبان را به درستی به کار ببریم، تمام فوایدی که از آن به دست می‌آید، نصیب همه اعضای بدن می‌شود و اگر زبان عمل نکند؛ و به کسی دشنام داد و غیره، چه به زبان دردی برسد و چه نرسد، سایر اعضا بدن کتک می‌خورد. برای پرورش طرز فکر احتیاط زبان، همواره با محیط مذهبی دعوت اسلامی همراه باشید. اگر خداوند متعال به شما توفیق داده است، درکما و مضلن، شرف اعتکاف با شیفتگان رسول خدا را داشته باشید

سُبْحَنَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ! اعتکاف چه برکات بزرگی دارد! بیایید! یک حکایت مدنی را به شما نقل کنم: بر اساس اطلاعاتی که یکی از برادران اسلامی از شهرستان مندی بهاءالدین (پنجاب) ارائه کرده است، قبل از ورود به محیط مذهبی دعوت اسلامی، مَعَاذَ اللّٰهِ، مواد مخدر مصرف می‌کرده. او به حدی به مشروبات الکلی و حشیش معتاد بود که برای خرید آن دست به دزدی و سرقت میزد. مواد مخدری که به خاطر آن اعضای خانواده و بلکه همسایگان شنگراش بودند. سفر او به مقصد اصلاح به این صورت آغاز شد که در ماه مبارک رمضان افتخار سنت اعتکاف همراه عاشقان رسول با دعوت اسلامی نصیب او شد. او در اعتکاف نیز معاشرت خوبی پیدا کرد و کتاب «فیضان السنّت» را نیز می‌خواند. وی پس از مدتی فرصت یافت تا در اجتماع هفتگی که در مرکز مدنی «فیضان مدینه» دعوت اسلامی "مندی بهاءالدین" برگزار می‌شد، شرکت کند که با دیدن تعداد زیادی از عاشقان رسول اکرم ﷺ در لباس اسلامی، قلبش متأثر شد. بعد از یک هفته، دوباره سر ساعت مقرر در جمع هفتگی حاضر شد و شروع به گوش دادن به سخنرانی کرد. این سخنرانی چنان تأثیرگذار بود که تمام دنیای او را تغییر داد و تنها پس از توبه از گناهانش به خانه بازگشت. او نه تنها نمازهای پنج‌گانه را به طور مرتب شروع کرد، بلکه یک قبضه ریش هم گذاشت و مطابق سنت لباسی هم پوشید. به لطف خداوند متعال، او همچنین با سفر به قافله‌های مدنی دعوت اسلامی در کنار شیفتگان رسول اکرم ﷺ فرصت دعوت به سوی حق را یافت.

إِنْ شَاءَ اللّٰهُ بهائی سدر جاؤ گے
مدنی ماحول میں کر لو تم اعتکاف

مَرَضِ عِصْیَا سَے چھٹکارا تم پاؤ گے،
مَدَنی ماحول میں کر لو تم اعتکاف

ترجمہ شعر

انشاء اللہ برادر خوابی شد
اگر در ماحول مدنی اعتکاف کنی

از مرض گناه نجات خوابی یافت
اگر در ماحول مدنی اعتکاف کنی

(وسائل بخشش، ص 644)

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْبِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

بلند قامت اماکن در بهشت نظر آینده:

از چهارمین خلیفه مسلمین، سیدنا مولا علی رضی الله عنه، شیر خدا روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در بهشت چنان خانه های رفیعی وجود دارد که ظاهر آن از داخل و باطن آن از بیرون نمایان است. یکپنجاه نش (یعنی شخصی ساکن روستا) عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم! چه کسانی صاحب چنین خانه هایی میشوند؟ ایشان صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "کسی که خوب سخن می گوید، غذا می دهد، همیشه روزه می گیرد و در شب وقتی که مردم خوابند او نماز می گزارد." (ترمذی، ج 3، ص 396، حدیث 1991)

سخن نیکو صدقه است

نیکو سخن گفتن بهتر از سکوت کردن و سکوت بهتر از بیهوده گفتن است. در حالی که گفتن سخن زشت به راستی بد است و گفتار نیکو صدقه است. سیدنا ابوهریره رضی الله عنه بیان می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "گفتار نیک صدقه است." (بخاری، ج 2، ص 306، حدیث 2989)

صدقه یعنی چه؟

در اینجا منظور از "صدقه"، "رسیدن ثواب صدقه" است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همه نیکی ها صدقه هستند. (بخاری، ج 4، ص 105، حدیث 6021)

شرح حدیث: یعنی صدقه فقط از طریق مال حاصل نمی شود، بلکه توسط هر کار خیر جزئی که با اخلاص انجام شود، ثواب صدقه به دست می آید، تا آنجا که گفتن سخنی نرم و ملایم به برادر مسلمان نیز صدقه می باشد. (مرآت، ج 3، ص 95)

دعوت به سوی نیکی را فوراً ارائه دهید

نباید از هیچ سخن سودمندی غافل شوید. اگر فکر میکنید که درارتباط با تکمیل آن سخن حاضرین محتاج گردهمایی دیگری هستند (خلاصه اینکه باید فوراً تمام مطلب را بیان کند و نگوید بقیه را بعداً توضیح خواهد داد) چرا که (گوینده و کسانی که باید آن را برایشان توضیح دهد) هیچ اطمینانی برای زنده ماندن تا گردهمایی بعدی وجود ندارد. (اصلاح اعمال، ص 360، الحقیقه الدنیه، ج 1، ص 95)

اشخاص خوش اخلاق به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزدیک می شوند

صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سیدنا جابر رضی الله عنه می فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "بی شک

محبوب ترین و نزدیک ترین شما به من در روز قیامت خوش اخلاق ترین شماست. و در میان شما منفورترین و دورترین از من در روز قیامت کسانی هستند که بد اخلاق هستند، زیاد حرف می زنند، بی ادب هستند و کسانی که بیش از حد حرف می زنند." (شعب الایمان، ج 6، ص 334، حدیث 7989)

اخلاق خوب چیست؟

حضرت مفتی احمد یارخان رحمۃ اللہ علیہ در شرح این حدیث مبارکه آورده است: زیرا انسان خوش اخلاق اغلب کارهای نیکو انجام می دهد. گناهان به ندرت توسط او انجام می شود. صداقت (یعنی وفاداری، امانتداری، راستگویی)، وفای به عهد و برخورد صحیح، همگی از جمله حسن خلق است. و افراد بد اخلاق اغلب گناهکارند. بد اخلاقی خود شر و وسیله بسیاری از اعمال شیطانی است. دروغ، خیانت، و غیره و فریبکاری در معاملات همه شاخه های بد اخلاقی هستند. (مرآت المناجیح، ج 6، ص 436 خلاصه شده)

مضرترین چیز:

ای شیفتگان رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم! حفظ زبان بسیار ضروری است، زیرا بیشترین مزاحمت ها و آسیب ها از همین جاست. از صحابی پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، از سیدنا سفیان بن عبدالله رضی اللہ عنہ روایت است که روزی با تواضع به پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم گفتم: یا رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم! خطرناک ترین و زیانبارترین چیز برای من چیست؟ پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم زبان مبارکش را گرفت و فرمود: "این." (ترمذی، ج 4، ص 184، حدیث 2418)

گوشها مانند شیشه است و سخنان بیهوده مانند سنگ است:

علامه عبدالوهاب شعرانی رحمۃ اللہ علیہ می فرماید: از شیخ افضل الدین رحمۃ اللہ علیہ شنیدم که می گوید گوشها مانند شیشه است و سخن بیهوده مانند سنگ است. هر گاه سنگ روی این شیشه پرتاب شود، شیشه تکه تکه می شود. (المنن الکبری، ص 547)

زبان استخوان ندارد، اما استخوانها را میشکند:

می گویند: "زبان استخوان ندارد ولی استخوان را میشکند. زبان شمشیر نیست بلکه باعث خونریزی می شود." شخصی چه نکته شگفت انگیزی را بیان کرده است: "در مورد چیزهایی که مردم برای آن می جنگند، کشته میشوند و زیر تپه های خاک دفن می شوند، می توانند کمی خاک را دور بریزند (ببخشند و فراموش کنند) و زندگی راحت در دنیا داشته باشند."

خریا خوک نامیدن کسی:

تابعی بزرگوار، سیدنا ابراهیم نخعی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ، می‌گوید: اگر کسی، شخصی را الاغ یا خوک بخواند، در روز قیامت از منادی می‌پرسند: جواب بده! آیا او را الاغ ساخته بودم؟ جواب بده! آیا او را خوک آفریده بودم؟ (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 494، احیاء العلوم، ج 3، ص 200)

صدا زدن مسلمان با القاب بد گناه است:

ای شیفتگان رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ! صدا زدن مسلمان با القاب بد، به دستور قرآن کریم ممنوع است. خداوند متعال در جزء 26، سوره حجرات، آیه 11 می‌فرماید:

ترجمه کنزالعرفان: "و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید."

وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ ط

پس آموختیم که گذاشتن نام بد برای مسلمان ممنوع است. مفسران بزرگوار این آیه مبارکه را با عبارات مختلف وضاحت داده‌اند. دو مورد از آن توضیحات در ذیل از صراط الجنان، جلد 9، از صفحه 431 تا 432 آورده شده است:

1) برخی از علمای اسلام گفته‌اند: لقب بد دادن به این معنا است که مسلمان را سگ یا الاغ یا خوک بخوانند.

2) برخی از علمای اسلام گفته‌اند که منظور از این گونه القاب است که دلالت بر اهانت به مسلمان دارد و او از آنها بیزار می‌جوید، اما القاب تکمیلی که درست است، حرام نیست، چنانکه عنوان (خلیفه اول مسلمانان) سیدنا ابوبکر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ «صدیق» است. (خلیفه دوم) سیدنا عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ «فاروق»، (خلیفه سوم) سیدنا عثمان غنی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ «ذون نورین»، (خلیفه چهارم) سیدنا علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ «ابوتراب» و (صحابی پیامبر اکرم) حضرت خالد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ «سیف الله» بود. و القابی که مانند اسم شده و صاحب القاب آن را ناپسند نمی‌بیند، حرام نیست، مانند (محدثین معروف) اعمش (یعنی ضعیف بینا) و اعرج (معلول یک پا) و غیره. (خازن، ج 4، ص 170)

ملائکه لعنت می‌فرستند:

رسول گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: هر که مسلمانی را غیر از نامش به لفظی (یعنی نامی بد) بخواند، ملائکه او را لعنت می‌کنند. (جامع صغیر ص 525 حدیث 8666)

شرح حدیث: سیدنا علامه عبدالرؤف منوی رحمۃ اللہ علیہ (متوفی 1031 هجری) فرموده است: (ملائکے لعنت میگویند) یعنی اینکه بر کسی که مسلمانی را به نام زشت می خواند، ملائکے دعا میکنند که مرتبه و مقامش از میان پرهیزگاران سلب شود. علاوه بر این فکسلو زبنا کلمه ای غیر از نام او یعنی نامی که (یا عنوانی) که او دوست ندارد. ولی اگر کسی او را با الفاظی بخواند که بدش نیاید، اشکالی ندارد، مثلاً به جای اسم اصلی **ابو** عبدالله! (ای برادر!) و غیره بخواند. (خلاصه از: فیض القدیر، ج 6، ص 163، ذیل حدیث: 8666)

با بچگان نیز راست بگوئید:

صحابی پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، سیدنا عبدالله بن عامر رحمۃ اللہ علیہ، (در بیان دوران کودکی مبارکش) گفته است: روزی پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم در خانه ما حضور داشتند که مادرم در حالی که مرا صدای زد که نزد او بیایم، به من گفت: "بیا اینجا. برایت چیزی می دهم." پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم از مادرم پرسید: "چه می خواهی به او بدهی؟" او عرض کرد من به او خرما میدهم، ایشان صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: "اگر چیزی به او نمی دادید، یک دروغ در حساب شما نوشته می شود." (ابو داود، ج 4، ص 387، حدیث 4991)

ذکر خیر سیدنا عبدالله بن عامر:

بیایید! سیرت مبارک صحابی پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم که این روایت را بیان کرده، سیدنا عبدالله بن عامر رحمۃ اللہ علیہ را بشنویم. نام مبارکش عبدالله بن عامر بن کریز است. او قریشی است. او پسر عموی مادری خلیفه سوم مسلمانان سیدنا عثمان غنی رضی اللہ عنہ است. پس از ولادت، او را به حضور پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم آوردند او را دم کرد. در زمان خلافت سیدنا عثمان غنی رضی اللہ عنہ والی بصره و خراسان باقی ماند. سیدنا معاویه رضی اللہ عنہ او را در همان جایگاه حفظ کرد. او بود که کانال بصره را حفر کرد. او بسیار سخاوتمند بود. وی در سال 57 یا 58 هجری قمری از دنیا رفت. (الاصابه لابن حجر، ج 5، ص 14 تا 15)

مال و خانه هر دو را نگه دارید (حکایت کوتاه):

صحابی پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، سیدنا عبدالله بن عامر رضی اللہ عنہ، خانه ای را در بازار به قیمت 70 یا 80 درهم از یک تابعی بزرگوار به نام سیدنا خالد بن عقبه رحمۃ اللہ علیہ خرید. هنگامی که شب فرا رسید، صدای گریه خانواده سیدنا خالد رضی اللہ عنہ را شنید، پس از اعضای خانواده خود پرسید: چرا گریه می کنند؟ گفتند: به خاطر فروش خانه، پس

(شوق سخاوت او برانگیخته شد و) به غلامش گفت: ای غلام برو و به سیدنا خالد بن عقبه رضی الله عنه بگو: خانه و پولی را هم که ما در برابر آن توافق کردیم نگه دار. (شعب الایمان، ج 7، ص 438، شماره بیان: 10887)

خداوند متعال او را بیامرزد و ما را بدون حساب به سبب او مغفرت کند!

اٰمِیْن بِجَاہِ النَّبِیِّ الْاَمِیْن صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّد

نافرمان والدین چگونه اصلاح شد؟

برای افزایش محبت به صحابه و اهل بیت علیہم الرضوان و پرورش فکری برای پرهیز از تحریف نام مسلمانان و عادت کردن به راست گویی، حتی با بچه ها، در قافله های مدنی دعوت اسلامی سفر کنید. گوش فرا دهید به اعجاب مدنی، جوانی که نافرمانی پدر و مادر را میکرد اما به برکت محیط مذهبی دعوت اسلامی اصلاح شد. بسیار خرسند خواهید شد: جوانی که در جهنگ، پنجاب زندگی می کرد، قبلا نماز نمیخواند و از والدین خود نافرمانی می کرد. او همچنین، حقوق خداوند متعال و بندگان را نیز زیر پا می گذاشت. یک باریکی از خویشانش که با محیط مذهبی دعوت اسلامی درارتباط بود، به ملاقات پدرش در مغازه اش آمده بود. در آن زمان او هم آنجا نشسته بود. آن برادر اسلامی از او دعوت کرد تا در اجتماع هفتگی دعوت اسلامی شرکت کند که قبول کرد و در اجتماع مذهبی روز پنجشنبه شرکت کرد. او چنان آرامش روحی در جمع پیدا کرد که پس از آن، حضور در اجتماع مذهبی هر پنج شنبه به عادت او تبدیل شد. نه تنها این، بلکه به کمک برادر اسلامی نسبی خود، این افتخار را نیز داشت که با قافله ی مدنی 3 روزه برای فراگیری و افاده سنن سفر کند. در جریان قافله ی مدنی، دوستان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او انگیزه دادند تا در دوره آموزشی شرکت کند. وقتی از قافله ی مدنی برگشت، بخاطر سرپیچی هایش از پدر و مادر خجالت می کشید. او به پای پدر و مادرش افتاد و از آنها عذرخواهی کرد. آنها نیز محبت کردند و او را بخشیدند. سپس به پدر و مادرش گفت: عمر بسیار کوتاه است؛ هیچ کس نمی داند چه زمانی تمام می شود. من می خواهم در زندگی ام به معارف دینی برسم. با گفتن این حرف ها پدر و مادرش را قانع کرد که به او اجازه شرکت در دوره آموزشی را بدهند و با دریافت اجازه، با خوشحالی چمدان خود را برداشت و در دوره آموزشی شرکت کرد و در آنجا چیزهای زیادی آموخت. روش زندگی او به گونه ای تغییر کرد که کسی از کپیقلو مادر خود نافرمانی می کرد، اکنون قبل از خروج از خانه شروع به بوسیدن پای آنها کرد. سپس در دوره ی درسی علوم فرض نیز شرکت کرد. ضمن پیشرفت، مسئولیت نظارت

حلقه مشاورات در تشکیلات سازمانی دعوت اسلامی نیز به وی محول شد. خداوند متعال به او و ما در ماحول دینی دعوت اسلامی استقامت عنایت فرماید.

اٰمِیْنُ بِجَاہِ النَّبِیِّ الْاَمِیْنِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم

اللہ کرم ایسا کرے تجھ پہ جہاں میں اے دعوت اسلامی تیری دھوم مچی ہو

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّد

خدا ہر درجہاں چنان کرم فرماید ای دعوت اسلامی صیت تو آشطار شود

آرام کردن کودکان با دروغ:

تابعی بزرگوار، سیدنا امام مجاہد رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَیْہِ گفته است: مکالمہ بہ اندازہ ای در کتاب اعمال افسان ثبت می شود کہ وقتی انسان بہ پسرش برای ساکت شدن بگوید: فلان فلان چیز را برای می خرم در حالی کہ قصد خرید آن را نداشته باشد، در کتاب اعمالش برایش یک عمل دروغ نوشتہ میشود. (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 350، احیاء العلوم، ج 3، ص 142)

روشی محتاطانہ برای آرام کردن کودکان در پیش بگیری:

افسوس! امروزہ برای آرام کردن کودکان دروغ بہ وفور گفتہ می شود. مثلاً با وجود نداشتن قصد می گویند: برای شما اسباب بازی، تاب، تافی و فلان بیسکویت می خریم، فلان غذا را برای شما می پزیم و شما را بہ بازدید فلان مکان می بریم و غیرہ. خداوند متعال بہ ما توفیق دہد کہ بہ واسطہ محبوب راستگوش صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم ہمیشہ راست بگوییم.

اٰمِیْنُ بِجَاہِ النَّبِیِّ الْاَمِیْنِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم

اعمال کسی کہ بر زبان خود مسلط است نیز کنترل می شود:

سیدنا یونس بن عبید رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَیْہِ فرمود: "کسی کہ زبانش را با احتیاط بہ کار می برد، من او را در حال انجام اعمال نیک مشاہدہ می کنم." (الصمت مع موسوعہ لی للامام ابن ابی الدنیا، ج 7، ص 63، شمارہ بیان 60)

خوبان خوبیوں برادران اسلام! ہرکس بدون فکر زبانش را مانند قیچی بہ کار برد، دروغ و غیبت و ہر چیز دیگری از او سر میزند. برای کسی کہ زیاد حرف می زند پرهیز از شوخی نیز سخت است و دروغ گفتن در شوخی نیز وجود دارد. بہ یاد داشتہ باشید کہ دروغ بہ عنوان شوخی نیز جایز نیست.

ناراحتی پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم از کسی کہ بہ شوخی دروغ میگوید:

پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم فرمود: ہلاک شود کسی کہ سخن دروغ میگوید تا مردم را بخنداند. ہلاک خواہد شد.

هلاک خواهد شد. (ترمذی، ج 4، ص 142، حدیث 2322)

سقوط در اعماق جهنم

خاتم النبیین ﷺ می فرماید: شخصی که سخن می گوید و صرفاً این کار را برای خندانن مردم میکند. به خاطر آن در چنان عمق جهنم می افتد که فاصله آن از آسمان و زمین بیشتر است. و لغزشی که به دلیل زبان اتفاق می افتد بسیار بیشتر از لغزشی است که از پا ایجاد می شود. (شعب الایمان، ج 4، ص 213، حدیث: 4832)

سیدنا علامه عبدالرئوف منوی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نوشته است که امام غزالی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ فرمود: در اینجا منظور خندانن دیگران به نکته ای است که جنبه غیبت و آزار مسلمان (یا گناه دیگر) دارد. در غیر این صورت، این هشدار علیه یک شوخی عادی نیست. (فیض القدیر، ج 2، ص 425، تحت حدیث: 1984)

بزالان باید متوجه شوند:

در مرآت، جلد 6، صفحه 463 آمده است: طنزپردازان فعلی و غیره که با خندانن مردم امرار معاش می کنند و درآمدشان از خندانن مردم است، از این بیان مبارک پند بگیرند. در این قسمت از حدیث، «لغزشی که در اثر زبان اتفاق می افتد، آمده است: لغزش زبان از لغزش پا خطرناک تر است، زیرا بدن در هنگام لغزش پا زخمی می شود، اما در هنگام لغزش زبان، قلب، روح و جان زخمی می شود. لغزش زبان که باعث قتل و خونریزی می شود. لغزش زبان است که به سبب آن انسان بی ایمان و کافر می شود. ابلیس (یعنی شیطان) هم همچنان به خاطر لغزش زبانش تاکنون مجازات می شود.

حکم نمایش های طنز:

نمایش کمدی در مجموع جائز نیست، زیرا در آن به تمسخر دیگران می پردازند یا به تماشاگران دستور می دهند دیگران را مسخره کنند و احساسات بسیاری جریحه دار می شود. به همین ترتیب، از اشارات زشت نیز استفاده می شود. غیبت از افراد خاص یا تمسخر عیبهایشان نیز رایج است. ظواهر حاضران و غایبان نیز مورد تمسخر قرار می گیرد و علاوه بر غیبت، موارد تهمت نیز موجود است. در بسیاری از موارد، کفر نیز مرتکب شده است، نعوذ بالله. به طور خلاصه، رهایی از همه این مسائل برای آن بسیار دشوار است. بنابراین برای چنین برنامه ای حکم عدم جواز داده می شود. اجراء سازماندهی، تماشا، و داشتن دیگران به دیدن چنین برنامه ای، گرفتن و دادن دستمزد برای آن،

گوش دادن و وادار کردن دیگران به گوش دادن به فایل های صوتی آن و دیدن فیلم های آن، و ویروسی کردن آن به گونه ای که مردم آن را تماشا و گوش کنند، حرام هستند و اعمالی است که به جهنم می انجامد.

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

در عمل آخرت شتاب باید کردن:

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: کار با آرامش در هر کاری خوب است، به جز فعالیت های مربوط به آخرت.
(ابو داود، ج 4، ص 335، حدیث: 481)

توضیح حدیث: یعنی خوب است که امر دنیوی بیشتر طول بکشد، زیرا ممکن است آن کار نادرست باشد و با طولانی کردن، نادرستی آن معلوم شود و از آن اجتناب کنیم، ولی در کارهای خوب کماله مربوط به آخرت است؛ شما باید به محض اینکه فرصتی پیدا کردید آن را انجام دهید، زیرا با تأخیر در آن، ممکن است این فرصت از دست برود. بسیار مشاهده شده که (وقتی) عده ای توفیق (حج) پیدا کردند (در آن زمان) انجام ندادند، بعداً هم نتوانستند این فریضه را انجام دهند. خداوند متعال می فرماید: **فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ط** (ترجمه: برای پیشی گرفتن از دیگران در کار نیک بکوشید.) (جزء 2، سوره بقره: 148). شیطان باعث تأخیر در عمل صالح می شود و در نهایت انسان را از آن بازمی دارد.
(میرآه المناجیح، ج 6، ص 627 خلاصه شده)

گفتار نیک به مشیت الهی است و...

سیدنا امام ابو حامد محمد بن محمد بن محمد غزالی رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فرموده است: سخن زبان بر تمام اعضای بدن اثر می گذارد، هر کس سخنی نیکو بگوید، توفیق الهی نصیبش شده و اگر سخن بدی بگوید، ذلت و خواری است.
(منهاج العابدین (اردو)، ص 142، منهاج العابدین، ص 65)

از کلمات محافظت کنید:

شخصی گفته است: از افکار تان حفاظت کنید چرا که به کلام تبدیل می شوند. از کلمات محافظت کنید زیرا آنها به عمل تبدیل می شوند. از اعمال تان مراقبت کنید چرا که به شخصیتی تبدیل می شوند. از شخصیت تان محافظت کنید زیرا به هویت تان تبدیل می شود.

دیگران نیز زبان دارند:

زبان را به عیب دیگران آلوده نکن زیرا تو هم عیب داری و دیگران هم زبان دارند.

هیچ خوبی در آن گفتار نیست:

اولین خلیفه مسلمین، سیدنا صدیق اکبر رَضِیَ اللہ عَنْہُ می‌گوید: در آن گفتار خیری نیست که هدفش جلب رضایت خداوند متعال نباشد. (حلیۃ الاولیاء، ج 1، ص 71، بیانیه شماره: 82)

با صدا زدن دیگران به شیوه ای خوب، پاداش کسب کنید:

صدا زدن کسی با گفتن "هی" یا جلب توجه او به این شکل روش خوبی نیست. اگر نام او یا کنیه اش را می‌دانید، بهتر است او را به این نام خطاب کنید که سنت است. اگر نامش را نمی‌دانید، پس به صورت متمدنانه و با کلمات مطابق با عرف آن مکان خطاب کنید. هرگاه مسلمان صراحتاً می‌شود، شیوه ی صراحتاً باید بهترین باشد، به نیت کسب ثواب از طریق خشنودی دلش و نیز کل نام را باید گرفت. ضمناً، جایی که مناسب دید، عبارت «برادر» یا «آقا» نیز اضافه شود. اگر حج انجام داده است کلمه «حاجی» را نیز باید شامل کرد.

گفتن لبیک در پاسخ به تماس کسی:

بهتر است کسی که فراخوانده می‌شود با "لبیک" (یعنی اینجا هستم) پاسخ دهد، با این حال، باید وضعیت را ارزیابی کرد تا مبدا با گفتن "لبیک" شما شخص دیگر گیج شود. با لطف خداوند متعال در محیط مذهبی دعوت اسلامی، گاهی اوقات در جواب "لبیک" می‌گویند که به گوش می‌رسد و ممکن است باعث شادی دل مسلمان شود. پدر بزرگوار اعلا حضرت علامه نقی علی خان رَحْمَةُ اللہ عَلَیْہِ نوشته است: هر کس پیامبر اکرم صَلَّى اللہ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم را صدا می‌زند، ایشان صَلَّى اللہ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم پاسخ می‌داد: "لبیک". (یعنی من اینجا هستم). (سرورالقلوب ص 182)

به ندای رسول الله صَلَّى اللہ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم در احادیث مبارکه از اصحاب مبارکه رَضِیَ اللہ عَنْہُمْ پاسخ با لبیک نقل شده است. علاوه بر این، شاهد آن در عمل یک ولی الله نیز یافت می‌شود. از این رو، هرگاه شخصی توجه رهبر بزرگ میلیون ها حنبلی، امام احمد بن حنبل رَحْمَةُ اللہ عَلَیْہِ را به سوی خود جلب می‌کرد، اغلب می‌گفت "لبیک". (مناقب امام احمد بن حنبل للجوزی ص 298) در کتاب معروف دعای سنت "حصن الحصین" آمده است: هرگاه کسی شما را صدا زد، با "لبیک" پاسخ دهید. (حصن الحصین ص 104)

خدایا ما را توفیق ده تا مسلمانان را به نامهای نیک صدا کنیم و ثواب خوشی دلهایشان را به دست آوریم.

اٰمِیْنُ بِجَاہِ النَّبِیِّ الْاَمِیْنِ صَلَّی اللہ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم

کسی که شوخی می کند آبروی خود را از دست می دهد:

دومین خلیفه مسلمین سیدنا عمر فاروق رضی الله عنه فرمودند: "کسی که شوخی کند آبروی خود را از دست می دهد."
(احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 389، احیاء العلوم، ج 3، ص 158)

یکی از دلایل نفرت:

سیدنا عمر بن عبدالعزیز رحمۃ الله علیه فرمودند: "با یکدیگر شوخی و مسخره نکنید، زیرا با این کار (در حال خندیدن) نفرت در دلها ایجاد می شود." (سیرت ابن عبدالحکم، ص 114)

شوخی باعث نفرت می شود:

سیدنا امام محمد بن محمد بن محمد غزالی رحمۃ الله علیه میفرمایند: "گویند هر چیزی بذر دارد و بذر کینه شوخی است. همچنین می گویند شوخی عقل را می دزدد و باعث جدایی دوستان می شود."
(احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 392، احیاء العلوم، ج 3، ص 159)

ای خدای متعال! ما را از تمسخر مردم و طنزهایی که احساسات را جریحه دار می کند حفظ کن و به ما اشتیاق احترام به مسلمانان عطا کن. اَمِیْنُ بِجَاهِ النَّبِیِّ الْأَمِیْنِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّد

تعریف گناه کبیره:

در صراط الجنان جلد 9 در صفحه 567 در تفسیر ذیل آیه 32، جزء 27، سوره نجم آمده است:

ترجمه کنزالعرفان: همانها که از گناهان بزرگ و اعمال زشت دوری می کنند،

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْأَثْمِ وَالْفَوَاحِشَ

[کنز الایمان (ترجمه قرآن)] (قسمت 27، سوره نجم، آیه 32)

گناه آن عملی است که مرتکب آن مستحق عذاب است یا ممکن است بگوییم ارتکاب فعل نامشروع گناه نامیده می شود. به هر حال گناه دو نوع است: (1) صغیره، (2) کبیره. گناه کبیره آن است که با ارتکاب آن در دنیا حد جاری شود (یعنی به حکم شرع مجازات شود). مثلاً: قتل، زنا و دزدی و غیره، یا هشدار عذاب اخروی داده شده باشد، مثلاً:

غیبت، سخن چینی و خودنمایی و غیره. تمام گناهان صغیره و کبیره اما در اینجا (یعنی در این قسمت از آیه) فواحش (یعنی فحشا) به آن دسته از گناهان کبیره اطلاق می شود که شر و هرج و مرج آنها بسیار شدیدتر است، مثلاً ارتکاب زنا، قتل و دزدی و غیره. (خازن ج 4 ص 196 - 197، مدارک ص 1181، ابو سعود، ج 5، ص 648)

تعریف خود پسندی:

ای شیفتگان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ! در تفسیر فوق الذکر در وصف گناهان، خود پسندی نیز آمده است. غرور در عربی به "عجب" معروف است. در کتاب 352 صفحه ای مکتبه المدینه "معلومات بیماری های باطنی" تعاریف زیر از عجب آمده است. در صفحات 36 و 37 نوشته شده است: نسبت دادن کمالات (مثلاً علم و عمل یا مال) به خود و نرسیدن از گم شدن آن، به مثل آن است که گویی شخص خودپسند فراموش می کند که فضل را به فضل دهنده واقعی (یعنی خداوند متعال) نسبت دهد. (یعنی در نظر گرفتن فضلی که مثلاً سلامتی یا زیبایی و فضل یا مال یا هوش یا صدای نیک یا نامگذاری و غیره نصیب خود می شود و فراموش می کند که همه آن از جانب خدای متعال است و هرگاه خداوند متعال اراده کند، می تواند نعمات یا فضیلت داده شده را پس بگیرد.)

(معلومات بیماری های باطنی، ص 36-38، احیاء العلوم، ج 3، ص 404 خلاصه شده)

اعمال خوب 70 ساله تباه شد:

خود پسندی برای اعمال نیک به شدت مخرب است؛ همانطور که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: عجب (یعنی خود پسندی) عمل 70 سال را از بین می برد. (جامع صغیر، ص 127، حدیث 2074)

جرمی بزرگتر از گناه:

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ضمن هشدار درباره عواقب مخرب خود پسندی، فرموده است: "حتی اگر هیچ گناهی مرتکب نشدی، برای تواز جرمی بزرگتر از گناه می ترسم و آن عجب (یا خود پسندی) است." (شعب الایمان، ج 5 ص 453، حدیث 7255) ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این بیان مبارک ایشان خود پسندی را گناهی بسیار بزرگ اعلام کرد.

(احیاء العلوم، ج 3، ص 453)

و بر مسلمان لازم است تا از هر گناه ظاهری و پنهانی دوری کند. خداوند متعال در قرآن کریم، جزء هشتم، سوره انعام، آیه 120 می فرماید:

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ ط

[کنز الایمان (ترجمه قرآن)] [قسمت 8، سوره مبارکه انعام، آیه 20]

ترجمه کنز العرفان: گناهان آشکار و پنهان را رها کنید!

توضیح مهم در مورد خود پسندی

سیدنا امام ابو حامد محمد بن محمد بن محمد غزالی رحمۃ اللہ علیہ نوشته است: کسی که به واسطه ی علم، عمل و مال، خود را صاحب کمال (یا خوبی) بداند، از دو حالت خالی نیست:

1. یکی شخصی است که می ترسد آن خوبی را از دست بدهد و از این می ترسد که تغییری در آن خوبی ایجاد شود یا به کلی از بین برود. پس چنین فردی خودپسند نیست.

2. حالت دوم این است که از کاهش یا از دست دادن آن نترسد، بلکه از این که خداوند متعال این فضل را به او عطا نکرده مطمئن و خرسند باشد و خوبی ها را از جانب خود نمیداند. این شخص هم خودپسند نیست. و برای شخص خودپسند شرط سومی نیز وجود دارد که آن خودپسندی است و آن این است که از فقدان یا کاهش آن فضیلت نترسد، بلکه از آن مطمئن و خرسند باشد و گمان کند که سبب این خلین بخوبی، فضیلت و برتری است. او از این خاطر خوشحال نیست که این نعمت و فضل خداوند متعال است، بلکه دلیل شادی او (یعنی خودپسند) این است که آن را فضیلت و خوبی خود می داند. او آن را عطا و برکت خداوند متعال نمی داند. (احیاء العلوم، ج 3، ص 454)

خودپسندی را یک علاج مجرب

امام غزالی رحمۃ اللہ علیہ فرمودند: اصحاب مبارک علیہم الرضوان با وجود پرهیز و تقوای خود آرزو می کردند که شن و پوسته گیاه یا پرند می بودند، پس چگونه انسان عاقل بر عمل خود فخر یا به آن مباهات کند، و چگونه از نفس خود نترسد؟ ای خودپسند! می دانی که به وسیله آن حس خود پسندی به کلی ریشه کن می شود. هنگامی که شخص مبتلا به خود پسندی با این روش خود را درمان می کند، پس وقتی که خود پسندی بر دل او چیره می شود، در آن هنگام، ترس از دست دادن نعمت او را از فخر فروشی باز می دارد، در واقع وقتی فکلفقوان را می بیند که از مال ایمان و اطاعت از خداوند متعال محروم شده اند، لذا می ترسد و با خود به فکر فرو میرود و میگوید آیا خدای متعال که هرکس را بخواهد بدون هیچ گناهی محروم! کند و هرکس را بخواهد بدون هیچ واسطه ای عطا میکند، نمی تواند نعمت عطا فرموده را پس بگیرد؟ بسیاری از مؤمنان هستند که مرتد شده و مسلمان وارسته که فاسق شده و آخر عاقبتشان خراب

شده است. وقتی انسان اینگونه فکری کند دیگر خود پسندی در او باقی نمی ماند. (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 1106، احیاء العلوم، ج 3، ص 458)

حِبِّ جَاهٍ وَخُودِ پَسَنْدِی کی مِتا دے عاداتین
یا الہی! باغِ جنت کی عطا کر ربثائیں
عاداتِ حِبِّ جَاهٍ وَخُودِ پَسَنْدِی ختم کن
خدا یا! راحتہائے باغِ جنت نصیب کن

اٰمِیْنُ بِجَاہِ النَّبِیِّ الْاَمِیْنِ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم

ہشت علت و درمان خودپسندی

امام ابو حامد محمد بن محمد بن محمد غزالی رحمۃ اللہ علیہ در "احیاء العلوم" ہشت دلیل از خود پسندی و درمان آنها را بیان کرده است:

1. علت اول: "خود پسندی در زیبایی ظاہری." علاج آن این است کہ انسان در پلیدی خود پسندی خود بیندیشد و در آغاز و پایان خود بیندیشد (یعنی در ابتدا قطرہ ای نجس بود و در آخر میت گندیدہ ای خواہد بود).
2. علت دوم: "فخر کردن بہ نیرو و قدرت." علاج آن این است کہ انسان فکر کند کہ خدای متعال ممکن است این نیرو را فقط با یک آزمایش جزئی (مثلاً بیماری، تصادف و غیرہ) پس بگیرد.
3. علت سوم: "فخر کردن بہ زکات و خردمندی." علاج آن این است کہ انسان فکر کند بہ دلیل بیماری یا حادثہ و غیرہ خدای تواند این فضیلت را از وی بگیرد.
4. علت چہارم: "افتخار بہ داشتن اصالت در نسب." علاج آن این است کہ انسان بیندیشد کہ چگونہ می تواند بدون انجام اعمال خوب، مانند آبا و اجداد خود بہ مقام آنها برسد؟
5. علت پنجم: "بالیدن بہ حمایت از ظالم و اہمیت ندادن بہ معاشرت با افراد متدین و عالمان." علاج آن این است کہ انسان عاقبت اخروی این ستمگران را در نظر داشتہ باشد و این ظالمان را مستحق خشم خداوند متعال بداند.

6. علت ششم: "بالیدن به داشتن غلامان و زیردستان." علاج آن این است که انسان ضعف خود را در نظر داشته باشد و در ذهن خود تلقین کند که همه مردم بندگان حقیر خداوند متعال هستند.

7. علت هفتم: "مباهات به مال و ثروت است." علاج آن این است که انسان به مصیبت های مال و ثروت، حقوق آن و فتنه های ناشی از آن توجه کند.

8. علت هشتم: "فخر کردن به نظر نادرست خود." علاج آن این است که انسان هرگز بر صحت نظر خود تکیه نکند (یعنی فکر کند که ممکن است نظر او اشتباه باشد). (معلومات بیماری های باطنی، ص 38-43: إحياء العلوم، ج 3، ص 1107-1119 خلاصه شده)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

نوجوان نا اهل شروع به اصلاح کرد:

ای شیفتگان رسول اکرم ﷺ! برای کسب اطلاعات از خود پسندی و بدی ها، عادت به گناه را از بین ببرید و برای افزایش شوق کار خیر، همیشه با محیط مذهبی دعوت اسلامی همراه باشید. در محیط مذهبی دعوت اسلامی افراد بد اصلاح می شوند. بگذارید یک شگفتی مدنی را در این زمینه به شما بگویم: جوانی که در لاهور، پنجاب زندگی می کرد، به ورزش علاقه زیادی داشت. از صبح تا عصر تنها کاری که می کرد ورزش بود. پدرش که او هم امام جماعت یک مسجد بود او را بسیار نصیحت می کرد ولی او دست از این کار بر نمی داشت. علاقه به ورزش آنقدر زیاد شد که مَعَآذَ اللَّهِ قمار را هم شروع کرد. علاوه از این میدان بازی، سرگرمی مورد علاقه او گشت و گذار در خیابان ها و بازارها با دوستان تا پاسی از شب و بازدید از کافی نت ها بود. او عادت راست گفتن را هم نداشت، به همین دلیل، وقتی شب دیر به خانه می رسید، دروغ می گفت که چرا دیر کرده است. چگونگی تغییر در زندگی او این بود که پدرش وضعیت او را به یکی از برادران اسلامی مرتبط با محیط مذهبی دعوت اسلامی گفت و از او خواست تا او را اصلاح کند. با همت آن برادر اسلامی، پس از دوسه بار حضور در اجماع سنتی، با قافله مدنی، 3 روزه برای آموختن و افاده سنن به سفر رفت. او در جمع ارادتمندان رسول ﷺ شروع به آموختن سنت ها و اعمال نیکی کرد که قبلاً یاد نداشتن بزرگشک از قافله مدنی عزم خود را جزم کرد که به عنوان فردی شایسته و با تقوا زندگی خود را در جامعه بگذراند. به رحمت خداوند متعال به ماحول دینی دعوت اسلامی وابسته شد.

رب کے در پر جھکین، التجائیں کریں

بابِ رحمت کھلے، قافلے مے چلو

فروتن باش بردرخنا التجاها کنی

بابِ رحمت وَا شُد درکاروان برو

(وسائل بخشش، ص 671)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

چهار فرموده پیامبر اکرم صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مورد فحش گفتن :

کسی که سخنان زشت بر زبان می آورد، فردی بی باک (یعنی بی ادب و نترس) است و بزرگترین محرومیت او اینست که خدای متعال و پیامبر گرامیش صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چنین شخصی را نمی پسندد و جایگاهش در جهنم است. در این زمینه به چهار سخن پیامبر اکرم صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گوش فرا دهید و پند بگیرید:

- (1) فحش گویی شاخه ای از بد اخلاقی و بد اخلاقی به جهنم منتهی می شود. (ترمذی، ج 3، ص 406، حدیث 2016)
 - (2) اعمال زشت و گفتارهای ناپسند با اسلام ارتباطی ندارد. (مسند احمد بن حنبل، ج 7، ص 431، حدیث 20997)
 - (3) گفتار زشت و بد زبانی نزد خداوند متعال ناپسندیده است. (مسلم، ص 920، حدیث 5659)
 - (4) اگر گفتار زشت به شکل انسانی می بود، به صورت شخص بدی می بود.
- (الصمت لابن ابی الدنيا مع موسوعه، ج 7، ص 206، حدیث 331)

زشت گوئی پُر خطر مرض است

تابعی بزرگوار، سیدنا احنف بن قیس رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ یک بار به مردم گفت: آیا بدترین بیماری ها را به شما نگویم؟ "مردم گفتند: حتما بر ایمان بگوئید، ایشان رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فرمودند: بد اخلاقی و بد زبانی خطرناک ترین بیماری است.

(ادب الدنيا والدین ص 383)

ای پروردگار مصطفی! به خاطر شرم و حیای سومین خلیفه مسلمین سیدنا عثمان غنی رَحِیَ اللَّهُ عَنْهُ ما را از گفتار زشت و

اعمال زشت محفوظ بدار. اَمِیْنُ بِجَاهِ النَّبِیِّ اَلْاَمِیْنِ صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

به شکل سگ:

سیدنا ابراهیم بن میسره رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ میفرمایند: "گویند کسی که سخنان زشت بگوید، به صورت سگ در روز قیامت

خواهد آمد." (الصمت لابن ابی الدنيا مع موسوعه، ج 7، ص 205، بیان شماره 329)

تعریف گفتار زشت:

چه خوشبختند آن برادران و خواهران اسلامی که زبانشان را فقط برای گفتار نیک تکان می دهند و به کثرت "دعوت به نیکی" را به مردم ابلاغ میکنند. افسوس! امروزه به سختی تجمعات مردمی دور از سخنان فحشا وجود دارد، به طوری که حتی افرادی دینداری هستند اغلب نمی توانند از آن اجتناب کنند. شاید عوام ندانند سخنان زشت چیست. پس به این تعریف از گفتار زشت گوش کنید: **«التَّعْيِيرُ عَنِ الْأُمُورِ الْمُسْتَقْبَحَةِ بِالْعِبَارَاتِ الصَّرِيحَةِ»** یعنی توضیح دادن سخنان و اعمال شرم آور در کلمات صریح. (حیاء العلوم، ج 3، ص 151) پس آن نوجوانی که برای تسکین «میل شخصی» خود نه تنها سخنان ناشایست می گوید، بلکه با شنیدن چنین سخنانی، دل خود را تسکین می دهد، آنان که الفاظ زشت بر زبان می آورند، کسانی که اشاره های بی شرمانه میکنند و از این حرکات قبیحانه لذت می برند و آنهایی که بخاطر کسب "لذت های گناه آلود" فیلم و سریال (که مملو از فحشا هستند) تماشا می کنند، باید این روایت دلخراش را بارها و بارها بخوانند و از ترس پروردگار بلرزند. پیامبر اکرم **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** و سلم فرمود: "بهشت بر کسی که اعمال و گفتار زشت می کند حرام است." (الصمت ج 7، ص 204، حدیث 325)

کسانی که بر زمزمه های پلید شیطانی در مورد زنان نامحرم یا پسران جذاب بی ریش تمرکز می کنند، در افکار شرم آور غوطه ور می شوند و معاذ الله کسانی که از تصور «عمل پلید» لذت می برند، باید از روایت مذکور پند گیرند.

(سراج منیر شرح جامعه صغیر، ج 3، ص 84)

آئین نہ مجھ کو وسوسے اور گندے خیالات
اللہ! نکل جائے ہر اک دل سے بری بات
داخل نہ شونہ درمن وساوس و افکار پلید
خدایا! بروں خواہد شد از دل ہر گفتار بد
صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْبِ صَلَّی اللہُ عَلَی مُحَمَّدٍ

ہشت مروارید مدنی در مورد خوش گفتاری

1. خندان و با روی خوش صحبت کردن سنت است.
2. هنگام صحبت کردن، لحن محبت آمیز با کودکان و لحن محترمانه با بزرگترها را حفظ کنید. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**، شما مورد احترام هر دو هستید.

3. با صدای بلند سخن گفتن سنت نیست.
4. دست انداختن در هنگام صحبت کردن با یکدیگر صحیح نیست، زیرا خلاف رویه افراد محترم و متمدن است.
(صراط الجنان، ج 7، ص 502 - 503)
5. هنگام صحبت کردن، خاراندن مکرر بینی در مقابل دیگران، فرو بردن انگشت در بینی یا گوش، تف کردن، پاک کردن کثیفی از بدن و دست زدن یا خاراندن عورت خوب نیست. این کارها را نباید بی جهت حتی در خلوت انجام داد.
6. تا زمانی که طرف مقابل صحبت می کند، باید از نگاه کردن به این طرف و آن طرف پرهیز بکنیم تا زمانی که او گوش دهیم. در بین سخنان او هم نباید حرف بزنیم که این کار خلاف ادب است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در بین سخنان کسی حرفش را قطع نمیکرد! با این حال، اگر کسی می خواست از حدود سخن گفتن تجاوز می کرد، او را متوقف می کرد یا آن مکان را ترک میکرد. (شمائل ترمذی، ص 200 خلاصه شده)
7. تقلید کسی که لکنت زبان دارد را درغیابش نکنید، زیرا غیبت است و تقلید درحضور او نیز باعث جریمه دار شدن احساسات او می شود.
8. بیش از حد صحبت کردن قهقهه (خندیدن با صدای بلند) در حین تکلم باعث کاهش حرمت و هیبت می شود.

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّيَ اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

۱۵ سخنان حکیمانه که در دنیا و آخرت مفید است:

1. از سیدنا لقمان حکیم رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ پرسیدند: چگونه به این مقام و رتبه دست یافتی؟ فرمودند: با گفتن حق و وفای امانت و ترک چیزهای بیهوده. (حلیة الاولیاء، ج 6، ص 358، حدیث، 8925، سخنان مردان خدا، ج 6، ص 462)
2. امام غزالی رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ فرمود: چیزی که (به کسی برای اصلاح او) درحضور همه گفته می شود، بی عزتی بشمار می آید و آن چیزی که (به کسی برای اصلاح او) در خلوت گفته میشود، شفقت و نصیحت است.
(إحياء العلوم (اردو)، ج 2، ص 659)
3. چهار چیز منجر به چهار چیز می شود: (1) "سکوت" به امنیت (2) "نیکی" به بزرگواری (3) "سخاوت" به رهبری و (4) "شکرگزاری" به افزایش نعمت. (چیزهای عجیب دین و دنیا، ج 1، ص 84)

4. گفتار انسان وصف فضیلت او و نماینده عقل اوست. بنابراین، آن را به گفتار خوب و کم محدود کنید. (یعنی عقل انسان از گفتارش مشخص می شود، پس کمتر حرف بزند تا که ضعف ها نهفته باقی بماند، زیرا با ادامه صحبت، حماقت او آشکار می شود.)

5. انسان با طرزسخنش شناخته می شود و با اعمالش ~~مشهور~~ ^{مشهور} گردد. بنابراین، سخنان پسندیده بگویید (و فقط اعمال نیک انجام دهید).

6. کسی که خود را بشناسد، زبانش را حفظ کند، دست به کارهای بیهوده نزند و برادر مسلمان خود را رسوا نکند، برای همیشه در امان است و به ندرت شرمند می شود.

7. سکوت اختیار کن و راستگو باش، زیرا سکوت محافظ است و راستگویی موجب عزت است.

8. کسی که زیاد حرف بزند، خردمندان از او دوری می کنند و از او می گریزند.

9. کسی که در گفتگویش راست بگوید، خوش اخلاقی او زیاد می شود.

10. سکوتی که امنیت می آورد بهتر از گفتاری است که باعث خجالت می شود.

11. کسی که سخنان نامناسب می گوید، چیزهای ناخوشایندی می شنود.

12. زخم زبان از زخم شمشیر شدیدتر است.

13. سکوت در برابر گفتار رکیک و دردناک جاهل، جواب کامل اوست و موجب درد و رنج فراوان آن نادان می شود.

14. زبان چنان شمشیر هرنده ای است که حفاظت از ضربه آن ممکن نیست و گفتار چنان تیرها شده ای است که بازگرداندن آن ممکن نیست. (چیزهای عجیب دین و دنیا، ج 1، ص 85-88، با تغییرات جزئی)

15. راز خود را به کسی نگو، زیرا رازی که در دل حفاظت نشود، در جایی دیگر نیز حفاظت نمی شود.

(پنجاه سخن دلچسپ و مملوء از نصایح مفید)

(این نکات از شبکه های اجتماعی وغیره، گرفته شده و با تغییراتی ارائه شده است.)

1. یک نخ و یک زبان دراز اغلب در هم پیچیده می شود. لهذا نخ را تا کرده و زبان را نگه دارید.
2. بیماری دیابت حاصل خوردن شیرینی است نه شیرین صحبت کردن.
3. وقتی چاقو و خنجر و تیر و شمشیر نشسته بودند و به این فکر می کردند که چه چیزی زخم عمیق تری وارد می کند، در آن زمان کلمات زشت پشت سرشان نشسته و می خندیدند (یعنی زخم کلمات از همه عمیق است).
4. در مورد سخنانی که مردم بخاطر آنها می جنگند و زیر مشتی خاک دفن می شوند، می بر همان سخنان توانند کمی خاک را بریزند (بیخشند و فراموش کنند) و زندگی راحت در دنیا داشته باشند.
5. ذبح نه تنها با چاقو بلکه با کلمات نیز انجام می شود. این فقط گلوله نیست که می کشد، بلکه رویه بد (یعنی بد رفتاری) نیز باعث مرگ می شود. به راستی که یک گلوله و یک چاقو رابطه را با دنیا قطع می کند، اما زخم زبان و تأثیر رویه بد، حلقه ای دور گردن تبدیل می شود که نه میگذارد زنده بمانی و نه میکشد.
6. فقط زمانی صحبت کنید که کلمات شما مفیدتر و زیباتر از سکوت شما باشند.
7. طوطی حتی بعد از خوردن فلفل تند هم کلمات شیرین را به زبان می آورد در حالی که انسان اغلب حتی پس از خوردن شیرینی کلمات تلخ را به زبان می آورد.
8. حتی زهر کسی که سخنان شیرین می گوید فروخته می شود، در حالی که عسل کسی که سخنان تلخ می گوید فروخته نمی شود.
9. همانطور که میوه شیرین را هنگام خرید میوه انتخاب می کنید، به همین ترتیب، هنگام ~~طراحی~~ کلمات شیرین را انتخاب کنید.
10. چنانکه سوراخ های کوچک در یک اتاق بسته، طلوع خورشید را آشکار می کنند، به همین ترتیب، سخن های ناچیز و کوچک شخصیت یک انسان را نمایان می کند.
11. بدون شک کلمات نیز اهمیت دارند، اما گاهی اوقات، تأثیر ~~لحن~~ بسیار بیشتر است.
12. همیشه کلمات شیرین به زبان بیاورید، زیرا اگر آنها را پس بگیرد، برایتان تلخ نگردند.

13. پاسخ برخی از سؤالات را زبان نه، بلکه زمان می دهد و پاسخ هایی که به وسیله زمان داده می شود انکارناپذیر است.
14. می گویند: «رابطه به خاطر یک سخن جزئی قطع شد»، حالانکه، گاهی اوقات در پشت آن «سخن جزئی» بسیار سخنان دیگری وجود دارد که آن سخن جزئی در واقع آخرین حد تحمل میباشد.
15. انسان پشت زبانش پنهان است؛ اگر می خواهید او را درک کنید، اجازه دهید صحبت کند.
16. کلمات دندان ندارند اما گاز می گیرند و وقتی می گزند زخمشان به این راحتی خوب نمی شود.
17. گاهی مردم چنان با لحن ملایم سخنان تندی می گویند که یک عمر می گذرد تا حرارت تندی کلماتشان را فروکش کند (یعنی فراموش کنند).
18. وقتی عقل کوچک شد زبان دراز می شود.
19. وقتی ماشین زنگ می زند، قطعات شروع به سرو صدا می کنند و وقتی زنگل می زند، زبان شروع به گفتن کلمات بیهوده می کند.
20. قبل از صحبت کردن خوب فکر کنید، زیرا کلمات شما می توانند به شدت قلب کسی را بشکنند.
21. نکته از طریق کلماتی که با لحن شایسته گفته می شود فهمیده و به قلب القا می شود زیرا گاهی جادو در کلمات کمتر و در لحن بیشتر است.
22. عموماً همه صحبت کردن را بلدند، مگر بعضی ها عقلشان صحبت می کند و بعضی ها اخلاقشان.
23. گفتگو چنان عملی است که انسان بواسطه اش یا در دل کسی وارد می شود یا از دل کسی خارج می شود.
24. چند عبارت شیرین، صمیمانه و بالحن محترمانه می تواند روح کسی را تازه کند.
25. کلمات تحقیر آمیز و زهرآگین گاهی اوقات کافی است که انسان را از بین ببرد.

- 26 و 27) غسل همه دنیا را جمع کن اما یک کلمه شیرین از زبان، شیرینتر از (غسل تمام دنیا) است و زهر همه دنیا را جمع کن اما یک کلمه تلخ از زبان، تلختر از (تمام سموم دنیا) است.
28. حفظ زبان از سخنان تلخ موفقیت بزرگی است.
29. تمام دنیا را می توان با عشق و کلمات ملایم فتح کرد.
30. با وجود اینکه اندازه زبان کوچک است اما افراد بسیار کمی قادر به کنترل آن هستند.
31. فقط با کنترل زبان خویش می توانید بسیاری از مشکلات راحل نمائید.
32. اگر می خواهید کسی را اصلاح سازید، با لحن ملایم برخورد نمائید چراکه لحن ملایم شوق اصلاح را برمی انگیزد و لحن تند باعث لجابت می شود.
33. پاسخ بسیاری از حرف ها سکوت است و سکوت پاسخ بسیار زیبایی است.
34. پرندگان به خاطر پاهایشان و انسان ها به خاطر زبانیشان به دام می افتند
35. در گفتگو نرمی را اختیار کنید چراکه لحن تأثیر بیشتری نسبت به کلمات دارد.
36. اگر قاشق آلوده شود با آب اندک پاک می شود ولی اگر زبان آلوده شود حتی آب هفت اقیانوس هم نمی تواند آن را پاک کند.
37. اگر کسی غذا را مسموم کند، علاج آن ممکن است آنگورگوش را مسموم کند، درمان آن بسیار مشکل می شود.
38. زبانت را به سلام دادن به مسلمانان عادت بده. از این طریق دوستان افزایش و دشمنان کاهش می یابد.
39. زبان کودک اغلب راز خوب یا بد بودن شخصیت انسان را فاش می کند.
40. همیشه باید احتیاط کرد، حتی در موارد جزئی، زیرا انسان فقط از کوه کوه با نمی لغزد، بلکه توسط سنگی های کوچک هم به زمین می خورد.

41. گمان بد و بدزبانی دو عیب است که می تواند هر کمال انسان را به نقصان تبدیل کند.
42. بسیاری از دوستی ها با مراقبت از سخنان جزئی به وجود می آید.
43. زبانت را محفوظ بدار، **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**، عزت خواهی یافت. در غیر این صورت، برای استقبال ذلت آماده باش.
44. به جای اینکه صدای خود را بلند کنی، استدلال خود را مطرح کنی. گله ها از طریق باران شکوفا می شوند نه از غرش رعد.
45. یک بار دروغ گفتن می تواند صداقت ابدی شما را زیر سوال ببرد.
46. آدم عاقل تا همه ساکت نشوند حرف نمی زند.
47. پس از گوش دادن به سخنان انتقادی شجاعت خود را از دست ندهید. هیاهو توسط تماشاگران ایجاد می شود نه بازیکنان.
48. اگر نمی توانید با دادن مقداری پول کسی را خوشحال کنید، حداقل با گفتن دو کلمه شیرین او را خوشحال کنید.
49. همیشه با مردم خوب رفتار کنید. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**، عزت شما برای همیشه در دلتا جاویدان خواهد بود.
50. عیب های مرا فقط به قصد اصلاح به خودم بگو؛ من شعبه دیگری ندارم.

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

19 اصطلاح عربی در مورد زبان درتناسب با نوزده حرف ”بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ“ (با ترجمه فارسی)

- (1) **خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قُلَّ وَدَلَّ** (بهترین گفتار آن است که کوتاه و موثق باشد).
- (2) **عَيْبُ الْكَلَامِ تَطْوِيلُهُ** (عیب گفتگو (بلا ضرورت) طول کشیدن آن است)
- (3) **بَلَاءُ الْإِنْسَانِ مِنَ اللِّسَانِ** (انسان به خاطر زبان دچار آزمایش می شود)
- (4) **لِسَانُكَ دَاءٌ مَالَهُ دَوَاءٌ** (استفاده نادرست از زبان بیماری است که درمان ندارد)

- (5) لَا تُكْثِرْ كَلَامَكَ فَيَقِلَّ مَقَامُكَ (زیاد حرف ننزید وگرنه مقام ومرتبه تان کم می شود)
- (6) حِفْظُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ (امنیت انسان در حفظ زبان است)
- (7) يَبُوءُ الْفَتَى مِنْ عَثْرَةِ بِلْسَانِهِ وَلَيْسَ يَبُوءُ مِنْ عَثْرَةِ الرِّجْلِ (نوجوان به خاطر لغزش زبانش می میرد، نه به خاطر لغزش پایش)
- (8) خَيْرُ الْخِلَالِ حِفْظُ اللِّسَانِ (محافظت از زبان بهترین خصلت و عادت است)
- (9) صَدْرُكَ أَوْ سَمُّ لِسَانِكَ (سینه شما جای گسترده ای برای راز شماست، پس نقاط ضعف خود را برای هر کسی آشکار نکنید)
- (10) مَا أَصْغَرَ اللِّسَانَ وَمَا أَكْثَرَ نَفْعَهُ وَصَرَرَهُ (اگر چه اندازه زبان کوچک است اما سود و زیانش بیسار است!)
- (11) جُرْحُ اللِّسَانِ أَكْبَلُ مِنْ جُرْحِ السِّهَامِ (زخم زبان دردناکتر از زخم تیر است)
- (12) مَنْ حَفِظَ لِسَانَهُ نَجَا مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ (کسی که زبانش را حفظ کرد، از همه بدی ها نجات یافت)
- (13) لَا تَتْرُكْ لِسَانَكَ يَقْطَعُ عَنْقَكَ (زبان را آنقدر آزاد رها نکن که در نهایت سرت را ببرد)
- (14) مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ قَلَّ فِعْلُهُ (هر که حرفش زیاد شود کارش کم می شود)
- (15) مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ مَلَامُهُ (کسی که زیاد حرف می زند، بیشتر با خجالت مواجه می شود)
- (16) مَنْ عَذِبَ لِسَانُهُ كَثُرَ إِخْوَانُهُ (کسی که زبانش شیرین است، دوستان بیشتری دارد)
- (17) أَلْسِنَانُ مِفْتَاحُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ (کلید خوبی و بدی، زبان است)
- (18) الْحَرْبُ أَوَّلُهَا كَلَامٌ (جنگ با زبان آغاز می شود)
- (19) لَيْسَ الْكَلَامُ قَيْدُ الْقُلُوبِ (کلمات ملایم قلب ها را می رباید)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

11 اصطلاح اردو در مورد زبان در تناسب با یازده حروف ”یا رب! کرم فرما“ (با معانی فارسی)

(کلمه یا عبارتی که زبان شناسان با ارتباط و یا بدون ارتباط با معنای تحت اللفظی مشخص کرده اند).

1. "زبان بدالنای سای گالی بدالنای باهترهای" (یعنی تحمل ضرر و زیان بهتر از وفا نکردن به عهد است).
2. "زبان بر سر دینا" (یعنی برای وفای به عهد جانت را به خطر بنداز).
3. "زبان سه فول جرنای" (یعنی گفتن کلمات بسیار شیرین).
4. "زبان قاینچی کی تاره چالنا" (یعنی خیلی تند صحبت کردن).
5. "زبان کو لا گام داو" (یعنی قبل از صحبت کردن فکر کنید).
6. "زبان هیلنای سای کام نیکالنا های" (یعنی کار با صحبت کردن و شنیدن انجام می شود. هدف از طریق میانجیگری به دست می آید).
7. "پهلی تولو باد مین بولو" (یعنی اول تأمل کنید؛ اگر مطلبی ارزش گفتن داشت، آن را بیان کنید، در غیر این صورت سکوت کنید).
8. "ایک چپ سوسکه" (یعنی در سکوت آسایش بی نظیر نهفته است).
9. "ایک چپ سو کو هرائے" (یعنی فقط یک فرد ساکت موفق می شود).
10. "جوبات داؤ ہونٹن میں نہیں سمتی وو کہیں بھی نہیں سمتی" (یعنی پس از گفتن رازی به کسی، داشتن این امید بیهوده است که دیگران از آن مطلع نشوند).
11. "زبان من کهجلی هونا" (یعنی حاضر به بحث).

توبه از عادات گناه نصیب گردید:

ای شیفتگان رسول! بدون شک سخن گفتن هم عمل است؛ اگر مطابق رضای خداوند متعال باشد ثواب، و اگر چنین نباشد، و گنجل و عذاب است و اگر بیهوده باشد در آخرت حساب است. برای افزایش دانش خود در مورد این چیزها و شوق عمل به آنها، سفر با قافله مدنی دعوت اسلامی، برای یادگیری و افاده سنن مفید است. یک شگفتی مدنی را اینجا بخوانید: جوانی که در منطقه ای از کراچی، منطقه لایز زندگی می کرد، قبل از ورود به محیط مذهبی زندگی گناه آلودی داشت. دروغ گفتن، نافرمانی از والدین خود، نشان دادن عصبانیت در مورد مسائل بی اهمیت،

پوشیدن حلقه، ناخن انگشتان را بلند ماندن و غیره، گویا تبدیل به یک بخشی از زندگی اش شده بود. با وجود توصیه های مربوط به بیجا بل نداشت. سرانجام با تلاش فردی برادران اسلامی، این افتخار را پیدا کرد که در قافله مدنی 3 روزه دعوت اسلامی برای فراگیری و ابلاغ سنن سفر کند. به برکت قافله مدنی، از عادات پلید دروغگویی پشیمان شد و ناخن بسیار بلند خود را که با وجود حرام بودن کوتاه همان کجا در قافله مدنی کوتاه کرد. از عادات بد خود پشیمان شد و نیت خیر کرد که از پدر و مادر عذرخواهی کند و آنها را خوشحال کند، خشم خود را مهار کند، در فعالیت های مذهبی دعوت اسلامی شرکت کند و دیگران را نیز به این امر دعوت کند.

ای شیفتگان رسول! در این شگفتی مدنی شنیدید که آن برادر جوان اسلامی انگشت و بند ناروا می بست. در این باره در کتاب مکتبه المدینه «رفیق الحرمین» در صفحه 82 آمده است: برادران اسلامی هر گاه انگشت به دست کنند، فقط یک انگشت نقره به وزن کمتر از 4 گرم یا 374 میلی گرم به دست کنند. آنها نباید بیش از یک انگشت بپوشند و در آن انگشت نیز فقط یک نگین وجود داشته باشد. و انگشت بدون نگین هم نباشد. وزن نگین نیز محدودیتی ندارد. مچ بند ساخته شده از نقره یا هر فلز دیگری (حتی اگر از مدینه شریف باشد) یا انگشتی از فلز (مثلاً طلا، مس، آهن، برنج و فولاد) غیر فلز انگشتی که مشخصات آن ذکر شده است، قابل پوشیدن نیست. پوشیدن گردنبند زنجیری از طلا، نقره یا هر چیز دیگر، برای مردان گناه است.

ضمناً در شگفتی مدنی مذکور، این نیز اشاره شده است که جوان ناخن انگشت کوچک خود را بسیار دراز می کرد. در این خصوص حکم شرع این است که بلند کردن ناخن یا موی زیر بغل یا موی زیر ناف بیش از چهل روز جایز نیست. بعد از 40 روز گناهکار خواهید شد. اگر یک یا دو بار اتفاق بیفتد، گناه صغیره است؛ اما اگر به عادت تبدیل شود، گناه کبیره و معصیت خواهد بود. (فتاوی رضویه، ج 22، ص 678)

سنتیں سیکھنے تین دن کیلے

پر مہینے چلیں، قافلے میں چلو

بیا موز سنتہا درسہ روز

پر ماہ برو درکاروان برو

(وسائل بخشش، ص 680)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّی اللہُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

ای پروردگار مصطفی! ما را به آداب گفتار توفیق ده و هرگز چیزی را که موجب ناراحتی تو شود، بر زبان نیاورد.

اٰمِيْنُ بِجَاہِ النَّبِيِّ الْاَمِيْنِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم

دعوت به سوی نیکی (مختصر) :

ما بندگان گناهکار خداوند متعال و پیرو حبیبش صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم هستیم! زندگی قطعا کوتاه است. به پایان زندگی نزدیک می شویم. به زودی در قبر تاریکی قرار خواهیم گرفت. رستگاری در اطاعت از فرمان خداوند متعال و عمل به سنت پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم است! یک قافله مدنی از نهضت دینی عاشقان رسول صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم، "دعوت اسلامی" از به مسجد محل شما آمده. ما اینجا هستیم تا "دعوت به سوی نیکی" را ارائه دهیم. یک جلسه درسی همین الان در مسجد در حال دائر شدن است، لطفا همین الان برای حضور در درس حاضر شوید. ما اینجا هستیم تا شما را با خود ببریم. لطفا بیایید (لاگنرویکی حاضر به رفتن نبود، بگو) اگر الان نمی توانید بیایید، نماز مغرب را در آنجا ادا کنید. پس از نماز اِنَّ هَآءِ اللّٰہ سخنرانی الهام گرفته از سنت ایراد خواهد شد. از شما درخواست میشود که به سخنرانی گوش دهید. خداوند متعال به شما و ما برکات ہو رلوعجلھا فرماید! آمین

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ
 أَمَّا بَعْدُ فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ط

فضیلت پرهیز از گفتار بیهوده

ای رب مصطفی! هر که 105 صفحه «فضیلت پرهیز از سخنان بیهوده» را بخواند یا گوش دهد، او را از کارهای بیهوده محفوظ بدار، او را درجمله صالحین شامل کن و به او شرف ادای حج و دیدن مدینه منوره را عطا کن.

أَمِينَ بِجَاهِ النَّبِيِّ الْأَمِينِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

زیاد خواندن صلوات نصرت کرد:

سیدنا ابوبکر شبلی بغدادی رَحِمَهُ اللهُ عَلَيهِ گفته است: در خواب یکی از همسایه های خود را در گذشته دیدم و پرسیدم: مَا فَعَلَ اللهُ بِكَ؟ یعنی خداوند متعال با شما چگونه رفتار کرد؟ او گفت: به سختی گرفتار شدم، حتی نتوانستم به سؤالات نکیر و منکر پاسخ دهم، فکر کردم شاید مؤمن از دنیا نرفته ام! که ناگهان صدای به گوش رسید که: "به خاطر استفاده بی مورد از زبان در دنیا به تو این جزا داده می شود". سپس فرشتگان عذاب به سوی من آمدند در این حال شخصی زیبا و بسیار خوشبو بین من و عذاب حصاری شد و پاسخ سؤالات نکیر و منکر را به من یادآوری کرد. و من هم به همین ترتیب جواب دادم. به لطف خداوند متعال عذاب از من برداشته شد. به آن بزرگوار گفتم: خداوند متعال تو را بیامرزد! تو کی هستی؟ فرمود: «من به برکت فرستادن صلوات فراوان تو آفریده شده ام و مأمور شده ام که در هر سختی به تو کمک کند.» (القول البدیع ص 260)

آپ کا نام نامی ای صل علی
 ہر جگہ ہر مصیبت میں کام آگیا۔

نام شما عظیم اے صل علی۔
 در مصیبتہا نصرت کند

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

برادران عزیز اسلامی! امروزه در جامعه ما متأسفانه کمتر کسانی را پیدا می‌کنیم که سکوت کنند. زبان بعضی‌ها در طول روز در حال حرکت است. فقط در زمان خواب، زبان آنها کمی استراحت می‌کند. و برخی حتی در خواب نیز شروع به صحبت می‌کنند. کسی که زیاد حرف می‌زند، ممکن است حتی در نهایت به دروغ گفتن، غیبت کردن، قصه‌گویی، افشای اسرار، جریحه دار کردن احساسات و از دست دادن حیثیت خود منجر شود، زیرا همیشه در وسط صحبت‌های افراد حرف می‌زند. اغلب اوقات ممکن است بعد از صحبت پشیمان شود. سپس، دیگران نیز از پیچ‌و‌پچ مداوم چنین شخص پرحرفی خسته می‌شوند. مردم از او خسته می‌شوند و سعی می‌کنند از شر او خلاص شوند. به طور خلاصه، صحبت بیش از حد ضررهای بی‌شماری دارد. دقیقاً به همین دلیل است که شخصی گفته است که "9 فایده در خاموشی است" زیرا انسان ساکت از بسیاری بلاها در امان است. خداوند متعال همه ما را از حرف زدن بیهوده مصون بدارد و از بلاهای زبان محفوظ کند!

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

خداوند متعال از گفتگوهای بیهوده بیزار است :

خداوند متعال از گفتگوهای بیهوده بیزار است. ایشان در مورد گفتگوهای بیهوده در قرآن کریم، جزء 18، سوره مؤمنون، آیه 3 فرموده است:

ترجمه کنز العرفان: و آنها که از لغو و بیهودگی
روی گردانند؛

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿۳﴾

[کنز العرفان (ترجمه قرآن) قسمت 18، سوره مؤمنون، آیه 3]

تفسیر آیه مبارکه :

در این آیه مبارکه دومین صفت مؤمنان رستگار آمده است که از هر لغو و باطل دوری می‌کنند. در این آیه مبارکه «لغو» آمده است. در این باره در تفسیر صراط الجنان جلد 6 در صفحات 499 تا 501 آمده است: علامه احمد صاوی رحمۃ الله علیه می‌فرماید: «لغو» عبارت است از هر سخن، عمل مکروه یا مباحی که برای مسلمان در دین و مذهب سودی ندارد. مثلاً اتلاف وقت در شوخی و گفتگوهای بیهوده و بازی و خوشگذرانی و کارهای بیهوده و عمل به خواهش‌های نفسانی و سایر کارهایی که خداوند متعال از آنها نهی کرده است. خلاصه این‌ها، بیهودگی، بیهوده‌گویی، بیهودگی و بیهودگی است.

مشغول انجام دادن اعمال خیر باشد و یا برای گذراندن زندگی خود بر حسب نیاز به تلاش برای کسب مال (حلال) باشد. (تفسیر الصاوی، ج 3-4، ص 1356-1357)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

انگیزه اجتناب از سخنان بیهوده :

در احادیث نیز انگیزه پرهیز از کارهای بیهوده داده شده است. از این رو سیدنا ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خوبی مسلمان بودن یک شخص در این است که کارهای بی معنی را ترک کند. (موطا امام مالک ج 2 ص 403 حدیث 1718) یعنی در کارهایی که فایده ای ندارد زیاده روی نکند و نباید زبان، قلب و سایر اعضای بدن خود را روی یک چیز بیهوده متمرکز کند. (بهار شریعت ج 3 ص 520)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

نجات چیست؟

سیدنا عقبه بن عامر رضی الله عنه گفته است: باری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کردم. و با فروتنی پرسیدم: "نجات چیست؟" آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم ارشاد فرمودند: زبانت را کنترل کن و خانه ات برایت کافی باشد (یعنی بی جهت به اینجا و آنجا نرو) و به خاطر خطایات اشک بریز. (ترمذی ج 4 ص 182 حدیث 2414)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

ضرورت حفظ زبان و فواید و مضرات آن:

به خاطر داشته باشید که حفظ زبان، نگه داشتن آن و دوری از صحبت های بیهوده، بسیار ضروری است، زیرا اکثر گستاخی ها و بیشترین فساد و آسیب ها از همین زبان است. و کسی که زبانش را بی اختیار حرکت داد و لگام آن را رها کرد، شیطان او را به هلاکت می رساند. یکی از فواید حفاظت زبان این است که اعمال نیک محفوظ میمانند، زیرا کسی که زبان را حفظ نکند، بلکه همیشه مشغول حرف زدن باشد، نمی تواند از غیبت مردم خودداری کند. به همین ترتیب، گفتن الفاظ کفرآمیز نیز خطر بزرگی است و هر دوی این کارها به گونه ای است که عمل نیک انسان ضایع می شود.

سینی خرما (حکایت):

شخصی به سیدنا امام حسن بصری رضی الله عنه گفت: فلانی غیبت تو را کرده است. با شنیدن این سخن، سینی را پراز خرما کرد و برای کسی که از او غیبت کرده بود، فرستاد. علاوه بر این، این پیام را همراهش فرستاد: "شنیده ام که نیکی های خود را به من دادی و چه دیم که چیزی در بدلت بدهم. (به همین دلیل است که این سینی خرما را برایت فرستادم.) (منهاج العابدین ص 65)

مبادا مردم دندان های شما را بشکنند:

و فایده دیگر این است که با حفظ زبان، انسان از بلایای دنیا در امان می ماند. از این رو سیدنا سفیان ثوری رحمۃ الله علیه گفته است: از زبانت حرفی را بیرون مده که پس از شنیدن آن مردم دندان های شما را بشکنند. و یکی دیگر از بزرگان رحمۃ الله علیه گفته است: لگام زبانت را رها مگذار تا اذیتی به تو نرساند. (منهاج العابدین ص 66)

مجازات منحصر به فرد برای یک سوال بی فایده (حکایت):

همچنین یکی از ضررهای حفظ نکردن زبان این است که انسان به صحبت های ناجائز و حرام، لهُ و بیهوده مشغول می شود و مبتلا به گناه می شود و گرانباترین دارایی عمرش یعنی وقت را تلف می کند. در این مورد سیدنا حسان بن سنان رحمۃ الله علیه روایت شده است که از کنار بالاخانه ای (یعنی اتاقی در پشت بام خانه ای) می گذشت، از صاحب آن پرسید: "چند وقت است که این بالاخانه را ساختی؟" بعد از پرسیدن این سؤال، بسیار شرمند شد و در حال خطاب به نفس خود چنین گفت: ای نفس متکبر، گرانباترین وقت خود را در سؤالات بیهوده و بی معنی تلف می کنی، سپس به عنوان کفاره آن سؤال بیهوده، تا یک سال روزه گرفت. (منهاج العابدین ص 65)

هیچ کس نمی تواند عذاب جهنم را تحمل کند:

و ضرر دیگر این است که به دلیل گفتگوهای ناجائز و حرام، ممکن است در روز قیامت به عذاب دردناک جهنم مبتلا شود که هیچ کس توانایی تحمل آن را ندارد. پس عافیت در این است که انسان زبان خود را حفظ کند و آن را برای کارهایی که برایش سود دنیوی و اخروی دارد استفاده کند. خداوند متعال به همه مسلمانان توفیق دهد که زبان خود را حفظ کنند و آن را مهار کنند! آمین. (صراط الجنان، ج 6، ص 499-501)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

اعمال سگین:

سیدنا ابوذر غفاری رضی الله عنه گفته است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: آیا چنین کاری را به تو نگویم که بر بدن سبک و در ترازو سنگین باشد؟ من عرض کردم: چرا که نه! ایشان صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "آن سکوت و خوش اخلاقی و ترک گفتگوهای بی فائده است." (الصمت لابن ابی الدنيا مع موسوعه، ج 7، ص 87، حدیث 112)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

زیبایی یک انسان در چیست؟:

پیامبر گرامی ماصلی الله علیه و آله و سلم به عموی بزرگوارش سیدنا عباس رضی الله عنه فرمودند: زیبایی تو مرا شگفت زده کرده است سیدنا عباس رضی الله عنه با فروتنی گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم! زیبایی یک انسان در چیست؟ ایشان صلی الله علیه و آله و سلم پاسخ داد: در زبانش. (ادب الدنيا و الدين ص 241)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

نصیحت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

سرور جوانان بهشتی، سیدنا امام حسین رضی الله عنه گفته است: که از جمله نصایحی که شنیدم جدم صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب کرام رضی الله عنهم میگفت، این بود که ایشان صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: "بشارت برای کسی که از گفتار بیهوده دور ماند." (حلیة الاولیاء، ج 3، ص 236، حدیث 3817)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

دعای مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم:

سیدنا انس بن مالک رضی الله عنه گفته است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این مطلب را سه مرتبه فرمود: "خداوند متعال رحمت کند کسی را که وقتی که سخن میگوید برایش منفعت (یعنی ثواب) برسد و وقتی سکوت میکند در امان می ماند." (شعب الایمان، ج 4، ص 241، حدیث 4938)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

علامت رویگردانی نظر رحمت خداوند متعال :

سیدنا امام حسن بصری رحمته الله علیه می فرمایند: انجام کارهای بی فائده، نشانه آن است که خداوند نظر رحمتش را از او

دور کرده است. (التمهید لابن عبدالبر ج 4 ص 179)

بیهوده حرف زننده را گنا بایستی بسیار:

صحابی، فرزند صحابی، سیدنا عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه گفته است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در روز قیامت، کسی که در میان مردم بیشترین گناه را دارد، اکثر اوقات سخنان بیهوده می گوید. (جامع صغیر، ص 86، حدیث 1386)

توضیح حدیث: به خاطر این که کسی که زیاد حرف می زند، در آن سخن، چیزهای بیهوده و مخالف شرع بیشتری شود. پس به دلیل مخالفت با شرع، گناهان او زیاد می شود درحالیکه او خود متوجه نمی شود. (التیسیر شرح الجامع الصغیر، ج 1 ص 200، فتاوی رضویه ج 28 ب 645 تسهیلا)

ذکر خیر سیدنا عبدالله بن ابی اوفی:

بیابید! به سیرت مبارک صحابی پیامبر که این روایت را بیان کرده، سیدنا عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه گوش کنیم. نام ایشان عبدالله بن ابی اوفی و کنیه اش ابو معاویه است.

دعا برای پرداخت کننده زکات:

صحابی، فرزند صحابی، سیدنا عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه بیان میکند: پدرم (ابو اوفی رضی الله عنه) زکات مالش را برداشته خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رفت! ایشان صلی الله علیه و آله و سلم این دعا را برایش کرد: "اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ ابی اوفی" یعنی: ای الله! بر آل ابو اوفی رحمت را نازل فرما! (بخاری، ج 1، ص 504، حدیث 1497 مختصر شده)

سیدنا مفتی احمد یارخان رحمۃ الله علیه در شرح این حدیث مبارک نوشته است: سیدنا عبدالله رضی الله عنه با افتخار پروردگار را سپاس می گفت که دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نصیب ما و پدر بزرگوارمان شده است! برخی گفتند که کلمه «آل» در اینجا اضافه است، اما حقیقت این است که «آل» به معنای واقعی آن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تنها برای این افراد دعا نمی کند، بلکه برای فرزندان آنها و همه اعضای خانواده نیز دعا می کند. (مرآت ج 3 ص 11)

دیدار امام ابوحنیفه رحمۃ الله علیه با یکی از اصحاب پیامبر:

در مرآت آمده است: سیدنا عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه آخرین صحابی است که در سال 87 هجری قمری در کوفه از دنیا رفت. او (آخرین) صحابی است که سیدنا امام ابوحنیفه رحمۃ الله علیه با او ملاقات کرده، زیرا امام ابوحنیفه رحمۃ الله علیه در زمان رحلتش هفت سال (و به گفته برخی 17 سال (نزهت القاری ج 1 ص 70 اخذ شده)) داشت. (مرآت ج 5 ص 382)

خداوند متعال او را بیمارزد و به فضیلت او ما را بدون حساب ببخشد!

اٰمِيْنُ بِجَاہِ النَّبِيِّ الْاَمِيْنِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِيْب صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّد

گفتار بیهوده چیست؟:

برادران گرامی اسلام! سیدنا امام محمد بن محمد بن محمد غزالی رحمۃ اللہ علیہ در "احیاء العلوم" فرموده است: اگر توسط یک کلمه (یعنی لفظ) هدف شخص محقق می شود. و او دو کلمه را به کار می برد، پس کلمه دوم بی فایده است، یعنی بیش از نیاز است (یعنی غیر ضروری). (احیاء العلوم، ج 3، ص 141) اگر یک کلمه کفایت نمی کند، در این صورت، دو یا هر چند کلمه که بر حسب ضرورت گفته شود، بیهوده نیست. سخنانی که حاوی ضرورت نتیجه آن مؤاخذ و کیفر داده می شود، دوری از آنها لازمه عقل هر انسانی است، اما آن چیزهایی که نه منفعتی دارد و نه ضرری، در حقیقت مضر است، زیرا مدتی که در گفتن آنها صرف کرده است، می توانست در این مدت نماز یا قرآن بخواند. اگر از دست دادن این مزایا ضرر نیست؟ بعد هم که صحبت های بیهوده شروع می شود (اغلب) پیشرفت می کند و به حد انتقاد و غیبت از مردم می رسد. به همین دلیل است که خوبی در این است که یا سکوت کرد یا ذکر الله را انجام داد. و یا در مورد امور دنیوی که مربوط می شود به امور حلال می شود، بسیار حکم و نیاز سخن بگوید. حتی کثرت در گفتارهای جائز دنیوی، دل را سخت می کند.

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِيْب صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّد

اگر سکوت خالی از تفکر درباره آخرت باشد، غفلت است:

سیدنا عیسی علیہ السلام فرموده است: گفت و گوی خالی از ذکر خداوند متعال، لغو (یعنی بی فایده) و سکوتی که خالی از فکر آخرت باشد، غفلت است و نگاهی که خالی از پند و اندرز است بیهوده است. خوشا به حال کسی که گفتگوی او **ذِکْرُ اللّٰهِ** و سکوتش تفکر و نگاهش حاوی پند و اندرز باشد. (تنبيه الغافلین ص 115)

غفلت چیست؟

ای شیفندگان رسول صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم! این قول سیدنا عیسی علیہ السلام نیز شامل این است: "سکوتی که خالی از تدبیر آخرت

است، غفلت است. بیایید! بیاموزیم که غفلت چیست. در «التعریفات» آمده است: "الْغَفْلَةُ: مُتَابَعَةُ النَّفْسِ عَلَى مَا تَشْتَهِيهِ." یعنی "غفلت به معنای مشغول نگه داشتن نفس در تعقیب هوس است." (التعریفات للجرجانی ص 116)

خداوند متعال در مذمت غافلان در قرآن کریم، جزء نهم، سوره اعراف، آیه 205 می فرماید:

ترجمه کنز العرفان: پروردگارت را در دل خود، از روی
تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و
شامگاهان، یاد کن؛ و از غافلان مباش!

وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ
مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ
الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ [کنز العرفان (ترجمه قرآن)] (جزء نهم، سوره
اعراف، آیه 205)

من بر شما خوف از غفلت دارم:

در حدیث مبارک بخاری شریف نیز چنین آمده است: به خدا سوگند! من از فقر بر شما نمی ترسم، بلکه می ترسم که دنیا بر شما گسترده شود همان گونه که بر امت های پیش از شما گسترده شده بود. پس به خاطر دنیا، شما نیز مانند مردم قبل با یکدیگر رقابت خواهید کرد، و این شما را به غفلت می اندازد، همانطور که امت های پیشین را غافل کرد. (بخاری ج 4 ص 225-226 حدیث 6425)

من در عوض بر قضا کردن نماز گریه می کنم:

در "مکاشفه القلوب" آمده است که سیدنا شیخ ابوعلی دقاق رحمته الله علیه گفته است: مرد بزرگواری که ولی الله بود به شدت بیمار شد. من به عیادتش رفتم. انبوهی از مریدانش دور و اطرافش جمع شده بودند. آن مرد بزرگوار رحمته الله علیه داشت گریه می کرد، من عرض کردم: ای شیخ! آیا گریه می کنی که از دنیا می روی؟" پاسخ داد: نه، بلکه بخاطر ترک نماز گریه می کنم. عرض کردم: جناب! شما چگونه نمازتان ترک شده است، فرمود: هرگاه سجده کردم با غفلت بود و چون سرم را از سجده بلند کردم با غفلت بود و اکنون هم با غفلت با مرگ ملاقات می کنم. سپس آهی سرد و دردناکی کشید و چهار دوییتی عربی خواند که ترجمه آنها چنین است: (1) به قیامت و روز حشر و رخسارم که در قبر بر زمین است تأمل کردم. (2) (حتی) پس از آن چنان عزت و رفعت تنها در قبر دراز می کشم و به خاطر گناهانم گرفتار خواهم بود و خاک تنها بالش من خواهد بود. (3) من به درازای پاسخگویی و خواری خود در هنگام دادن کتاب اعمال فکر کردم. (4) اما ای آفریدگار و روزی دهنده من، به رحمت تو امید دارم. تو تنهایی آمرزنده گناهان من هستی.

(مکاشفه القلوب ص 22)

نالنده در جهنم داخل خواهد شد:

برادران عزیز اسلامی! در این حکایت چقدر عبرت نهفته است! به این بندگان پرهیزکار خدا بنگرید که لحظه لحظه ی آنها به یاد خدای متعال می گذرد، اما حالت خضوع شان به گونه ای است که عبادات و ریاضت های خود را به کلی نادیده می گیرند و در حالی که از بی نیازی و تدابیر خفیه ی خدای متعال می ترسند، گریه می کنند. حال آن غافلانی که هیچ کار خیر و نیکوکاری از اخلاص در آنها یافت نمی شود و حالشان این است که از ادعاهای بزرگ در مورد عبادات خود خسته نمی شوند! بندگان پرهیزکار خداوند متعال با وجود مصون ماندن از گناهان می لرزند و از ترس خدا پیوسته گریه می کنند، اما شرایط غافلان این است که بدون توحصیه خود ادامه می دهند و گناهان خود را آشکارا اعلام می کنند و بدون این که ذره ای شرمندة شوند بر آن قه قهه میزنند. با دقت گوش کن! در مکاشفات القلوب آمده است: سیدنا بن عباس رضی الله عنه می فرماید: "هر که در حال خنده مرتکب گناه شود وارد جهنم می شود در حالی که گریه می کند." (مکاشفه القلوب ص 275)

گناہوں سے مجھ کو بچا یا الہی!

بری عادتیں بھی چھرا یا الہی!

خدایا! زعصیاں مرا نجات دے

عاد تہائے بد نیز دور کن خدایا

(وسائل بخشش، ص 100)

بزرگی در خواب بشارت داد:

ای شیفتگان رسول! برای بیدار شدن از خواب غفلت و رهایی از گناه و افزایش شوق عمل به سنن، با قافله مدنی دعوت اسلامی برای فراگیری و افاده سنن سفر کنید. برای تشویق شما، یک شگفتی مدنی، تقویت کننده ایمان، ارائه می شود: روزی یک برادر اسلامی از وهاری، پنجاب، قبل از ورود به محیط مذهبی، غرق انواعی از گناهان بود. با اینکه از نظر جسمی سالم بود، از نظر عبادت کاملاً ضعیف بود. هر چه به جوانی نزدیکتر می شد، از کارهای نیک دورتر و دورتر می شد. زندگی خود را در گناه سپری کرد. وقت او در آهنگ ها و موسیقی ها، فیلم ها، نمایش ها، دروغگویی، غیبت و گناهان مختلف تلف می شد، و نه فقط این، او فروشگاهی هم داشت که خدمات داندلود را ارائه می کرد که معلوم است که خودش از طریق آن مرتکب گناه کاری شد، اما علاوه بر آن، فیلم، سریال، آهنگ و موسیقی را در گوشی دیگران داندلود می کرد و شامل گناه آنها را و در برابر آن پول نیز می گرفت. زندگی او در تاریکی گناهان غوطه ور بود، به طوری که او خود را بدترین فرد جهان می دانست. اما از همان دوران کودکی عاشق دعوت اسلامی بود و به

همین دلیل به نحوی با برادران اسلامی ارتباط برقرار کرد و مسافر قافله مدنی 3 روزه شد. او در دوران قافله مدنی چیزهای بسیاری آموخت و به همین دلیل عشق او به دعوت اسلامی افزایش یافت. روزی که از اوضاع خانه اش نگران بود و با همان ناراحتی به خواب رفت، در خواب دید که بزرگی به او می گوید: همراه برادر کوچکت به فیضان مدینه (کراچی) بیا، **إِنَّ هَذَا اللَّهُ** همه چیز درست خواهد شد. به محض شنیدن این حرف بیدار شد. سپس این خواب را برای اعضای خانواده اش تعریف کرد و اجازه گرفت تا با برادر کوچکترش به فیضان مدینه کراچی بروند که اعضای خانواده اش موافقت کردند. هر دو پس از ورود به فیضان مدینه کراچی، تمام ماه رمضان را اعتکاف کردند. به فضل خداوند متعال و اعتکاف از تمام گناهان خود توبه کرد و علاوه بر زینت دادن سر با عمامه، به جمع مریدان سیدنا غوث اعظم **رحمۃ اللہ علیہ** نیز پیوست.

ای عاشقان اولیا! توبه کردن در جوانی و مشغول شدن به عبادت خداوند متعال نعمت عظیمی است. این فرموده پیامبر گرامی اسلام **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** مشتمل بر بشارت است: "توبه کننده در جوانی، محبوب خداوند متعال است."

(کتاب التوبه مع موسوعه امام ابن ابی دنیا ج 3، ص 422، حدیث 184)

هر کس جوانی خود را به عبادت بگذرانند در روز قیامت زیر سایه عرش قرار می گیرد.

(مسلم ص 399 حدیث 2380)

همچنین صوفیه بزرگوار فرموده اند: عبادت در جوانی برتر از عبادت در پیری است، زیرا زمان اصلی عبادت، جوانی است.

گر جوانی مین عبادت کاپلی اچھی نہیں جب برپا پا اگیا کچھ بات بن پرتی نہیں

ہے برپا پا بھی غنیمت جب جوانی ہو چکی یہ برپا پا بھی نہ ہوگا موت جس دم اگئی

در شباب عبادت کن کاپلی خوبی نیست - چون ضعیف شدی پیچ کارے نہ شد

پیری بزرگتر است چون جوانی گدشت - این پیری نخواهد شد چون موت آید

(مراہ المناجیح، جلد 3، صفحہ 167)

خداوند متعال ما را تا آخرین نفس مطیع خود نگه دارد و اخلاص و لذت در عبادت را به ما عطا فرماید.

اٰمِیْنُ بِجَاہِ النَّبِیِّ الْاَمِیْنِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم

صَلَّى اللّٰہُ عَلٰی مُحَمَّدٍ

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب

دو نوع صحبت و سکوت:

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: **إِمْلَأْ الْخَيْرَ خَيْرٌ مِنَ السُّكُوتِ وَالسُّكُوتُ خَيْرٌ مِنَ إِمْلَاءِ الشَّرِّ**. یعنی: سخن خوب گفتن بهتر از سکوت است و سکوت بهتر از بد گویی است. (شعب الایمان، ج 4، ص 256، حدیث 4993) سیدنا علی بن عثمان هجویری حنفی معروف به داتا گنج بخش رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ در کشف المحجوب می فرماید: سخن گفتن بر دو گونه است: یکی کلام حق (یعنی سخن خوب گفتن) است. دوم، کلام باطل (یعنی گفتار نادرست و بیهوده) است، همین طور، دو نوع سکوت نیز وجود دارد: 1) سکوت به قصد خاموشی (یعنی سکوت برای تأمل در آخرت یا تفکر در احکام شرعی) 2) سکوت غفلت (که بر از، معاذ الله، تصورات کثیف یا افکار بیهوده جهان است). هر کس باید در سکوت خوب با خود بیندیشد که اگر گفتارش نیکو است، پس اکنون گفتارش بهتر از سکوتش است و اگر گفتارش نادرست یا بیهوده است، در چنین موقعیتی سکوتش بهتر از گفتارش است. سیدنا داتا گنج بخش علی هجویری رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ برای نصیحت به درستی یا نادرستی گفتار حکایتی آورده و گفته است: یک بار، سیدنا ابوبکر شبلی بغدادی رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ در حال عبور از محلی در بغداد شریف میگذشت، شنید شخصی می گفت: **"السُّكُوتُ خَيْرٌ مِنَ الْكَلَامِ"** یعنی: "سکوت بهتر از صحبت کردن است." ایشان رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ برایش گفت: سکوت تو بهتر از گفتار توست و گفتار من بهتر از سکوت (چون سکوت در هر موردی خوب نیست). (برگرفته از الکشف المحجوب ص 402)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

شیطان بر کسی مسلط است که زبان را حفظ نکند:

شیطان بر کسانی که به غر زدن ادامه می دهند غالب می شود، زیرا وقتی انسان زیاد حرف می زند، احتمال خطا زیاد می شود و ممکن است شیطان موفق شود او را به گناه وا دارد. اما کسی که عادت به سکوت دارد به پیروزی در برابر شیطان می رسد. سیدنا ابوسعید خدری رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت کرده است که مردی با فروتنی به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گفت یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مرا نصیحت کن. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: به ترس از خدا چنگ زنید که ریشه همه خوبی هاست و به جهاد در راه خدا چنگ بزنید که این رهبانیت (گوشه نشینی) اهل اسلام است و مرتباً خدا را یاد کن و قرآن را تلاوت کن که این برای تو در زمین نور و مایه ذکر تو در آسمان است. و غیر سلوخن نیکو، زبان خود را حفظ کن تا به سبب آن بر شیطان مسلط شوی. (معجم صغیر، ج 2 ص 66)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

بزرگترین سلاح شیطان:

سیدنا امام محمد بن محمد بن محمد غزالی رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ در "احیاء العلوم" گفته است: زبان بزرگترین سلاح شیطان در

رهبری انسان به بیراهه است. (احیاء العلوم، ج 3، ص 133)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

صدیق اکبر سنگی در دهانش می گذاشت:

اولین خلیفه مسلمین، سیدنا صدیق اکبر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ با وجود اینکه بهشتی بود (در حیات برایش بشارت بهشتی بودن داده شده بود)، در امر زبان کاملاً محتاط بود. در "احیاء العلوم" آمده است: "سیدنا ابوبکر صدیق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سنگی را در دهان مبارکش می گذاشت تا فرصتی برای صحبت باقی نماند." (احیاء العلوم، ج 3 ص 137)

تمرین سکوت به مدت 40 سال (حکایت):

برادران عزیز اسلامی! اگر واقعاً می خواهید عادت به سکوت را در خود ایجاد کنید، باید آن را جدی بگیرید و تمرینات سخت سکوت را انجام دهید. در غیر این صورت، ایجاد عادت سکوت، بدون تلاش بسیار دشوار است. خود را در مورد مخرب بودن استفاده غیر ضروری از زبان بترسانید و در عادت ساختن خود به سکوت کوشش کنید؛ إِنْ شَاءَ اللَّهُ کامیابی زیر پای شما خواهد بود. بیایید به حکایتی از استقامت یک فرد کوشا گوش کنیم. سیدنا ارطاه بن منذر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفته است: شخصی 40 سال سکوت می کرد به این ترتیب که سنگی در دهان می گذاشت تا آنجا که غیر از نماز یا دعا یا خوردن یا در حال نوشیدن یا خوابیدن، سنگ را از دهان بیرون نمی آورد. (الصمت مع موسوعه ابن ابی الدنيا، ج 7، ص 256 شماره قول 438)

تابعی بزرگوار که مکالمات را یادداشت می کرد و آنها را ارزیابی می کرد:

تابعی بزرگوار، سیدنا ربیع بن خثیم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به مدت 20 سال سخن دنیوی به زبان نیاورد. وقتی صبح می شد، یک خودکار، یک جوهردان و کاغذ را آماده میکرد و در طول روز هر چه صحبت می کرد می نوشت و عصر خود را محاسبه میکرد، یعنی بر اساس آنچه نوشته بود، صحبت هایش را ارزیابی می کرد. (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 339، احیاء العلوم، ج 3، ص 137)

نحوه ارزیابی مکالمه:

روش سنجش مکالمه به این صورت است که باید در تک تک سخنان خود تأمل کرد و از خود بازجویی کرد، مثلاً بدون تکان دادن زبان از خود بپرسید: فلان سخن را گفتم؟ چه نیازی بود در آن مکان صحبت کنی؟ فلان گفتگو را تو هم در این چند کلمه نیز خلاصه کنی، اما چرا فلان کلمات اضافی را در آن به زبان آوردی؟ وقتی با فلانی صحبت می کردی، چرا گفتم: «چی؟ متاسفم؟ چه گفتم؟ و غیره؟ و باعث شدی طرف مقابل از تکرار جمله اش به زحمت شود؟ جمله ای که به فلانی گفتم، طعنه ای دلخراش بود. به ناحق احساساتش را جریحه دار کردی بیا حالا توبه

کن و همچنین از آن برادر اسلامی عذرخواهی کن. چرا وقتی می دانی مکالمات بیهوده در آنجا به زبان آورده می شود، به فلان جمع می روی؟ و چرا با فلان جمله موافق بودید؟ آنجا به غیبت گوش میدادی. در واقع، حتی به گوش دادن به غیبت علاقه مند هم شدی. بیا دیگر، توبه ای راسخ کن و عزم خود را برای دوری از این گونه مجالس جزم کن. به این ترتیب انسان عاقل می تواند گفت و گوهای خود را بسنجد، بلکه همه امور روزمره خود را بسنجد. پس گناهان و سهل انگاری ها و برخی از ضعف ها و عیب ها آشکار می شود و سبب اصلاح می شود. در محیط مذهبی دعوت اسلامی به این ارزیابی «جایزه» می گویند و در محیط مذهبی دعوت اسلامی انگیزه می دهند که هر روز حداقل 12 دقیقه به اعمال خود فکر کنند و دفترچه را در آن زمان از «اعمال نیک» پر کنند.

ذکر و درود هر گهژی ورد زبان ربی.

'میری فضول گوئی کی عادت نکال دو'

ذکر و درود هر لمحہ بر زبان جاری شود

مرا بیهوده گفتن عادت را بر انداز

(وسائل بخشش، ص 305)

ارزیابی اعمال:

همه ارادتمندان به رسول خدا ﷺ باید روزانه حداقل 12 دقیقه اعمال روزمره خود را بسنجد و جاهای خالی مندرج در دفترچه مکتب المدینة دعوت اسلامی «اعمال نیک» را پر کنند و اول هر ماه آن را به اطلاع "شعبه ی اصلاح اعمال" دعوی اسلامی خود برسانند. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** ، گنجینه ای فراوانی از حسن اخلاق و تقوا به دست می آید و عشق بیکران به پیامبر اکرم ﷺ نصیبش خواهد شد.

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّی اللہُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

شکایت به خداوند متعال از تیزی زبان:

دومین خلیفه مسلمین سیدنا عمر فاروق اعظم رَضِیَ اللہُ عَنْہُ دید که اولین خلیفه مسلمانان سیدنا ابوبکر صدیق رَضِیَ اللہُ عَنْہُ با دست زبان مبارکش را می کشید. پرسید: ای نایب پیامبر، چرا این کار را می کنی؟ او رَضِیَ اللہُ عَنْہُ پاسخ داد: این مرا به هلاکت خواهد رساند، پیامبر اکرم صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم گفته است: "هیچ عضوی در بدن نیست که از تندی از زبان به خداوند متعال شکایت نکند." (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 335، احیاء العلوم، ج 3، ص 135)

ما را از زبان خارج نکن:

آیا دیدی! اولین خلیفه مسلمین سیدنا ابوبکر صدیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ که یکی از عشرات مبشرات بود، از بلاهای زبان به شدت می ترسید. مطمئناً چیزهای زیادی برای یادگیری در آن برای ما وجود دارد زیرا ما هر آنچه به ذهنمان می رسد را بیان می کنیم. سیدنا امام محمد بن محمد بن محمد غزالی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نوشته است: از این قبیل سخنان زیاد است که به شخص سخنگو التماس می کنند: "ما را از زبان خارج نکن." (منهاج العابدین (اردو)، ص 145، منهاج العابدین، ص 66)

زبان باید در زندان بماند:

یک ضرب المثل عربی هست که میگوید: «مَا شَيْءٌ أَحَقُّ بِطُولِ السِّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ». هیچ چیزی بیش از زبان سزاوار زندانی شدن نیست. (منهاج العابدین (اردو)، ص 210، منهاج العابدین، ص 96)

استقامت در عبادت با حفظ زبان حاصل می شود:

یکی از هفت عابدین به سیدنا یونس عَلَيْهِ السَّلَام عرض کرد: کسانی که با کوشش تمام مشغول عبادت می شوند، آن پایداری که با عبادت به دست می آورند، نتیجه حفظ کامل زبانشان است. سپس دوباره آن عابد عرض کرد: هیچ چیز در نزد تو نباید محبوبتر از حفظ زبان باشد، زیرا این تنها راه پاک نگه داشتن دل از انواع نخواستهای شیطانی است. (منهاج العابدین (اردو)، ص 210، منهاج العابدین، ص 96-97)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

تنبیه خود برای سخنی بیهوده (حکایت):

سیدنا مالک بن ضیغم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ گفته است: پدر بزرگوارم به من گفت که سیدنا قیسی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بعد از عصر به ما سر زد و از حال پدرم پرسید. "گفتیم خواب است." ایشان رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ گفت: «آیا بعد از عصر می خوابد؟ در این وقت؟ آیا این وقت خواب است؟» سپس او رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بازگشت. شخصی را به دنبال او فرستادیم که به او بگوییم برگرد و من او را بیدار می کنم. آن شخص بعد از مغرب برگشت. ما از او پرسیدیم: «پیغام را به او رساندی؟» گفت: او چنان در خود غرق شده بود که به سخنان من توجهی نکرد. دیدم دارد وارد قبرستان می شود و در حال سرزنش خود می گوید: "انسان هر وقت بخواد می تواند بخوابد. تو چرا گفتی که این چه وقت خواب است؟ نباید سوال بیهوده ای می پرسیدی." اکنون با خدای متعال نذرمی کنم و هرگز آن را نمی شکم که یک سال تمام نگذارم بخوابی. با شنیدن این حرف او را ترک کردم و برگشتم. (سخنان مردان خدا، ج 6، ص 269 - 270)

سُبْحَنَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ! از یک سو، اعمال بزرگان دین ما اینچنین بود و افسوس! از سوی دیگر، شرایط خراب ما این است که همیشه درگیر اعتراضات ناروا، انتقادهای بیهوده و سؤالات غیر ضروری هستیم. ای کاش! که فقط می توانستیم راهی برای محدود کردن زبانمان پیدا کنیم!

من می توانم روزه تابستان سخت گرم را تحمل کنم، اما... :

سیدنا یونس بن عبید رحمۃ اللہ علیہ (از سر فروتنی) گفته است: بدن من می تواند درد روزه را در گرمای شدید بصره (شهر عراق) ، تحمل کند. اما قدرت این را ندارد که حتی یک کلمه از گفتگوهای بیهوده دریغ کند. (منهاج العابدین (اردو)، ص 141، منهاج العابدین ص 64)

حفاظت زبان بسا سزاوارتر است:

ای شیفتگان رسول اکرم! یقیناً حفظ نکردن عورت از گناهان نیز گناهی سخت و حرام و عملی است که شخص را به جهنم می برد و بدون شک در گفتن حرف خیر خوبی و در گفتن حرف بد، بدی است. ، شاید در سرای محشر، زبان، بسیاری از افراد برجسته را به دردسر بیاندازد، پس حفاظت از آن بسیار ضروری است. تابعی بزرگوار سیدنا ابو حازم رحمۃ اللہ علیہ گفته است: مومن باید زبانش را بیشتر از عورتش حفظ کند. (سخنان مردان خدا، ج 3، ص 331، حلیۃ الاولیاء، ج 3، ص 267 بیانیه شماره 3909)

یکی از علل تنگی رزق و روزی :

سیدنا مالک بن دینار رحمۃ اللہ علیہ میفرماید: هنگامی که در دل سختی و در بدن ضعف و در رزق و روزی تنگی دیدی، بدان که قطعاً چیزی بی فایده ای از دهان شما به زبان آمده است. (منهاج العابدین، ص 65، منهاج العابدین (اردو)، ص 142)

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّد

خداوند متعال همه چیز را می شنود:

سیدنا بشر حافی رحمۃ اللہ علیہ خیلی کم صحبت می کرد و به دوستانش می گفت: فکر کنید که چه چیزی در کتاب شما نوشته می شود. کتابهای اعمال چون نزد پروردگار کریمت عرضه می شود، پس وای بر او که سخن بدی می گوید، آیا اگر چیزی برای دوستت می نوشتی، سخنان ناپسندی در آن شامل میبود! این قطعاً بی حیایي شما را نسبت به او نشان میداد. پس با خدای متعال چگونه برخورد میکنی ؟ (تنبيه المغترين ص 190)

اگر مجبور شوید برای صحبت های بیهوده پول بپردازید چه؟:

سیدنا مالک بن دینار رحمۃ اللہ علیہ می فرمایند: "اگر فرشتگانی که اعمال شما را ثبت می کنند، هر روز برای کتاب هایی که اعمال شما را در آن می نویسند، از شما پول می خواستند. پس (به خاطر صرفه جویی در هزینه) از بسیاری از صحبت های بیهوده خود دست می کشیدید، اما با وجود این که می دانید این کتاب ها (که مملو از گفتگوهای بیهوده شما است) قرار است در بارگاه ارجمند پروردگارتان عرضه شود، چرا شما خود را متوقف نمی کنید (از یک حرف بیهوده)؟"

(ابن عساکر ج 56 ص 418)

فرشتگان همه چیز را می نویسند:

وقتی کسی در محضر شخصیت های با وقار حاضر می شود یا نزد حاکمان دنیا می رود، زبان خود را بسیار کنترل می کند، اما با وجود دانستن این که فرشتگان دارند همه چیز را می نویسند، خدا می داند که چرا مردم جرأت می کنند حرف های بی شرمانه و بی حیایچگونگی فحش از زبان بیرون می آید! سیدنا امام حسن بصری فرموده است: در شگفتم از انسان که کرام الکاتبین. (یعنی ملائکه مکتوب) نزد او هستند و زبانش قلم آنها و آب دهانش مرکب آنهاست، اما سخنان رکیک (یعنی گفتگوهای بیهوده و کثیف) بر زبان می آورد. (تنبيه المغترین ص 190)

الہی! بری گفتگو سے بچانا
میری یاوہ گوئی کی عادت متانا
خدایا! از گفتار بد نجات بده -
بیهوده گفتن را عادت من ختم کن

معنی یاوہ گوی: بیهوده سخن گفتن.

یک حکایت در مورد گفتگوی بیهوده:

حضرت ابو عبیدہ رحمۃ اللہ علیہ روایت می کند: وارد بارگاه حضرت محمد بن سوقہ رحمۃ اللہ علیہ شدیم که ایشان فرمودند: آیا چیزی را به تو نگویم که به نفع من بوده و ممکن است برای تو نیز مفید باشد؟ ایشان گفتند که باری حضرت عطا بن ابو رباح رحمۃ اللہ علیہ فرمود: ای پسر خواهر یا برادر! پیشینیان (شما) گفتگوهای بیهوده را دوست نداشتند. غیر از تلاوت قرآن و امر به معروف و نهی از منکر و مکالمه ضروری، دیگر گفتگوها را از جمله «گفتگوی بیهوده» می دانستند. آیا این دستورات خداوند متعال را انکار می کنید؟» (همانطور که گفته شد:)

ترجمہ کنز العرفان: وی شک نگاہبانی بر شما گمارده
شده، نویسندہ هایی والا مقام.

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۖ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿١١﴾

[کنز الایمان (ترجمہ قرآن)] (جزء 30، سورہ انفطار، آیات 10-11)

(در آیه شریفه دیگری آمده است:)

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفُظُ مِنْ
قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾

[کنز الایمان (ترجمه قرآن)] (جزء 26، سوره ق، آیات 17-18)

ترجمه کنز العرفان: (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌دارند؛ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است!

آیا هیچ یک از شما خجالت نمی‌کشد که اگر کتاب اعمال شما در تمام روز پیش روی شما باز شود، اغلب چیزهایی را در کتاب بیابید که نه به دین و نه به دنیا مربوط می‌شود. (سخنان مردان خدا، ج 3، ص 440)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

هفت "دسته گل فاروقی" از هفت گل:

دومین خلیفه مسلمین سیدنا عمر فاروق اعظم رضی الله عنه می‌فرماید: (1) کسی که از گفتن بیهوده خودداری کند، به او نعمت حکمت و عقل داده شده. (2) پرهیز از نگاه‌های بیهوده، یعنی از نگاه بی‌مورد و یا نگاه بی‌هدف به چیزهای مختلف، خشوع نعمت خشوع قلبی اعطا شده (3) کسی که از غذا خوردن بیهوده خودداری کند (یعنی خوردن غذا بدون ضرورت یا خوردن غذای متفاوت برای ذائقه و لذت بردن و نه بخاطر گشتگی) به او لذت عبادت داده شده است. (4) کسی که از خندیدن بیهوده خودداری کند بزرگی و وقار داده شده. (5) به پرهیز کننده از استهزاء، نور ایمان به او داده شده است. (6) به پرهیز کننده از حب دنیا، حب آخرت داده شده است. (7) کسی که از عیب جویی دیگران خودداری کند، توفیق اصلاح عیب‌های خودش به او نصیبش شده است. (المنبهات، ص 89-90، مأخوذاً)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

محاسبه‌ی سخنان بیهوده بسیار طولانی خواهد بود:

آمده است: إِيَّاكَ وَالْفُضُولَ فَإِنَّ حِسَابَهُ يُطَوَّلُ یعنی: از گفتگوی بیهوده خودداری کنید، زیرا پاسخگویی آن طولانی خواهد بود. (منهاج العابدین، ص 67، منهاج العابدین، (اردو) ص 147)

از صحبت‌های بیهوده دوری کنید تا از مصیبت جلوگیری کنید:

مرد بزرگوار رحمۃ الله علیه دیگری می‌فرماید:

إِنَّ الْبَلَاءَ مُوَكَّلٌ بِالنَّاطِقِ احْفَظْ لِسَانَكَ لَا تَقُولُ فِتْنَتَكَ

ترجمه: از زبان خود محافظت کن. از صحبت های بیهوده دوری کن تا از مصیبت جلوگیری کنی. در واقع، مشکلات با گفتگو مرتبط است. (منهاج العابدین، ص. 67)

گفتار، عقل متکلم را نمایان میکند:

حضرت عبدالله بن مبارک رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ می فرماید:

(1) أَلَا احْفَظْ لِسَانَكَ إِنَّ اللِّسَانَ سَرِيحٌ إِلَى الْمَرْءِ فِي قَتْلِهِ

(2) وَإِنَّ اللِّسَانَ دَلِيلُ الْفُؤَادِ يَدُلُّ الرَّجَالَ عَلَى عَقْلِهِ

ترجمه: (1) زبان خود را حفظ کن، زیرا این اندام کوچک انسان را فوراً به هلاکت می‌رساند.

(2) همانا زبان دلیلی بر قلب انسان است که میزان عقل گوینده را آشکار می‌کند. (منهاج العابدین، ص. 66، منهاج العابدین، اردو ص. 144)

نصیحتی به کسی که حرف های زشت می‌گوید:

وقتی شیخ افضل الدین رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ مردی را شنید که حرف های رکیک می‌زند، گفت: ای برادر! خداوند گوش و زبان بنده خود را آفرید تا سخنان نیک بشنود و سخن نیک بگوید و قرآن و حدیث و اذان و تکبیره التحریمه را از امام گوش دهد و به نصیحت کننده توجه کند و زبان و مکان را نیز بشناسد. گوش و زبان برای تمسخر و غیبت و تهمت و دروغ و افسانه و گفتگوی بیهوده آفریده نشده اند، ای برادر! فوراً توبه کن. (المنن الکبری، ص 547)

دعوت اسلامی مرا نماز خوان کرد:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ محیط مذهبی دعوت اسلامی علاوه بر برادران اسلامی برای خواهران اسلامی نیز مفید است. یک خواهر اسلامی از د/سکه (پنجاب) مانند بسیاری از دختران معمول دیگر (بیرون از خانه) آرایش و خود نمایی میکرد و همچنین از نماز فاصله می‌گرفت. سپس برای تحصیل به مدرسه ای مذهبی رفت که زیر نظر عمویش بود و تعدادی از خواهران مسلمان که از طرف دعوت اسلامی آمده بودند، او را به مجلس هفتگی مشوق سنت دعوت دادند. در نتیجه دوستش به او اصرار کرد و او نیز در مجلس مذهبی شرکت کرد. او به سخنرانی الهام بخش سنت در اجتماع مذهبی گوش داد. دعای دست جمعی که بسیار پراحساس بود، بر او را تحت تأثیر قرار داد و او از گناهان خود توبه کرد. پس از ارتباط او با محیط مذهبی دعوت اسلامی، روزی فرا رسید که او «فعالیت های مدنی 12 روزه اسلامی» (که اکنون به

عنوان دوره فعالیت های مذهبی نامیده می شود) را نیز به پایان رساند. او چنان از برکات دعوت اسلامی مستفیض شد که علاوه بر نمازهای فرض، به خواندن نمازهای نافله نیز پرداخت. اکنون اشتیاق او این است که در روستای خود، فعالیت های مذهبی را به وفور انجام دهد و تا آخرین نفس با نهضت مذهبی عاشقان رسول الله ﷺ «دعوت اسلامی» همراه باشد.

پلا کر مے عشق دی گا بنایہ تمہیں عاشقِ مصطفیٰ مدنی ماحول
اے اسلامی بھنو! تمہارے لیے بھی سنو ہے بہت کام کا مدنی ماحول
مے عشق خوابد خوراند عشقِ مصطفیٰ سازد ترا ماحول مدنی
اے خواہرانِ اسلامی! برائے شما نیز کار آمد است بشنو ماحول مدنی

(وسائل بخشش 648)

زبان گویا مانند شیری برای حمله آماده است:

حضرت سیدنا ابن ابی مطیع رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْه می فرماید:

(1) لِسَانُ الْمَرْءِ كَيْفٌ فِي كَيْفٍ إِذَا خَلَّى إِلَيْهِ لَهْ إِعَارَةً

(2) فَصْنُهُ عَنِ الْخَنَاءِ بِدَجَامٍ صَهَبَتْ يَكُنْ لَكَ مِنْ بَلِيَّاتٍ سِتَارَةً

ترجمه: (1) زبان (برای نابودی)، آماده حمله کردن است. زبان مانند شیری است که پنهان شده و در هر فرصتی که پیدا کند باعث هلاکت می شود. (2) پس زبان را به افسار سکوت ببند و از چیزهای بیهوده بازدار. به این ترتیب از شر بسیاری از بلاها نجات خواهید یافت. (منهاج العابدین، ص. 66، منهاج العابدین، (اردو) ص. 145)

جانوری درنده:

مردی از بزرگان قریش رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْه فرمود: از عالمی پرسیدند که چرا ساکت می شوی، گفت: زبان خود را مانند حیوانی درنده یافته ام. می ترسم اگر آن را آزاد کنم، مرا بخورد. (ایک چوپ سوسکه (خاموشی کی فضائل)، ص 21)

محافظت از مال آسان است مگر محافظت از زبان...:

یک مرد می تواند ثروت خود را در گاوصندوق محفوظ نگه دارد. اگر ثروت زیادی داشته باشد، می تواند با استقرار یک نگهبان مسلح نیز از آن محافظت کرد، اما کمال در این است که شخص بتواند در محافظت از زبان خود موفق شود.

چنانچه حضرت محمد بن واسع به حضرت مالک بن دینار رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ فرمودند: "برای انسان محافظت از زبان سخت تر از حفظ مال است." (اتحاف الساده، ج 9، ص. 144)

هر کس معمولاً در محافظت از ثروت خود به اندازه کافی باهوش است. مال حتی اگر هدر برود، زبانی دنیوی است. اما افسوس! طرز فکر محافظت از زبان نادر است. بدون شک، به دلیل عدم محافظت از زبان، ممکن است علاوه بر زبان دنیوی، نابودی آخرت نیز وجود داشته باشد.

بک بک کی یہ عادت نہ سرِ حشر پہنسا دے
 اللہ زبان کا ہو عطا قفلِ مدینہ
 عادتِ یاوہ گوئی در محشر گرفتار نہ کند
 خدایا! زبان را شود قفلِ مدینہ

(وسائل بخشش، ص. 93)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

عاشقان را شش علامات:

گفته اند:

عاشقان را شش نشان است ای پسر! آه سرد و رنگ زرد و چشم تر
 گر تورا پر سند سه دیگر کدام؟ کم خورد، کم گفتن و خفتن حرام

ترجمه: در اینجا شش نشانه "عاشق" ذکر شده است: (1) آه سرد (2) رنگ پریده (3) چشمان اشک آلود (4) کمتر غذا خوردن (5) کمتر صحبت کردن و (6) کمتر خوابیدن

شش نشانه جهالت:

خشمگین شدن در هر جمله، گفتگوی بیهوده، و لخرجی، فاش کردن اسرار مردم، اعتماد به همه، عدم امتناع از معاشرت بد و همراهی خوب، همه اینها نشانه های نادانی است. مرد عاقلی می گوید: شش چیز است که جاهل را توسط آن شناخت:

(1) هنگام غضب. یعنی عصبانی شدن بر هر چیزی که برخلاف مزاج او باشد، اعم از اینکه ناشی از شخص یا حیوان و غیره باشد. (2) گفتگوی بیهوده. یعنی انسان عاقل نباید بیهوده حرف بزند، در واقع باید از یک چیز مفید صحبت کند، چه برای دنیا و چه برای آخرت. (3) مصارف بیهوده کردن. یعنی این نیز نشانه جهل است که در جایی سرمایه

گذاری کند که اجرا یا فایده ای به دست نیاورد. (4) افشای اسرار برای مردم (5) اعتماد به همه (6) ناتوانی در تشخیص دوست و دشمن. یعنی شایسته است که انسان دوستان خود را بشناسد، مانند آنها عمل کند و در نقش قدم آنها گام بگذارد، دشمنان خود را نیز بشناسد (یعنی افراد بد) و سعی کند از آنها دور بماند. بدون شک اولین دشمن انسان شیطان است. پس در هیچ امری از شیطان پیروی نکند (و از هر نوع گناهی دوری کند). (تنبیه الغافلین ص 115 خلاصه شده)

چهار آسیب جدی گفتگوی بیهوده:

سیدنا امام ابو حامد محمد بن محمد بن محمد غزالی رحمۃ اللہ علیہ گفتگوی بیهوده را به خاطر این چهار دلیل محکوم کرده است:

(1) کراما کاتبین (یعنی فرشتگان با وقار که اعمال را می نویسند) باید گفتگوهای بیهوده را بنویسند. بنابراین انسان باید از آنها شرم کند و به ایشان زحمت نوشتن حرف های بیهوده را ندهد. خداوند متعال در آیه 18 سوره ق جزء 26 می فرماید:

ترجمه کنز العرفان: انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر اینکه همان دم، فرشته ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است

مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾

[کنز الایمان (ترجمه قرآن)] [جزء 26، سوره ق، آیه 18]

(2) اینکه کتاب اعمال مملو از گفتگوی بیهوده در بارگاه الله تعالی عرضه شود، خوب نیست.

(3) بنبیه دستور داده می شود که کتاب اعمال خود را در بارگاه خداوند متعال در حضور همه انسان ها بخواند. اکنون در روز قیامت با مجازات های سختی روبرو خواهد شد. انسان برهنه خواهد بود، بسیار تشنه خواهد بود و پشتش از گرسنگی خواهد شکست. او را از ورود به بهشت و از هر نوع راحتی دیگری باز می دارند. فقط فکر کن! خواندن کتاب اعمال پر از گفتگوی بیهوده در تمام این شرایط دردناک بسیار آزاردهنده خواهد بود. (حساب کنید که اگر روزانه 15 دقیقه مکالمه بیهوده داشته باشید و اگر فرض کنیم یک ماه 30 روز داشته باشد، در یک ماه 7.5 ساعت و در یک سال 90 ساعت خواهد شد. به عنوان مثال، اگر شخصی به طور متوسط تا 50 سالگی روزانه 15 دقیقه مکالمه بیهوده انجام داده باشد، 187 روز و 12 ساعت یعنی بیش از شش ماه خواهد شد. فقط فکر کن! در روز هولناک قیامت که خورشید فقط از یک مایل دورتر می درخشد، یعنی بسیار داغ است، که می تواند کتاب اعمال خود را به طور مداوم به مدت شش ماه در یک روز گرم بسیار سوزان بخواند. این فقط محاسبات انجام مکالمه بیهوده روزانه به

مدت 15 دقیقه در مورد 50 سال زندگی است. گاهی اوقات، ما ساعات زیادی را با دوستان خود می گذرانیم و به جز گفتگوهای گناه آلود، افعال شیطانی، «مکالمه بی معنی» دیگری نیز می کنیم.

(4) در روز قیامت، بنده بخاطر گفتگوی بیهوده اش سرزنش می شود و او را شرمنده می سازند. بنده در این باره پاسخی نخواهد داشت و در پیشگاه خداوند متعال شرمنده می شود. (منهاج العابدین، ص. 67)

هر لفظ کاکس طرح حساب آه! میں دوں گا

الله! زبان کا ہو، عطا قفل مدینہ

هر لفظ را چگونه حساب دهم

خدایا! مرا قفلِ مدینہ عطا کن

(وسائل بخشش، ص 93)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

سکوت کردن را بیاموز:

از سیدنا جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت شده: سکوت را بیاموز و سپس حلم (یعنی نرمی و بردباری) را بیاموز، سپس دانش را بیاموز و سپس عمل به آن را بیاموز، سپس دانش را به دیگران یاد بده. (شعب الایمان ج 2 ص 288 قول نمبر 1791)

عبادت با سکوت آغاز می شود:

امام سفیان ثوری رحمۃ الله علیه فرمود: "آغاز عبادت سکوت است و سپس کسب دانش، سپس حفظ کردن آن، سپس عمل به آن و سپس گسترش آن." (تاریخ بغداد ج 6 ص 6)

سکوت کلید عبادت است:

حضرت سفیان ثوری رحمۃ الله علیه روایت می کند، می فرماید: "سکوت بیشتر، کلید عبادت است." (الصمت مع موسوعه ابن ابی الدنيا ج 7 ص 255 قول نمبر 436)

پنج نصیحت عالی:

تابعی بزرگوار حضرت امام مجاهد رحمۃ الله علیه روایت کرده که سیدنا عبدالله بن عباس شنیده است رضی الله عنه گفت که او پنج چیز را بیشتر از بهترین اسب های سیاه رنگ آماده سواری دوست دارد:

(1) گفتگوی بیهوده نکنید که بیهوده است و من از دخالت شما در کارهای گناه می ترسم و حتی بی موقع گفتگو نکنید زیرا بسیاری از افرادی که گفتگوی مفید می کنند با سخنان مفید اما بی موقع خود را با مشکل مواجه می کنند.

(2) با شخص حلیم و بردبار و با شخص نادان و احمق بحث مکن چرا که (ممکن است) شخص صبور (ناراحت شود و) نسبت به تو کینه پیدا کند و انسان احمق (با احمقانه سخن گفتن) تو را آزار دهد.

(3) پشت سر برادرت از او (چنان) یاد کن که دوست داری از تو یاد کند. و او را به خاطر چیزهایی که می خواهی تو را ببخشد، ببخش.

(4) با برادرت همان طور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کند.

(5) کسی رفتار کن که معتقد است بر هر کاری به او (پاداش نیکو) داده می شود و بر هر گناهی گرفتار می شود. (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 344)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

چهار حدیث از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در فضیلت سکوت:

(1) مَنْ صَمَتَ نَجَا یعنی هر که سکوت کرد رستگار شد (ترمذی ج 4 ص 255 حدیث 2509)

توضیح حدیث: سکوت مایه رستگاری است، ولی سخن در باره چیزی خوب، امر به معروف، نهی از منکر، تداوم در ذکر و تلاوت قرآن کریم بهتر از سکوت است. (الاستزکار ج 7 ص 372) بنابراین توضیح حضرت علامه مناوی رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ معنای این حدیث مبارکه این است: (مَنْ صَمَتَ) عَنِ الْفُطْرِ بِالشَّمِّ (نَجَا) یعنی "هر که سکوت کرد (از گفتن هر بدی) رستگار شد." (التیسیر ج 2 ص 428)

(2) أَصَمْتُ سَيِّدُ الْأَخْلَاقِ یعنی سکوت آقا و سرور اخلاق است (الفردوس ج 2 ص 417 حدیث 3850)

(3) أَصَمْتُ أَزْفَعُ الْعِبَادَةِ یعنی سکوت درجه بالایی از عبادت است. (الفردوس ج 2 ص 417 حدیث 3849)

توضیح حدیث: سکوت یکی از بهترین عبادات است چرا که بیشتر خطاها از زبان خارج می شود. (سراج منیر شرح جامع صغیر، ج 3، ص 279)

(4) أَصَمْتُ زَيْنٍ لِّلْعَالَمِ وَسَيِّئٌ لِّلْجَاهِلِ یعنی سکوت زینت عالم و برای شخص جاهل، پوشش است. (جامع صغیر ص 318 حتاذ 5159)

بهتر از 60 سال عبادت:

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: "ساکت ماندن بهتر از عبادت 60 ساله است" (شعب الایمان ج 4 ص 245 حدیث 4953)

شرح حدیث: مفتی احمد یارخان رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در رابطه با این حدیث مبارک چنین آورده است: یعنی اگر انسان 60 سال عبادت کند مگر درکنارش بسیار صحبت نیز کند و در صحبت خوب و بد تفاوت قائل نشود، برایش بهتر است که مدتی سکوت کند، زیرا سکوت مستلزم تفکر در آخرت، اصلاح نفس، غوطه ور شدن در ذِكْرُ اللَّهِ است. غوطه ور شدن در اقیانوس ذکر خفی (یعنی دردل یاد کردن) و همچنین مراقبه (یعنی ترک هر چیز دیگری و غرق شدن در یاد خدای متعال). (مرآت ج 6 ص 361)

یا در مورد چیز خوب صحبت کن و یا سکوت اختیار کن:

ای کاش! این حدیث مبارک بخاری شریف عمیقاً در ذهن ما می نشست که شامل این نیز می شود: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ یعنی "هر کس به خداوند متعال و روز جزا ایمان دارد، باید از خیر سخن بگوید یا سکوت کند." (بخاری ج 4 ص 105 حدیث 6018)

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ طویل السکوت بود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ طَوِيلَ الصَّمْتِ. یعنی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سکوت طولانی می کرد. (شرح السنه، ج 7، ص 45، حدیث 3589) حضرت مفتی احمد یارخان رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در بیان معنای این حدیث مبارک فرموده است: مراد از سکوت، سکوت کردن درباره گفتگوی دنیوی است و گرنه زبان پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همیشه مشغول یاد خدای سبحان بود، بی هدف با مردم حرف نمی زد. این همه درباره صحبت های جائز بود؛ زبان مبارک ایشان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هرگز مکالمه ناجائز را انجام نمی داد. دروغ، غیبت، قصه گویی و... در تمام عمر پربرکتش بر زبان مبارکش نیامد. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سرا پا مظهر حق است، پس چگونه باطل به او می رسد؟ (مرآت ج 8 ص 81)

افسوس! بسیاری از مردم پس از گوش دادن به تلاوت رفتند:

سیدنا عبید بن ابوجعد رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ روایت کرده است که وقتی مردم از صحابی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سلمان مطلع شدند، سیدنا سلمان فارسی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در مسجدی از مدائن (شهری از عراق) حضور دارد، نزد او آمدند تا جایی که حدود هزار نفر جمع شدند. در آنجا، او رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ برخاست و گفت: «همه بنشینید»، وقتی مردم نشستند، او رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ شروع به تلاوت سوره یوسف کرد. مردم به آرامی شروع به ترک کردند تا اینکه فقط صد نفر باقی ماندند. با

عصانیت گفت: "می خواستید به یک مکالمه ساختگی و بیهوده گوش کنی، اما وقتی تو را وادار به گوش دادن به کلام الله کردم، برخاستی و رفتی." (حلیۃ الاولیاء، ج 1، ص 261، قول 643 سخنان مردان خدا، ج 1 ص 377)

شوق گوش دادن به تلاوت:

ای شیفتگان رسول اکرم! تلاوت قرآن کریم و گوش دادن به آن ثواب بزرگی دارد. مگرافسوس! در حال حاضر علاقه کمتری در بین مردم یافت می شود. اگر قاری تلاوت کند، ما دوست نداریم آن را بشنویم. درباره شوق تلاوت اصحاب مبارکه در "احیاء العلوم (اردو)" جلد اول، در صفحه 845 آمده است: روایت شده که وقتی اصحاب مبارک رضی الله عنہم جمع می شدند، از یکی از آنها می خواستند که سوره ای از قرآن کریم را بخواند. (احیاء العلوم ج 1 ص 372)

فضیلت گوش دادن به یک آیه شریفه:

سیدنا عبدالله بن عباس رضی الله عنہ گفت: هرکس به یک آیه قرآن گوش دهد، برای او در روز قیامت نوری خواهد بود. (مصنف عبدالرزاق، ج 3 ص 229، قول 6032)

آیا توجه کرده اید! ثواب گوش دادن به قرآن کریم بسیار زیاد است و قاری که مسبب این ثواب است نیز ثوابش را با او تقسیم می کند به شرطی که قصد خودنمایی نداشته باشد.

20 سال در تلاوت قرآن تلاش کردم:

جالب باشد یا نه، عبادت و تلاوت باید ادامه یابد. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ!** روزی از روزگار مشتاق این کار خواهید شد. حضرت سیدنا ثابت بنانی رحمۃ الله علیہ گفت: 20 سال با (تلاوت) قرآن مجاهدت کردم (با وجود اینکه آن را جالب ندیدم) و سپس 20 سال از آن لذت بردم. (احیاء العلوم (اردو) ج 1 ص 871)

هر روز میں قرآن پڑھوں کاش! خدایا

اللہ! تلاوت مری دل کو لگا دے

خدایا! ہر روز تلاوت قرآن کنم اے کاش

خدایا! تلاوت در دل من پیوست کن

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب صَلَّی اللہُ عَلَی مُحَمَّد

اگر بهشت می خواهی غیر از نیکی سخن نگو:

زمانی که از زبان فقط خیر بیرون می آید و ذکر و درود خوانده می شود، عادت به گفتگوی بیهوده نخواهی داشت. شما همچنین از گناہانی مانند دروغ، غیبت، قصه گویی، عیب جویی و غیره دور خواهید ماند. و این **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** سبب ورود

به بهشت خواهد شد. سیدنا امام محمد بن محمد بن محمد غزالی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نوشته است که مردم از سیدنا عیسی روح الله عَلَيْهِ السَّلَام در باره ی عملی پرسیدند که منتهی به بهشت می شود. او عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: "هرگز سخن نگو." مردم با عرض کردند: این که ممکن نیست. ایشان عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: "غیر از سخن خوب، چیز دیگری بر زبان نیاور." (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 336، احیاء العلوم، ج 3، ص 136)

اکثر مرے ہونٹوں پہ رھی ذکرِ مدینہ

اللہ زبان کا ہو عطا قفلِ مدینہ

بسیار ذکرِ مدینہ بر لبائے من خواہد شد

خدایا! زبان را عطا کن قفلِ مدینہ

(وسائل بخشش، ص 93)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّی اللہُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

توبہ خالصانہ از گناہان:

ای کسانی که خواهان بهشت هستید! از این روایت فهمیدیم که کنترل زبان و پرهیز از گفتگوی غیر ضروری نیز از کارهای منتهی به بهشت است. پس برای حفظ زبان و سایر اعضای بدن از گناہان و برای به دست آوردن شوق انجام اعمال منتهی به بهشت، با محیط مذهبی دعوت اسلامی در ارتباط باشید، إِنَّ شَاءَ اللہ سودمند خواهد بود. برای افزایش شوق دریافت برکات اخروی، «حکایتی مدنی» تقدیم شما می شود: مدت ها پیش، یک خانم اهل سند در دفتری کاری کرد که هم زن و هم مرد در آن مختلط کاری کردند کار کرد. در کنار بدحجابی و بدبینی، مفاسد بسیار دیگری نیز در ادارات رایج بود که متأسفانه در جامعه امروزی به آن بدی تلقی نمی شود. نتیجه ی آن محیط بد بود که او عاشق تماشای فیلم و سریال، گوش دادن به آهنگ، پیروی از مد روز و قدم زدن در پارک ها بدون حجاب شد. نافرمانی از والدینش در واقع بدکلامی با آنها و بی ادبی با بزرگترها بخشی از کارهای روزمره او بود. روزی خواهر اسلامی محجبه ای که برقع پوشیده بود به خانه اش آمد. وقتی خواهر اسلامی در مقابل آن خانم چادر خود را برداشت، تعجب دید که خواهر اسلامی همان بانویی است که با او در همان دفتر کاری کرد و او هم مثل خودش بی حجاب می گشت و آرایش می کرد. این خواهر اسلامی مدتی پیش کار را ترک کرد و اکنون مبلغ دعوت اسلامی است. با توجه به تغییر بزرگ در یک زمانی بسیار کوتاه، بانو نتوانست مقاومت کند تحت تأثیر قرار گرفت. خواهر اسلامی او را مؤدبانه به سوی حق دعوت کرد و او را متقاعد کرد که در اجتماع هفتگی الهام بخش سنت دعوت اسلامی برای خواهران اسلامی شرکت کند. دختر نیت کرد که در اجتماع مذهبی شرکت کند. تغییر بزرگی که در زندگی خواهر

اسلامی رخ داد، پیش از پیش قلب او را متأثر ساخته بود، اکنون شرکت در اجتماع الهام بخش سنت و سخنرانی پراز تأمل درباره آخرت او را از خواب غفلت بیدار کرد. دعای دست جمعی بسیار پراحساس و اشکباری که در پایان اجتماع مذهبی انجام شد، باری دیگر او را متأثر ساخت و او نتوانست احساسات خود را کنترل کند و شروع به گریستن کرد. او حس کرد از گناهان خود خجالت زده شده و در بارگاه خداوند متعال خالصانه توبه نمود. او اکنون از خداوند متعال بسیار سپاسگزار است که به او توفیق دعوت اسلامی را عطا فرمود تا از باتلاق گناهان بیرون بیاید.

سلامت رہے یا خدا مدنی ماحول بچی بد نظر سے سدا مدنی ماحول
دعا ہے یہ تجھ سے دل ایسا لگا دی نہ چھوٹے کبھی بھی خدا مدنی ماحول
سلامت باد خدایا موحول مدنی - محفوظ شود از نظربد ماحول مدنی
دعا است چنان دل من میرست خواهد کرد کہ - نہ رہد از من گاہے ماحول مدنی

(وسائل بخشش، ص 647)

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب صَلَّی اللہُ عَلَی مُحَمَّد

سکوت منبع محافظت از ایمان است:

هرکسی که زبانش مثل یک قیچی مکالمه همه را قطع می کند. از درک بهتر منظور شخص دیگری خالی خواهد شد. در واقع شخص پرحرف نیز از این امر مستثنا نیست. ابو حامد محمد بن محمد بن محمد غزالی رَحِمَہُ اللہُ عَلَیْہِ در "احیاء العلوم" نوشته است که برخی از پیشینیان گفته اند: "در انسان ساکت دو خصلت جمع می شود: (1) دین او محفوظ باقی می ماند و (2) سخن طرف مقابل را به خوبی درک می کند." (احیاء العلوم، ج 3، ص 137)

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب صَلَّی اللہُ عَلَی مُحَمَّد

راز بهشتی شدن (حکایت):

به برکت خداوند متعال پیامبر گرامیمان صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم! به مردم می نگریست و بهشتی را از جهنمی می شناخت. در واقع، به او پیش از پیش الهام میشد که شخص بهشتی است یا جهنمی. چنانچه پیامبر صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم باری فرمودند: "شخصی که اول از این دری آید، بهشتی است." در این میان، سیدنا عبداللہ بن سلام رَحِمَہُ اللہُ عَلَیْہِ از در وارد شد. مردم به او تبریک گفتند و پرسیدند که بخاطر کدام عمل او این امتیاز به او داده شده؟ فرمود: عمل من بسیار اندک است و چیزی که از خداوند متعال امید دارم حفظ قلبم و ترک گفتگوی بیهوده است. (الصمت ج 7 ص 86 قول 111)

در این حدیث مبارکه "سَلَامَةُ الْقَدَر" یعنی حفظ قلب این است که دل از بیماری های درونی (یعنی بیماری های پنهان گناهان) مانند کینه و حسد و غیره پاک باشد و ایمان در قلب قوی باشد.

رفتار کا گفتار کا کردار کا دی دی
 ہر عوض کا دی مجھ کو خدا قفل مدینہ
 رفتار کا گفتار کا کردار کا بدہ
 ہر عوض کا خدایا بدہ مرا قفل مدینہ

(وسائل بخشش، ص 95)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

ہر صاحب نبی صَلَّی اللہ علیہ و آلہ و سلم جنتی است:

سُبْحَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ! سلامتی و جسم و روح و مال ما فدای پیامبر اکرم صَلَّی اللہ علیہ و آلہ و سلم باد! از اصحاب رسول اللہ صَلَّی اللہ علیہ و آلہ و سلم، عبد اللہ بن سلام رَضِیَ اللہ عنہ کہ از زبان مبارک پیامبر صَلَّی اللہ علیہ و آلہ و سلم مژدہ بہشتی بودن را دریافت کرد، بدون شک او رَضِیَ اللہ عنہ بہشتی است و نہ تنها او، بلکہ تمام اصحاب رسول اللہ صَلَّی اللہ علیہ و آلہ و سلم بہشتی ہستند. چنانچہ در صفحات 329 تا 330 "فیضان نماز" آمدہ است: خداوند متعال در آیہ 10 سورہ حدید جزء 27 می فرماید:

ترجمہ کنز العرفان: کسانی کہ قبل از پیروزی اتفاق کردند و جنگیدند (با کسانی کہ پس از پیروزی اتفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنہا بلند مقامتر از کسانی ہستند کہ بعد از فتح اتفاق نمودند و جہاد کردند؛ و خداوند بہ ہر دو وعدہ نیک دادہ؛ و خدا بہ آنچه انجام میدہد آگاہ است.

لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ
 قَتَلَ أَوْلِيكَ أَكْثَرُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ
 بَعْدُ وَقَتَلُوا كُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا
 تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧﴾

[کنز الایمان (ترجمہ قرآن)] (جزء 27، سورہ مبارکہ حدید، آیہ 10)

تمام اصحاب پیامبر صَلَّی اللہ علیہ و آلہ و سلم بہشتی ہستند

مفسر قرآن کریم حضرت مفتی احمد یارخان رَحِمَہُ اللہ علیہ در رابطہ با این آیہ مبارکہ می فرماید: ہر چند رتبہ ی آنہا (اصحاب کرام رَضِیَ اللہ عنہم) با یکدیگر تفاوت دارد، با این حال شکی نیست کہ ہمہ صحابہ رَضِیَ اللہ عنہم مطلقاً مقدر شدہ اند کہ در بہشت باشند زیرا خداوند آن را وعدہ دادہ است. چرا کہ وعدہ بہشت بہ فاسق (یعنی گناہکار) دادہ

نمی شود. (به گفته نورالعرفان در مورد این آیه شریفه آمده است) هر صحابی به خاطر نسبت صحابیتش با پیامبر اکرم ﷺ برای ما واجب الاحترام است، و بی احترامی به هر صحابی حرام و گمراهی است.

هر صحابی النبی جنتی جنتی	سب صحابیات بھی جنتی جنتی
چار یارانِ نبی جنتی جنتی	حضرت صدیق بھی جنتی جنتی
هین عمر فاروق بھی جنتی جنتی	عثمان غنی بھی جنتی جنتی
فاطمہ اور علی جنتی جنتی	هین حسن حسین بھی جنتی جنتی
والدین نبی جنتی جنتی	هر زوجہ النبی جنتی جنتی
اور ابوسفیان بھی جنتی جنتی	هین معاویہ بھی جنتی جنتی

برادران عزیز اسلامی! اگرچه «گفتگوی بیهوده» گناه نیست، اما هیچ برکتی در آن نیست. **سُبْحَنَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ!** آن روایت را شنیده اید که در آن صحابی نبی حضرت عبدالله بن سلام **رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ** از زبان مبارک آن بزرگوار **صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** مژده بهشت را در جهان دریافت کرد! یکی از خصوصیات او **رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ** نیز این بود که هرگز درگیر گفتگوهای بیهوده نبود. او **رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ** در مورد چیزی که با آن ربطی نداشت نمی پرسید. اما افسوس! ما هنوز هم در مورد مسائلی که به هیچ وجه کاری به آن ها نداریم دخالت می کنیم و بی هدف در مورد آنها سوال می کنیم.

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

افراط در خوردن نیز یکی از دلایل زیاده گویی است:

در قرآن و روایات، افراط در خوردن و آشامیدن صرفاً برای لذت بردن، نکوهش شده است. هنگامی که معده بیش از حد پر است، فرد تمایل به شیطنیت دارد و زبان نیز مانند یک قیچی شروع به حرکت می کند. و هنگامی که فرد احساس گرسنگی می کند، شخص تنبل می شود؛ او حوصله زیاد صحبت کردن را ندارد. حضرت شیخ عبدالوهاب شعرانی **رَحِمَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ** می فرماید: پیشینیان ما (یعنی اولیای الهی که گذشتند) گرسنگی شدید را تحمل میکردند و اجازه نمیدادند شکمشان بزرگ شود تا سکوتشان بیشتر و گفتگوی بیهوده شان کمتر شود، همانطور که عادت علمای دین **رَحِمَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِم** ما بود. دلیلش این است که هرکس شکمش پر باشد، بیهوده حرف زدنش بیشتر می شود. (تنبيه المغترين ص 189)

هر که بدون گرسنگی بیدلیل غذا بخورد پرحرف است:

حضرت سیدنا محمد راهبی **رَحِمَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ** فرمودند: گفتگوی بیهوده از زبان کسی که شکمش را از غذای بیهوده پر کند

نیز بیرون می آید. (تنبيه المغترين ص 189)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

زخم شمشیر خوب می شود مگر زخم زبان هرگز:

تیر و شمشیر فقط بدن را زخمی میکند، اما توسط زبان، دل زخمی می شود. حضرت سفیان ثوری رحمۃ اللہ علیہ فرمودند: تیر زدن به افسان از گفتن سخنان ناپسند به او کمتر نیست، زیرا نشان زبان هرگز از خطا نمی رود. (تنبيه المغترين ص 189)

زبان را در بند نگه دار:

هر که موفق شد زبانش را زندانی کند، از فتنه های بی شماری نجات می یابد. صحابی پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، سیدنا عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ می گوید: "سوگند به خدای متعال که جز او هیچ کس شایسته پرستش نیست، چنین چیزی وجود ندارد که بیشتر از زبان به زندانی کردن ضرورت داشته باشد." (احیاء العلوم ج 3 ص 137، احیاء العلوم (اردو) ج 3 ص 338)

جمله ای که به درد لب ها نمی خورد، به درد هیچ جایی نمی خورد:

قبل از صحبت با دقت فکر کنید، زیرا ممکن است بعداً به بخاطرش شرمند شوید. حضرت سیدنا امام شافعی رحمۃ اللہ علیہ فرمودند: که یک سخن مانند یک تیر است. اگر آن را رها کنید، شخص دیگری مالک آن خواهد شد و شما دیگر مالک آن نخواهید بود. (تنبيه المغترين ص 189)

بشر راز دل کہہ کر ذلیل و خوار ہوتا ہے نکل جاتی ہے جب خوشبو تو گل بی کار ہوتا ہے

مَا هَآءَ اَیُّهَا الْاَشْهَاءُ! برخی افراد بسیار باهوش و رازدار هستند. آنها به هیچ صورتی رازی را فاش نمی کنند و در مورد مسائل داخل خانه، بیرون صحبت نمی کنند. به همین ترتیب، حکایت یک مرد خردمند که در ذیل آورده شده است واقعاً لایق تقلید است.

هر کس مسائل داخلی را بیرون فاش کند، انسان ارزانی است:

شخص بزرگی رحمۃ اللہ علیہ فرموده است: شخصی رازدار ازدواج کرده بود، اما بین زن و شوهر تفاهم نبود. به نحوی دوستش از این وضعیت با خبر شد. دوستش از او پرسید: در خانواده تان چه مشکلی دارید؟ مرد راز دار گفت: من آن آدم ارزانی نیستم که امور داخل خانه خود را فاش کنم. زمان گذشت. در آخر، آن زوج نتوانستند رابطه خوبی باهم برقرار کنند و از هم جدا شدند. وقتی دوستش متوجه شد، گفت: او دیگر زن تو نیست، حالا بگو مشکل چه بود؟ آن

مرد عاقل گفت: او اکنون برای من یک زن نامحرم است و نمی توانم در مورد هیچ زن نامحرمی صحبت کنم! (غیبت کی تباہ کاریان، ص 363)

اللہ ہم کو فضل سی عقل سلیم دے شرم و حیا طفیلِ رسولِ کریم دے

خدایا! مارا بفضل خود عقل سلیم بدہ

بطفیلِ رسولِ کریم شرم و حیا بدہ

گاهی جمله ای از دهان بیرون می آید که ...:

حضرت بلال بن حارث رضی اللہ عنہ فرمود که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمودند: انسان یک کلمه بخاطر رضای خداوند متعال می گوید، اما نمی داند که به چه لذت بزرگی می رسد. مگر به همین دلیل، خداوند متعال رضایتش را (یعنی خوشی) را تا روز قیامت برایش می نویسد. همچنین شخص سخنی ناخوشایند می گوید اما نمی داند که نارضایتی بیشتری وجود خواهد داشت، اما خداوند متعال نارضایتی خود را تا روز قیامت برای او می نویسد. (ترمذی ج 4 ص 143 حدیث 2326)

او کم بیهوده می گوید:

هر شخص خوش نصیبی که از خدا بترسد، مرگ را فراوان یاد کند، شکر درآمد بسیار کم را بگوید، طمع ثروت بیشتر نداشته باشد، و همچنین احساس می کند که «سخن گفتن» کاری است که باید در قبال آن پاسخگو باشد، در این صورت چنین فردی هرگز سخن بیهوده نمی گوید. به قول سیدنا عمر بن عبدالعزیز رحمۃ اللہ علیہ: هر کس مرگ را فراوان یاد کند، و حتی به چیز کمی از دنیا قناعت کند و به گفتگوی خود نیز به عنوان یک عمل توجه می کند، چنین شخصی کمتر سخنان بیهوده می گوید. (احیاء العلوم ج 3 ص 137، احیاء العلوم (اردو) ج 3 ص 338)

لغزش زبان از لغزش پا خطرناکتر است:

در حالی که هر بار صحبت می کنید، این ترس نیز وجود دارد که ممکن است سخن شما در یک لحظه پذیرش باشد و اگر جمله ناپسندی (از دهان) خارج شود، ممکن است همان طور که هست اتفاق بیفتد. ترجمه دوییتی هاتچریک شا عرب به این شرح است: "انسان بخاطر لغزش زبانش هلاک می شود؛ بالعکس، بر اثر لغزش پایش نمی میرد. اجازه نده که زبان در مورد چیزی که ناپسند است سخن بگوید. گاهی اوقات هر چیزی که از زبان بیرون می آید دقیقاً همان طور که هست اتفاق می افتد." (تنبيه الغافلین ص 116)

چه کسی لحظه پذیرش را می داند:

ای شیفتگان رسول خدا! خودداری از سخن گفتن بیهوده درباره این و آن برکاتی دارد. هر وقت فارغ شدی، فوراً ذکر و

درود بر رسول الله ﷺ را به زبان بیاور. چه کسی میداند که لحظه پذیرش چه وقت میرسد و ممکن است از مشکلاتمان خلاص شود. حضرت لقمان حکیم رَحِمَهُ اللهُ عَلَیْهِ به فرزندش فرمود: ای پسر! اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ را ورد زبان خود کن زیرا لحظاتی از طرف خداوند متعال است که هر کس در آن لحظه دعا کند، دعایش قبول می شود. (کتاب حسن الظن بالله مع موسوعه ابن ابی الدنيا ج 1 ص 110 قول 118)

پنج جای نگرانی در روز قیامت برای کسی که بیهوده حرف می زند:

می گویند شخص برای هر نوع تمسخر یا هر جمله بیهوده ای در پنج جا (درمیدان قیامت) متوقف شده، توبیخ می شود:

- (1) چرا این حرف را زدی؟ آیا برای شما مفید بود؟
- (2) آیا از چیزی که گفتی سودی بردی؟
- (3) اگر این حرف را نمی زدید ضرری کردید؟
- (4) چرا سکوت نکردی تا از عاقبت آن در امان بمانی؟
- (5) چرا به جای آن، با گفتن سبحن الله اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ثواب حاصل نکردی؟

(قوت القلوب ج 1 ص 468)

حضرت فضیل بن عیاض رَحِمَهُ اللهُ عَلَیْهِ فرمود: "سر را زبان حفظ می کند." (تنبيه المغترین ص 190) هر کسی که مورد سرزنش قرار می گیرد ممکن است با عصبانیت وارد دعوا شود و سرش را بکوبد و غیره.

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

سکوت هفت هزار فایده دارد:

شخصی چنین گفته است که سکوت هفت هزار فایده دارد که در هفت جمله خلاصه می شود و هر جمله هزار فایده دارد:

- (1) سکوت عبادتی بی محنت است (همراه با شرایط خاص).
- (2) سکوت بدون زیور نیز زیبا است.
- (3) سکوت هیبتی بدون پادشاهی دارد.
- (4) سکوت قلعه ای است بدون هیچ دیواری.
- (5) در سکوت، شخص مجبور نیست از کسی معذرت خواهی کند.
- (6) سکوت برای کراما کاتبین (یعنی فرشتگانی که اعمال انسان را می نویسند) آرامش دارد.

(7) سکوت پرده ای بر عیب های آدمی است. (تنبیه الغافلین ص 117)

دوران جوانی دوران دیوانگی است، از شر آن دوری کنید!

در جوانی معمولاً انسان صحتمند و خوب می ماند، آرزوها بی شمارند، و در واقع دوران جوانی دوران آزمایش سختی است. از حضرت حسن بصری رحمۃ اللہ علیہ نقل شده است که سیدنا عمر فاروق اعظم رضی اللہ عنہ به جوانی گفت: "ای جوان! اگر از سه چیز پرهیز کنی، از شر جوانی در امان خواهی بود. (1) از شر زبان (2) از شر شرمگاه (3) از شر شکم." (تنبیه الغافلین ص 117)

دهلنی والی ہے جوانی جس پہ تجھ کو ناز ہے تو بجا لے چاہی جتنا چاردن کا سازھی

سکوت نه مزیت دارد:

در واقع، در کمتر صحبت کردن، عافیت و امنیت وجود دارد. حضرت وهیب بن ورد رحمۃ اللہ علیہ فرمود: "عافیت ده حصه است، 9 جزء آن در سکوت و یکی از آنها در فرار از مردم است." (تنبیه المغترین ص 190)

زبان را مانند طلا و نقره حفظ کن:

سیدنا عبدالله بن عمرو بن عاص رضی اللہ عنہ فرمودند: "هر کار بیهوده را رها کن، از گفتگوی بیهوده پرهیز، و زبان را طوری محافظت کن که گویا از طلا و نقره حفاظت میکنی." (اللہ والون کی باتی ج 1 ص 508، حلیۃ الاولیاء ج 1 ص 359)

سکوت "طلا" است:

پیامبر گرامی خدا، به سیدنا سلیمان رضی اللہ عنہ فرمود: اگر سخن گفتن "نقره" است، سکوت "طلا" است. (احیاء العلوم، ج 3، ص 136)

چه کسی صاحب حکمت است؟:

پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: "وقتی دیدی شخصی به دنیا بی رغبت است و کمتر سخن می گوید، با او همنشین شو زیرا او دارای برکت حکمت است." (ابن ماجه ج 4 ص 422 حدیث 4101) در "مرآت" در رابطه با این حدیث مبارک آمده است: مراد از "حکمت" علم با عمل است. بعضی از علمای فرمایند: مجموع شریعت و طریقت، "حکمت" است. (مرآت ج 7 ص 57)

گفتار کمتر، کار بیشتر:

وقتی انسان متقی باشد از ذکر و درود و دعوت به سوی حق رهایی نمی یابد، بنا براین نمی تواند به گفتگوی بیهوده پردازد؛ از سوی دیگر، انسان منافق شخص بی ارزشی است، اگر وارد گفتگوهای بیهوده نشود، چه کار دیگری می

تواند بکند! به قول معروف امام اوزاعی رحمۃ اللہ علیہ می فرماید: "مسلمان کمتر حرف می زند و بیشتر کار می کند، ولی منافق کمتر کار می کند و بیشتر حرف می زند (یعنی حرف بیهوده)." (تنبيه الغافلین ص 115)

40 سال از گفتگوی بیهوده شبانه دوری کرد:

بسیاری از بندگان نیک خدای متعال و شیفتگان رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم هستند که در ذکر و درود بسیار مشغولند چنان که وقتی برای سخنان بیهوده نمی یابند. حضرت منصور بن معتمر رحمۃ اللہ علیہ چهل سال بعد از نماز عشا در هیچ گفتگویی با کسی شرکت نکرد. (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 339، احیاء العلوم، ج 3، ص 137)

اللہ اکبر! برادران عزیز اسلامی! بندگان خداوند رحمۃ اللہ علیہم تا چهل سال بر زبان خود مسلط می بودند و حالت ما این است که حتی تا چهل دقیقه نتوانیم بر زبان خود مسلط باشیم!

بے کار گفتگو سے خدایا بچا مجھے

ذکر و درود پاک کاشیدا بنا مجھے

خدایا! از یا وہ گوئی مرا امان بخش

شیدائے ذکر و درود ساز مرا

صَلُّوا عَلَى الْخَبِيبِ صَلَّی اللہُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

حتی یک کلمه توهین آمیز می تواند به جهنم منتهی شود :

گاهی اوقات مسلمان ناخواسته آنقدر حرف خوبی می زند که حتی خودش از آن خبر ندارد و خداوند متعال از او راضی شده می باشد. و گاهی شخص چنان سخنی را با بی احتیاطی به زبان می آورد که حتی از آن خبر ندارد، هرچند شر آن سخن برایش مقدر می شود. سیدنا ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: همانا گاهی بنده ای بخاطر رضای خدا چنان جمله ای می گوید که از آن خبر ندارد و به همین دلیل خداوند متعال درجات او را بالا می برد. و گاهی بنده چنان جمله ای در نافرمانی خدای متعال می گوید که حتی از آن خبر ندارد و به همین دلیل مدام در جهنم می افتد. (مشکات ج 2 ص 189 حدیث 4813)

صحبت بد مرا نابود کرد :

ای عاشقان رسول! حدیث مبارک دل انگیزی بیان شد. در واقع، زبان باید بسیار با احتیاط استفاده شود. نقش دعوت اسلامی به منظور توسعه ذهنیت حفاظت از زبان بسیار حیاتی است. با توجه به محیط مذهبی دعوت اسلامی، باید

فعالیت های مذهبی را به وفور انجام دهیم و همیشه از معاشرت بد دوری کنیم. به یک شگفتی مدنی درباره ی برادر اسلامی خوشبخت گوش کنید: یکی از برادران اسلامی بعد از نابود شدن توسط دوستان بد، توفیق دوستی با ارادتمندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نصیبش شد. او اهل منطقه ای در کراچی به نام "گلستان جوهر" بود. او در اثر معاشرت با دوستان ناباب در باتلاق بداخلاقی و گناه گیر افتاده بود. او به آهنگ گوش دادن بسیار علاقه مند بود و این علاقه به حدی افزایش یافت که خودش شروع به خواندن در برنامه های مختلف کرد و مورد تقدیر مردم قرار گرفت. علاوه بر این، مصرف ماری جوانا کار روزمره او بود، او چنان به گناه عادت کرده بود که فحش گفتن و دروغ گفتن دیگر در نظرش گناه نمی آمد. خوشبختانه وی در سال 2005 این افتخار را داشت که در "اجتماع بین المللی سه روزه الهام بخش سنت" دعوت اسلامی که در مدینه الاولیاء، شهر مولتان، در آنجا مرید غوث پاک رحمۃ الله علیه شود، اما پس از بازگشت از محفل مذهبی، بار دیگر با هم صحبتی با دوستان ناباب شروع کرد و به گناهان خود ادامه داد، روزی به یکباره دچار بیماری روانی شد که به خاطر آن سوره فاتحه را هم به یاد نمی آورد و مانند دیوانگان در خانه خود رفتار می کرد، پدر و مادرش را دشمن خود می دانست، حالش به حدی بدتر شد که به دلیل بیماری نمی توانست غذا بخورد و بخوابد، سرانجام در بیمارستان روانی بستری شد، مادرش نتوانست پسرش را در این وضعیت ببیند. و مدام برای او دعا می کرد. شبی مادرش مرد بزرگواری را در خواب دید که از او می خواهد که کاری را انجام دهد. مادرش شروع به اجرای روزانه آن کار کرد. به برکت آن کار، حال آن برادر اسلامی شروع به بهبودی کرد و از نظر جسمی خوب شد. و الحمد لله روزی فرا رسید که با قافله مدنی دعوت اسلامی سفر کرد تا سنن را بیاموزد. در آنجا با دوستی با ارادتمندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ذهنیت پرهیز از گناه را پیدا کرد و خود را در محیط مذهبی عادت داد و در حین انجام فعالیت های دینی دعوت اسلامی به زمامدار (نماینده) بخشی از انعامات مدنی (که اکنون به نام "اعمال نیک" یاد می شود) منصوب شد.

ای شیفتگان صحابه و اهل بیت! حکایتی که در بالا ذکر شد ما را به فکر فرو می برد، تا در مورد صحبت ها و دوستان خود باری دیگر بیندیشیم. ممکن است دلیل دوری از کارهای خوب، معاشرت با دوستان بد ما باشد! حضرت مفتی احمد یارخان رحمۃ الله علیه می فرماید: "هرگز امکان ندارد که معاشرت با بدان سودمند، و معاشرت با نیکوکاران زیانمند باشد. در همنشین با آهنگر، خوشبوی مشک دریافت نخواهید کرد، بلکه فقط گرما و دود دریافت می کنید. از مشک نه گرما به شما میرسد و نه دود، بلکه فقط خوش بوی می شوید. در ادامه فرمودند: "تا حد امکان از معاشرت بد پرهیزید، زیرا دین و دنیا را نابود می کند. هم صحبت نیک اختیار کن، زیرا دین و دنیایت را حفظ می کند. دوستی با مار جانت را می گیرد. همنشینی با دوستان ناباب، ایمان را از بین می برد." (مرآت ج 6 ص 591)

حضرت مولانا رومی رحمۃ اللہ علیہ فرمودند

صُحِبَتِ صَالِحٌ تَرَا صَالِحٌ كُنْدُ صُحِبَتِ طَالِحٌ تَرَا طَالِحٌ كُنْدُ

(یعنی همنشینی با شخص خوب شما را خوب و همراهی با شخص بد شما را بد می کند.) (مثنوی ج 1 ص 22)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

توصیه ای برای پاک کردن سخنان از بیهوده گویی :

برای کسانی که می خواهند گفتگوی خود را کم کرده و از سخنان بیهوده و بدی های مختلف دوری کنند، در "احیاء العلوم" چنین آمده است: گفتگو چهار قسم است: 1) سخن کاملاً مضر 2) سخن کاملاً مفید 3) سخنی که هم مضر است و هم مفید و 4) سخنی که نه مضر است و نه مفید. همیشه باید از مکالمه نوع اول که کاملاً مضر است پرهیز کرد. همینطور خودداری از مکالمه نوع سوم که هم مضر و هم مفید هست، لازم است و قسم چهارم شامل دسته کاملاً بیهوده که نه سودی دارد و نه زیانی. اتلاف وقت در چنین گفتگویی نیز نوعی از زیان است. بعد از همه اینها فقط نوع دوم مکالمه باقی میماند. یعنی سه چهارم تمام اقسام مکالمه، یا 75 درصد مکالمه زیانمند است و فقط بخش کمی از آن مفید است که در آن هم ترس خفیفی از ریاکاری، غیبت، تهمت، دروغ، خودستایی به معنای بیان برتری و پاکی خود و غیره وجود دارد. علاوه بر این، ترس از وارد شدن به گفتگوی بیهوده در حین گفتگوی مفید وجود دارد و نعوذ بالله در این مورد امکان ارتکاب گناه نیز وجود دارد. این بدی ها آنقدر جزئی هستند که انسان اغلب از آن بی خبر می ماند. بنابراین، انسان همیشه در حین مکالمه مفید با خطراتی مواجه است. (احیاء العلوم، ج 3، ص 138)

اگر کسی مکالمه دنیوی کرد، ذِکْرُ اللَّهِ را بجا آورد :

بندگان نیک خداوند سبحان، حتی مکالمه سالم دنیوی را هم خوب نمی دانستند. هنگامی که سیدنا حماد بن سلمه رحمۃ اللہ علیہ به گفتگوی دنیوی می پرداخت، پس از آن «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» را می خواند و می گفت: "پیشینیان ما (یعنی: بندگان نیک خدای متعال که از دنیا رفتند) گفتگوی سالم دنیایی را هم خوب نمی دانستند، مگر اینکه در آن سخن نیکی شامل کنند." (تنبيه المغتربين ص 190)

وقتی نظر رحمت از بین برود :

انسان پرحرف باید بترسد که خداوند متعال نظر رحمت خود را از او دور نکرده باشد. همانطور که سیدنا شیخ معروف کرخی رحمۃ اللہ علیہ فرموده: "گفتار بیهوده انسان باعث می شود که خداوند متعال او را از یاری و مدد خود بی بهره کند." (تنبيه المغتربين ص 190)

محروم از حسن اخلاق و درک دین:

منافق هر قدر هم که در امور دنیوی زکات داشته باشد، عاری از اخلاق و فهم دین است. بنابراین او یقیناً بدبخت و بیچاره است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: منافق هرگز نمی تواند این دو خصلت را در مجموع داشته باشد:

(1 حسن اخلاق 2) درک دین (ترمذی ج 4 ص 313 حدیث 2693)

گوینده اغلب پشیمان می شود:

ترجمه یک شعر نصیحت آموز عربی چنین است: "علم زینت (یا زیبایی) است و سکوت آرامش و امنیت، و هر گاه مجبور به صحبت شدید زیاد صحبت نکنید. شخص به خاطر سکوت دچار شرمندگی نخواهد شد. اما امکان پشیمانی بعد از صحبت کردن و شرمنده شدن وجود دارد." (تنبيه الغافلين ص 116)

برادران عزیز اسلامی! در واقع این یک حقیقت است که با سکوت کمتر دچار شرمندگی می شوید، زمانی که وقت و بیوقت به دلیل عادت به "حرف زدن" باید چندین بار عذرخواهی کنید یا در دل پشیمان شوید و با خود بگویید "بہتر بود فلان جا حرف نمی زدم. چرا که صحبت کردنم باعث شد که شخص مخاطب متردد شود، سرزنش شوم، فلانی ناراض گردد، فلانی احساس بدی کند، فلانی صدمه ببیند، احساسات خودم هم جریحه دار شود و غیره." سیدنا محمد بن نضر حارثی رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ نصیحت بسیار خوبی کرده است: "به دلیل زیاده روی در صحبت کردن، عزت و وقار از بین می رود." (الصمت لابن ابی الدنيا مع موسوعه ج 7 ص 60 قول 52)

پشیمانی از حرف نزدن بہتر از پشیمانی بعد از حرف زدن است:

درست است که پشیمانی از "حرف نزدن" بہتر از پشیمانی بعد از "حرف زدن" است و همچنان پشیمانی پس از کم خوردن، بہتر از پشیمانی پس از زیاده روی در خوردن است. زیرا هر کس که پرحرفی کند دائماً دچار مشکل می شود و کسی که عادت به پرخوری دارد، معده خود را از بین می برد، او اغلب از چاقی رنج می برد و به انواع بیماری ها مبتلا می شود. حتی اگر در جوانی تا حدی از بیماری ها در امان بماند، پس از پایان جوانی "سرا پا بیمار" می شود. برای اینکه با مضرات زیاده روی در غذا خوردن و درمان چاقی آشنا شوید، "فضائل گرسنگی" یکی از فصول جلد اول کتاب فیضان السنن را مطالعه کنید.

شخص پرحرف باید شرمندگی را تحمل کند :

صحبت بد تباهی به بار می آورد، هر کس که جای بدی می رود بدنام می شود و شخص پرحرف باید شرمندگی را تحمل کند. همانطور که درباره ی سیدنا لقمان حکیم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ گفته شده است، ایشان رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به پسر خود فرمود: ای پسر! (1) هرکس با شخص بدی دوستی کند و با او همنشین شود، ازو در امان نمی باشد و (2) هرکس به جای بدی برود بدنام می شود و (3) هر کس زبان خود را حفظ نکند شرمنده می شود. (تنبیه الغافلین ص 115)

هر کس قبل از سخن گفتن بیندیشد از گفتگوی بیهوده خودداری می کند:

خصلت عاقل این است که قبل از سخن گفتن بیندیشد و وقت خود را تلف نکند و به کار خود توجه کند. چنین شخصی چطور فرصتی برای پرحرفی و بیهوده گویی پیدا خواهد کرد!! سیدنا ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت کرده است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم: در صحیفه های ابراهیمی (یعنی کتابهایی که بر سیدنا ابراهیم علیه السلام نازل شده است) چه موضوعاتی وجود دارد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: تمامی آنها از پندها و اندرزها تشکیل شده بود. یکی از آن نصایح این است که بر عاقل لازم است که از اوضاع و احوال عصر خود آگاه باشد و از زبان خود حفاظت کند. به جای حرف زدن عمل کند و مکالمه او حاوی صحبت های بیهوده نباشد. (الله والون کی باتین ج 1 ص 319 ، حلیۃ الاولیاء ج 1 ص 222)

بیمار سرطانی بهبود یافت:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ محیط دعوت اسلامی چقدر با برکت است. برای درک این برکات به "حکایت مدنی" گوش دهید و لذت ببرید: یکی از برادران اسلامی اهل کانپور قدیم (الهند) که از خوش بختی اش به توفیق معاشرت با محیط دعوت اسلامی دست یافت. مادر بزرگ مادری او به شدت بیمار بود. او به مراتب تحت درمان قرار گرفت اما هیچ بهبودی حاصل نکرد. پزشکان گفتند: که او از سرطان رنج می برد. علاوه بر این، آنها گفتند که او فقط چند روزی زنده می ماند، او از این خبر وحشتناک شوکه شد. وی برای دعای شفای مادر بزرگش با توکل به خداوند متعال در اجتماع هفتگی سنت دعوت اسلامی شرکت کرد و دعای خیر کرد. "یا الله متعال! مادر بزرگ عزیزم را به فضیلت هر آن کسی که در دنیا محبوب توست شفا بده." فردای آن روز، وقتی به دیدار مادر بزرگ خود رفت، بسیار خشنود شد که برکت دعایش در اجتماع در بین عاشقان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ظاهر شده! و مادر بزرگش نه تنها قادر به نشستن بود بلکه تندرست شده و شروع به راه رفتن کرده بود.

(وسائل بخشش ص 647)

هیچ بیماری لاعلاج نیست :

سُبْحَنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ! خدا بر همه چیز قادر است. اگر او تعالی بخواهد سرطان هم درمان می شود. همانا برای هر بیماری، به جز پیری و مرگ، علاجی وجود دارد. با این حال، یک موضوع متفاوتی است که پزشکان هنوز درمان چندین بیماری را کشف نکرده اند. بنابراین بهتر است به جای اینکه بگوییم فلان بیماری لاعلاج است، بگوییم: "ما هنوز هیچ درمانی برای این بیماری نداریم یا پزشکان هنوز درمان آن را پیدا نکرده اند." به هر حال، اگر خداوند متعال بخواهد، دارویی سبب شفای می شود. در غیر این صورت، این احتمال وجود دارد که همان دارو موجب مرگ بیمار شود. همچنین مشاهده می شود که با وجود تجویز صحیح پزشکان، برخی از بیماران دچار عوارض جانبی آن می شوند.

شفای معنوی سرطان :

با یازده بار خواندن درود ابراهیمی قبل و بعد از "سوره مریم"، آب را دم کرده، در صورت نیاز به آن آب اضافه کنید. بیمار باید تمام روز آن آب را بنوشد. این عمل را روزانه به مدت چهل روز بدون وقفه ادامه دهید. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** بیمار شفای یابد. (همچنین شخص دیگری نیز می تواند این کار را کند و آب را به بیمار بدهد.)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّی اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

آدم نادان تا زمانی که سکوت کرده است شناخته نمی شود:

گاهی سکوت آدم ها را می ترساند. با احترام به شما نگاه می کنند اگر کسی همیشه صحبت کند، هیبتش از بین می رود و حرف هایش "بی ارزش" تلقی می شود. چنانچه ابراهیم نخعی **رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ** فرموده است: "اگر کسی تأمل کند، کسی را که اغلب ساکت باشد، باوقار و با ابهت تر از سایر حاضران در مجالس می یابد، زیرا سکوت برای عالم زینت و برای جاهل پوشش است." (تنبيه المغترین، ص 190)

اگر خورشید تا نیمه شب غروب نکرد چه؟ (واقعه):

ای شیفتگان رسول الله **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ**! در واقع، کرامت با سکوت حفظ می شود. وقتی انسان شروع به صحبت می کند، عقلش آشکار می شود. می گویند شخصی با سیدنا امام ابویوسف **رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ** می نشست اما هرگز صحبت نمی کرد. سیدنا امام یوسف **رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ** یکبار به او گفت: "چرا هیچ وقت سوالی نمی پرسی؟ تو همیشه ساکت می مانی." پس از شنیدن این حرف، او پرسید: خوب برایم بگو روزه را چه زمانی باید افطار کرد؟ امام محترم **رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ** فرمودند: وقتی

خورشید غروب کرد، او پرسید: اگر خورشید تا نیمه شب غروب نکند چه می شود؟ امام ابویوسف رحمۃ اللہ علیہ خندید و گفت: سکوت تو بهتر بود، این اشتباه من بود که تو را به سخن گفتن واداشتم. (تاریخ بغداد ج 14 ص 251)

ای کاش لال می بودم!

ای ارادتمندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم! اگر توجه شود، نابینا این مزیت را دارد که از گناهانی مانند تماشای فیلم و سریال، نگاه کردن به زنان غریبه، زانوها و ران های آشکار شخصی که لباس «نیمه لخت» به تن دارد و به طور خاص نگاه کردن شهوانی به پسر جوان جذاب و غیره، مصون می ماند. به همین ترتیب، شخص لال نیز از آفت های متعدد زبانی در امان می ماند. اولین خلیفه مسلمین، سیدنا صدیق اکبر رضی الله عنه فرمودند: "ای کاش! لال می بودم و فقط می توانستم **ذِکْرُ الله** را انجام دهم." (مرقات المفاتیح، ج 10، ص 87)

کاش! اولال می بود:

در "احیاء العلوم" آمده است: صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، سیدنا ابودرداء رضی الله عنه زنی پرحرف را دید و فرمود: اگر لال می بود، برایش بهتر بود. (احیاء العلوم، ج 3، ص 142)

چگونه خانه را منبع آرامش بسازیم:

از فرموده های صحابی مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، سیدنا ابودرداء رضی الله عنه می توان درس های مهمی گرفت، مخصوصاً آن دسته از خواهران اسلامی که از گفتگوی بیهوده، طرح سؤالات غیر ضروری، سوء ظن و غیبت خودداری نمی کنند. اگر خواهران اسلامی بگویند که چگونه سکوت کنند، مشکلات خانگی، درگیری با اقوام، دعوا با مادرشوهر و غیره و بسیاری از مسائل دیگر حل می شود و تمام خانه منبع آرامش می شود، زیرا اکثر مشکلات خانوادگی به دلیل استفاده نادرست از زبان ایجاد می شود.

یک پست قابل توجه از رسانه های اجتماعی:

یک پست قابل توجه از رسانه های اجتماعی در اینجا با کمی اصلاح ارائه شده است. دختری نوشته کرده که: اگر پس از ازدواج، حق نگهداری از پدر و مادر به دختران داده می شد، حتی یک "خانه سالمندان" در کشور وجود نداشت. پس از آن، پسری پاسخ داد: عاقلانه این است که دخترها هم مادرشوهر و هم پدرشوهر را پدر و مادر خود بدانند، در این صورت هیچ خانه ی سالمندانی در تمام دنیا وجود نخواهد داشت چه برسد به کشور.

در این پست فقط سعی در فهماندن آن دسته از زنانی شده که با مادرشوهر و خواهرشوهرشان زبان درازی کرده و محیط دوستانه خانه را خراب می کنند. در غیر این صورت، در جامعه ما تعدادی از زنان نیز هستند که ظلم و ستم خانواده شوهر خود را تحمل می کنند.

راه حل برای رفع دعوای عروس و مادرشوهر:

اگر مادرشوهر سرزنش می کند، عروس فقط باید صبر داشته باشد. در جواب باید حتی یک کلمه حرف نزند و به شوهرش شکایت نکند و با سرزنش فرزندانش یا دور انداختن دیگ و کاسه خشمش را نشان ندهد و در خانه پدری خود نیز در این باره چیزی نگوید. همه مشکلات داخلی خانواده **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** به تدریج حل خواهد شد. به همین ترتیب، اگر عروس با مادرشوهر دعوا کرد، مادرشوهر اصلاً نباید تلافی کند، فقط باید سکوت کند و به هیچ عضو خانواده و حتی به پدرش شکایت نکند. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** طبق این ضرب المثل "ساکت بمان، خوشبختی صد برابر حاصل کن"، او آرامش خواهد یافت. بله! اگر این راه حل به معنای واقعی آن دنبال شود، دعوای عروس و مادرشوهر خیلی زود پایان می یابد و خانه منبع آرامش خواهد شد.

دیدار پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم به برکت سکوت:

یک خواهر اسلامی به نوار صوتی به نام اهمیت سکوت که توسط مکتبه المدینه دعوت اسلامی منتشر شده بود گوش داد و شروع به سکوت کرد. در عرض سه روز متوجه شد که بیهوده صحبت می کرد! **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ** به برکت سکوتش شروع به دیدن خواب های خوب کرد. او در سومین روز پرهیز از سخنان بیهوده، به نوار صوتی به نام "اطاعت به چه چیزی میگویند" که توسط مکتبه المدینه منتشر شد گوش داد. وقتی شب خوابید، شروع به دیدن حادثه ای در خواب کرد که در نوار صوتی ذکر شده است. صحنه جنگ بود. پیامبر اکرم **صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم** صحابی عزیزش سیدنا حذیفه **رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ** را به منظور جاسوسی از دشمن می فرستد، وقتی به خیمه های کافران می رسد، سیدنا ابوسفیان **رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ** (که تا آن زمان مسلمان نشده بود)، رئیس آنها را می بیند. برای استفاده از این فرصت، همانطور که سیدنا حذیفه **رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ** تیر را روی کمان می گذاشت، این قول پیامبر اکرم **صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم** به یادش آمد که "کفار نباید بفهمند". به اطاعت از فرموده پیامبر اکرم **صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم** از پرتاب تیر صرف نظر کرد. سپس وارد بارگاه مبارک پیامبر اکرم **صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم** شد و گزارش عملکرد را ارائه کرد. **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ** در آن خواب، خواهر اسلامی به طور واضح توفیق دیدار پیامبر اکرم **صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم** و دو صحابی نصیبش شد (تمام صحنه های دیگر بنظرش تار بود). **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ** تنها با تلاش سه روزه

پرهیز از گفتگوی بیهوده، از اکرام پیامبر اکرم صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم برخوردار شد! و می گفت: تمام آرزوی من این است که هیچ وقت حرف بیهوده ای نزنم.

اللّٰهُ! کرون می نه کبھی فالتوبات
بس ذکر می گزرے میرا دن اور میری رات
خدایا! من نه کنم گاہے بے کار سخن
فقط! بگزرده در ذکر روز من و شب من
صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْبِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ

آفت های زبان بسیار زیاد است:

صحابی پیامبر صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم، سیدنا عبدالله ابن مسعود رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ می فرماید: تسلط بر زبان بیش از هر چیز دیگری لازم است (به این دلیل که آفت های زبان بسیار زیاد هستند). زبان از همه اعضای بدن در سنگین کردن بار گناهان خطرناک تر است. حفظ تمام اعضای بدن از گناهان ضروری است (اما در مقایسه با سایر اعضای بدن) مراقبت از زبان و کنترل آن از همه مهمتر و ضروریتر است.

عمر بن عبدالعزیز زار زار به گریه افتاد:

سیدنا ابوعبدالله رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ گفت: "شنیدم که یک عالم در مقابل سیدنا عمر بن عبدالعزیز رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ شروع به سخنرانی کرد و گفت: "یک عالم خاموش نیز مانند یک عالم ناطق است." سیدنا عمر بن عبدالعزیز رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ فرمود: "بنظر من، عالم ناطق در قیامت افضل تر از عالم خاموش است، زیرا از عالم سخنگو به مردم فائده می رسد، اما عالم ساکت فقط به خود نفع می رساند. آن عالم گفت: "ای امیرالمؤمنین! آیا از مفاسد سخن گفتن ناواقف هستی؟" با شنیدن این سخن، سیدنا عمر بن عبدالعزیز صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم زار زار به گریه افتاد. (الصمت ج 7 ص 345 قول 648)

اللّٰهُ متعال او را بیمارزد و به فضیلت او ما را بدون حساب ببخشد!

اٰمِیْنُ بِجَاہِ النَّبِیِّ الْاَمِیْنِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم

شرح حکایت :

ای عاشقان رسول! آفرین براحتیاط و شوق پیشینیان متقی ما نسبت به ترس از اللّٰهُ متعال! اما تردیدی نیست که

اندرز دادن، تبیین احکام شرعی، سخنان الهام بخش اهل سنت و دعوت به سوی نیکی از سوی علمای اسلام در مقایسه با سکوت، عملی افضل تر است. با این حال، این سخن آن عالم که از سیدنا عمر بن عبدالعزیز رحمۃ اللہ علیہ پرسید: "آیا از فتنه های سخن گفتن ناواقف هستی؟" بجای خود صحیح بود و اشک ریختن امیرالمؤمنین رحمۃ اللہ علیہ از ترس الله متعال به این دلیل بود که او به عمق سخنان آن عالم اسلام رسید. همانا نیکو سخن گفتن برای مردم بسیار مفید است، اما این برای خود گوینده خطراتی دارد. مثلاً: اگر واعظی خوب باشد، امکان دارد از سخنان و ضرب المثل های زیبایش به او شری برسد، و بخاطر تقدیر از سوی دیگران در قبال شیوه عالی و روان سخنوری، یا فقط به دلیل تکبر بر مهارت های خود یا به دلیل اینکه خود را برتر و دیگران را پست تری داند، این امکان وجود دارد که از این همه به او شری برسد. اگر در زبان عربی تبحر داشته باشد، برای اینکه دیگران را با زبان عربی خود در هنگام سخنرانی و گفتگو تحت تأثیر قرار دهد، ممکن است به شر استفاده از ضرب المثل های عربی و غیره دچار شود. به همین ترتیب، هر که صدای زیبا داشته باشد، در خطر است. چرا که مردم غالباً توصیف چنین افرادی را میکنند که اغراق کرده و دچار تکبر می شوند و صدای زیبا خود را به جای اینکه یکی از نعمات خداوند متعال یاد کند، به عنوان برتری و کمال خود میدانند. بنابراین، هشدار علمای اسلام در مورد "سخن گفتن" صحیح است، و در واقع، واعظی که دارای صفات ناپسند آشکار است، سخن گفتن او آزمایشی بزرگ و مایه تباهی آخرت اوست، اگرچه مردم از سخنانش نفع می برند.

اتخاذ روش های مختلف گفتگو برای متأثر ساختن:

گفتگو با هدف متأثر ساختن افراد و در نتیجه متقاعد کردن آنها به تحسین خود، اقدامی شنیع است. افرادی که با این که اهل تقوا به نظری رسند اما همیشه به خود می بالند و سعی می کنند از شخصیت خود دیگران متأثر سازند باید از این حدیث مبارک عبرت بگیرند:

سیدنا ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت می کند که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمودند: "کسی که راه های مختلف گفتگو را به قصد حبس کردن دل های مردم (یعنی پیروی از آنها) بیاموزد، خداوند متعال در روز قیامت نه فرض او را می پذیرد و نه نفلس را. (ابو داود ج 4 ص 391 حدیث 5006)

مفتی احمد یارخان رحمۃ اللہ علیہ در وضاحت این حدیث مبارکه فرموده است: بیان یک موضوع با استفاده از عبارات مختلف، جملات عالی، تبدیل دروغ به حق، به این معنی است که این شخص عالم، صرفاً با هدف به دام انداختن مردم و آنها را پیرو خود ساختن، به سخنرانی های طولانی و هیجان انگیزی پردازد. (مرآت، ج 6، ص 439)

مکالمه بیشتر، اشتباهات بیشتر:

برای شخص پرحرف بیم آن است که به گناهای مانند دروغ، غیبت، چغلی، ناسزاگفتن به مردم و غیره دچار شود، همچنین برای شخص ثروتمند بیم آن می رود که به گناهای مانند ظلم، تکبر و غیره دچار شود. سیدنا حسن بصری رحمۃ اللہ علیہ بیان کرده: (1) هر کس بیشتر صحبت کند خطاهایش بیشتر می شود. (2) هر کس دارایی بیشتری داشته باشد، گناهانش بیشتر است. (3) هر کس اخلاق بد داشته باشد، به عذاب مبتلا می شود. (تنبیه الغافلین ص 117)

توشه ی سفر باید همانند نوع سفر باشد:

یکی از اصحاب معروف، سیدنا ابوذر غفاری رضی اللہ عنہ، یک بار در حالی که در کنار کعبه الله شریف ایستاده بود، فرمود: هر که مرا می شناسد، مرا می شناسد و هر که مرا نمی شناسد، بداند که من جندب بن جناده ابوذر غفاری هستم. بیا پیش برادر مسلمان دلسوز و مهربانت! چون مردم گردش آمدند، فرمودند: ای مردم! وقتی هر یک از شما تصمیم می گیرد به شهری در دنیا سفر کنید، بدون فراهم کردن توشه سفر، سفر نمی کند. پس کسی که می خواهد بدون توشه آخرت، به آخرت سفر کند چطور؟ مردم پرسیدند: «ای ابوذر! توشه ی سفر ما چیست؟ فرمودند: "در تاریکی شب دو رکعت نماز بخوان تا از وحشت قبر دوری کنی، به خاطر گرمای شدید روز قیامت به مستمندان صدقه بده تا از عذاب آن روز سخت نجات پیدا کنی و برای امور بزرگ دیگر حج بجا آور. دنیا را به دو قسمت تقسیم کن، یکی برای طلب دنیا و دیگری برای طلب آخرت. اما ایجاد قسمت سوم مضراست و مفید نیست. سپس فرمود: "آه! غم و اندوه آن روز مرا کشته است که هیچ درمانی برای آن ندارم. پرسیدند: آن چیست؟ گفت: آرزوهایم از عمرم بیشتر شده و من از عمل خود غافل شده ام." (تنبیه الغافلین ص 118)

برادران عزیز اسلامی! علی رغم اینکه سیدنا ابوذر غفاری رضی اللہ عنہ بسیار پرهیزگار بود، در مورد خود به کثرت می فرمود که "من از عمل خود غافل شده ام". پس چه بر سر ما خواهد آمد؟ ما که در هر کار خیری کوتاهی می کنیم و اگر عبادت دست و پا شکسته ای انجام دهیم، شیطان این را در قلب ما القای کند که تو بسیار انسان شریفی هستی، تو بسیار پرهیزگاری، و ما نیز با خوش باوری فریب شیطان را می خوریم و دچار این تصور غلط می شویم که ما واقعاً مردمی باتقوا هستیم. از این حکایت باید درس تواضع و فروتنی بیاموزیم و هر چقدر هم که کار خیر انجام دهیم خود را گناهکار بدانیم.

نقش سکوت در ایجاد محیطی الهام بخش سنت ها در خانه :

ای شیفتگان رسول الله! با ترک عادات گفتگوی بی مورد، خنده و رفتار بد، منزلت شما در خانه نیز افزایش می یابد. و خانواده ها از جدیت شما متأثر می شوند و **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** "دعوت به نیکی شما" در دلشان تأثیر می کند و ایجاد محیطی مطابق سنت در خانه آسان تر خواهد شد. از این رو، با گوش دادن به سخنرانی الهام بخش سنت در مورد اهمیت سکوت که در یک اجتماع دعوت اسلامی ایراد شد، **اَلْحَمْدُ لِلَّهِ** ، یک برادر اسلامی پرحرف شروع به عادت سکوت کرد و **سُخِنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ**! به فوائد سکوت دست یافت . خانواده های او از عادت او به "بیهوده گویی" به ستوه آمده بودند، اما وقتی او شروع به سکوت کرد، نقش او در خانه معنی دار شد، به ویژه مادرش که قبلاً از او بیزاری می جست، حالا خوشحال بود. چونکه او همیشه بیهوده گویی می کرد، سخن سودمندش نیز بی اثر می ماند. اما اکنون هرگاه درباره ی کار سنتی با مادرش سخن می گوید، مادرش نه تنها با دقت به حرفش گوش می دهد، بلکه می کوشد به آن عمل نیز کند.

برهتا هی خموشی سی وقار ای مری پیاری
 گهر والی بهی هوجائی گی خوش آپ سی ساری
 فزوں می شود وقار اے حبیب من بخوشی
 اہل خانہ ہم خوش خوانند بود ہمہ بود ہمہ از شما
صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْبِ صَلَّی اللہُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

آفات سؤالات بیهوده:

سیدنا امام محمد بن محمد بن محمد غزالی **رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ** میفرماید: بخاطر گفتگوی بی فائده شما از دیگران که سؤال های غیر ضروری و یا کنجپسیدن این نوع سؤالات، وقت خود را نیز تلف می کنید و با پاسخ دادن به آن سؤال، طرف مقابل را نیز مجبور میکنید که وقتش را تلف کند. و این صرفاً برای زمانی است که در سؤالتان هیچ بیهوده گویی نباشد و گرنه در اکثر سؤالات معمولاً بیهوده گویی وجود دارد. مثلاً هنگامی که از کسی درباره عبادتش سؤال کنی و بگویی که "روزه ای؟" اگر جواب مثبت بدهد، او عبادت خود را آشکار کرده و احتمال دارد جوابش سبب ریاکاری در عبادتش شود . حتی اگر ریاکاری هم نکند، باز هم عبادت او از عبادات در خفا حذف می شود و عبادت در خفا، برکات بیشتری از عبادت آشکارا دارد، و اگر پاسخ منفی بدهد، دروغگو می شود و اگر سکوت کند، او باعث تحقیر شما می شود و ممکن است شما ناراحت شوید و اگر از جواب دادن طفره برود باید بسیار کوشش کند. بنابراین، شما او را مجبور ساخته اید که فقط به خاطر یک سؤال شما، یا خودنمایی کند، یا دروغ بگوید، حقیر سازد و یا از تو متنفر شود.

و یا سوال شما درباره ی عبادات دیگران است. همچنین، سوال کردن در مورد گناهش و هر چیز دیگری که از مردم پنهان می کند و از گفتن آن خجالت می کشد، کار اشتباهی است. به همین ترتیب، اگر شخصی در حال صحبت با شخص دیگری باشد و پس از آن مکالمه، از او پرسید «چی می گفتی؟» و «در مورد چه چیزی صحبت می کردی؟» به همین ترتیب، در حالی که در راه به شخصی برمیخورید، از او می پرسید «از کجا می آیی؟» لیکن گاهی دلیلی وجود دارد که او را از پاسخ دادن باز می دارد و اگر بگوید دچار مشکل می شود و احساس خجالت می کند و اگر راست نگوید دروغ گو می شود و شما سبب دروغش می شوید. همین طور چنین سؤالی می کنید که نیازی به آن ندارید و از آن که سؤال می شود، گاهی نفشش اجازه نمی دهد که بگوید "نمی دانم" و اینگونه است که با وجود ندانستن جواب، پاسخ می دهد. (نمونه سوالات بیهوده در راه است.) (احیاء العلوم، ج 3، ص 140)

حکمت سیدنا لقمان حکیم :

از سیدنا لقمان حکیم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ پرسیده شد: حکمت تو چیست؟ او گفت، "هر چیزی که نیاز ندارم، در مورد آن نمی پرسم، و هر چیزی که به من فائده نمی رساند، به آن نمی پردازم." (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 345)

سکوت دانایی است (یک واقعه) :

منظور من از گفتگوی بیهوده این نوع سوالات نیست، زیرا آنها فقط باعث گناه یا ضرر می شوند. مصداق گفتگوی بیهوده آن روایتی است که درباره سیدنا لقمان حکیم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ آمده که یکبار نزد سیدنا داوود عَلَيْهِ السَّلَام آمد، در آن زمان او زره (یعنی سپری از فولاد که در جنگ می پوشیدند) می ساخت. چون سیدنا لقمان حکیم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ تا به حال زره را ندیده بود، به همین دلیل از دیدن آن تعجب کرد و خواست در مورد آن پرسد، اما او به دلیل "حکمتش" سکوت کرد. هنگامی که سیدنا داوود عَلَيْهِ السَّلَام کار ساخت زره را به پایان رساند، پس از پوشیدن آن گفت: "زره چه چیز عالی است برای جنگ!" با شنیدن آن، سیدنا لقمان حکیم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ گفت: "سکوت حکمت است، اما کسانی که آن را حفظ می کنند بسیار کمتر هستند." یعنی "من بدون اینکه هیچ سوالی بپرسم، از آن مطلع شدم و نیازی به پرسیدن سوال نبود." (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 347، احیاء العلوم، ج 3، ص 141)

به چه چیزی گفتگوی بیهوده می گویند ؟

سیدنا امام محمد بن محمد بن محمد غزالی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ میفرماید : روایت شده است که سیدنا لقمان حکیم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به مدت یک سال در نزد سیدنا داوود عَلَيْهِ السَّلَام می آمد تا بدون پرسیدن سؤال درباره زره معلومات حاصل کند. وقتی

آشکار شدن عیب و زیان و دخیل بودن (دروغ و خودنمایی) در این حالت و در مسائلی از این قبیل یافت نمی شود، این گفتگو بیهوده است و ترک آن خصلت اسلام است. این تعریف گفتگوی بیهوده بود. (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 347)

اطلاعاتی در مورد سیدنا لقمان حکیم رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ :

فضیلت سیدنا لقمان حکیم رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ فوق العاده است. در جزء بیست و یکم قرآن کریم، سوره کامل به نام "سوره لقمان" آمده است. خداوند متعال در آیه 12 حکمت لقمان را بیان کرده است:

ترجمه کنز العرفان: ما به لقمان حکمت دادیم؛ (و به او گفتیم:) شکر خدا را بجای آور هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده؛ و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی رساند)؛ چرا که خداوند بی نیاز و ستوده است.

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ ۖ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَنِيدٌ ﴿١٢﴾

[کنز الایمان (ترجمه قرآن)] (قسمت 21، سوره لقمان، آیه 12)

لقمان حکیم که بود؟

در صراط الجنان صفحه 483 جلد 7 آمده است: سیدنا وهب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گفته است که سیدنا لقمان رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ برادرزاده سیدنا ایوب عَلَيْهِ السَّلَام بود. اما، مفسر قرآن کریم، مقاتل رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ گفته است که او پسر خاله سیدنا ایوب عَلَيْهِ السَّلَام است. او رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ با سیدنا داوود عَلَيْهِ السَّلَام هم عصر بود واز او دانشش را کسب کرد. قبل از اعلام نبوت سیدنا داوود عَلَيْهِ السَّلَام، ایشان رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ فتوا می داد اما بعد از آن فتوا دادن را متوقف کرد. در نبوت او اختلاف نظر است. اکثر علما بر این عقیده اند که او حکیم (یعنی فرزانه و خردمند) بوده و پیامبر نبوده است. (تفسیر بغوی ج 3 ص 423، تفسیر مدارک ص 917)

سیدنا لقمان یکی از سرداران بهشت است :

سیدنا عبدالله بن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا روایت کرده است که پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: "با سودانی ها دوستی کنید چرا که سه نفر از آنها سرداران اهل بهشت هستند: 1) سیدنا لقمان حکیم رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ 2) سیدنا نجاشی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ 3) مؤذن (پیامبر اکرم) سیدنا بلال رَضِيَ اللهُ عَنْهُ" (معجم کبیر، ج 11، ص 158، حدیث 11482)

چهار تعریف از حکمت :

تعاریف بسیاری از حکمت وجود دارد. چهار مورد از آنها در "صراط الجنان" جلد 7 صفحه 484 آمده است:

(1) حکمت عقل یا فهم را می گویند. (2) حکمت آن دانشی است که مطابق آن عمل شود. (3) حکمت معرفت (شناخت) و کارکشتگی را می گویند. (4) حکمت چیزی است که اگر خداوند متعال آنرا در قلب شخصی قرار دهد، قلبش را روشن می کند. (تفسیر خازن ج 3 ص 470)

سیدنا لقمان پزشک طبیب نیز بود :

سیدنا علامه اسماعیل حقی رحمۃ اللہ علیہ در "روح البیان" نوشته است: سیدنا لقمان حکیم رحمۃ اللہ علیہ طبیب و همچنین یک مرد دانش و خرد حقیقی بود. (تفسیر روح البیان ج 7 ص 73)

مضرات نشستن طولانی مدت در دستشویی :

سیدنا عکرمه رحمۃ اللہ علیہ بیان می کند: وقتی اربابش به توالت رفت، دیر کرد. سیدنا لقمان رحمۃ اللہ علیہ ندا سر داد: نشستن طولانی در اینجا به کبد آسیب می رساند و موجب بیماری بواسیر می شود و گرما به سر می رسد. مدتی درتوالت بنشین و بلافاصله بلند شوید. این نسخه سیدنا لقمان را نوشتند و بر در آویختند. (تفسیر درمنثور ج 6 ص 510)

اگر زبان و دل سرکش شد، پس... :

استاد سیدنا لقمان حکیم رحمۃ اللہ علیہ گفت: "یک بزماده را ذبح کن و دو تا از بهترین قسمت هایش را بیاور." ایشان زبان و دل را آوردند، پس از چند روز، اربابش دوباره از او درخواست کرد: "بزماده ای را ذبح کن و دو تا از بدترین قسمت هایش را بیاور." او دوباره زبان و دل آورد. وقتی استادش درباره ی این کارش از سیدنا لقمان رحمۃ اللہ علیہ پرسید. ایشان رحمۃ اللہ علیہ گفت: اگر زبان و دل نیکو باشند، بهترین هستند. و اگر سرکشی کنند، هیچ چیز بدتر از آنها نیست." (تفسیر طبری ج 10 ص 209)

مثال هایی از سوالات بیهوده :

- ❖ پرسیدن بدون ضرورت: این را چقدر خریدی؟ آنرا چقدر خریدی؟ نرخ زمین در فلان مکان چقدر است؟
- ❖ اگر مجبور شدید به خانه شخصی بروید یا شخصی خانه جدیدی خرید، این سؤال را می پرسید که به چه قیمت آن را خریدی؟ چند اتاق دارد؟ اجاره اش چقدر است؟ صاحب خانه چگونه آدمی است؟ (گاهی خدای ناکرده سؤال کردن درباره صاحب خانه می تواند دلیلی برای باز شدن باب غیبت و تهمت شود). مثلاً می توانید این پاسخ را دریافت کنید: صاحب خانه ما بسیار بداخلاق است یا ظالم است یا بدحجاب یا عصبی است یا خسیس و غیره.

- ❖ از شخصی که ملاقات می کنید پرسیدن اینکه: چند فرزند دارید؟ (یا دختر) بزرگتر شما چند ساله است؟ آیا نامزد (یا متاهل) است؟
 - ❖ به طور مشابه، وقتی شخصی چیزی مانند مغازه، ماشین یا موتورسیکلت و غیره خریده باشد و شما بدون نیاز درباره قیمت، ماندگاری، مدت اقساط، و یا مدت اعتبار آن از خریدار سؤال می کنید.
 - ❖ پرسیدن سوالات بیهوده از منشی پذیرش در بیمارستان و پرسیدن جزئیات مربوط به داروها از بیمار بیچاره ای که حتی نمی تواند صحبت کند. اگر عمل کرده باشد، پرسیدن درباره تعداد بخیه ها، تا حدی که ممکن است بیماری مربوط به "قسمت شرمگاه" بیمار باشد، برخی حتی از پرسیدن چنین سوالاتی خجالت نمی کشند. حتی زنان نیز در پرسیدن این نوع سوالات بیهوده از مرد ها عقب نمی مانند.
 - ❖ صحبت بیهوده در مورد جنبه های منفی فصل تابستان یا زمستان، مثلا برخی افراد پرحرف در هوای گرم "اوف! اوف!" می کنند و یا میگویند: "از یک طرف این روزها چقدر هوا گرم است و از طرف دیگر برق ها را هر لحظه قطع می کنند."
 - ❖ به همین ترتیب، در فصل زمستان با ادا گفتن: "امروز خیلی سرد است."
 - ❖ اگر فصل باران باشد، بدون هیچ هدفی اظهار نظر کردن: "این روزها باران زیاد می بارد. آب همه جا را فرا گرفته. مدیریت شهرداری هیچ توجهی به تمیزی کوچه ها نمیکند."
 - ❖ به همین ترتیب، تحلیل بی مورد در امور ملی و سیاسی بدون قصد اصلاح، انتقادهای بیهوده از احزاب مختلف.
 - ❖ اگر به شهر یا کشوری سفر کرده اید، شرح بیهوده کوه و سرسبزی آن، توضیح بیهوده خانه ها و جاده ها و... اگر این گفتگوی بیهوده نیست، پس چیست؟
- البته، به خاطر داشته باشید با توجه به مثال هایی که در مورد صحبت های بیهوده داده شد، که اگر متوجه شدیم که شخصی مطابق آن مثال ها بیهوده صحبت می کند، باید خود را از سوء ظن نجات دهیم، زیرا گاهی اوقات صحبتی که به نظر ما بیهوده است، به خاطر هدف مناسبی توسط گوینده گفته می شود، بنابراین، بی معنی نمی ماند. انجام کاری مباح (یعنی نه ثواب دارد و نه گناه) با نیت خیر، به کار ثواب تبدیل می گردد.

برای آدم پرحرف پرهیز از اغراق سخت است :

به خاطر داشته باشید که پرحرفی گناه نیست، اما صحبت های بیهوده وقتی بیهوده می شوند که صد در صد همانطور که هست گفته شود. مشکل این است که انجام این نوع مکالمه با دقت، به گونه ای که از مرز "بیهودگی" عبور نکند، کار بسیار دشواری است. زیرا اغلب اوقات باعث اغراق می شود. گاهی شخص بیهوده گو نیز در باتلاق غیبت و تهمت

و جریحه دار کردن احساسات مردم به ناحق داخل می شود. بنابراین، در سکوت آرامشی وجود دارد چنانکه میگویند "ساکت بمان، خوشبختی صد برابری کسب کن".

نقش سکوت در ایجاد فضای مذهبی در منطقه:

قبل از شنیدن سخنرانی الهام بخش سنت درباره سکوت در اجتماع "دعوت اسلامی"، یک برادر اسلامی اگرچه در یک ماحول دینی زندگی میکرد، واقعاً پرحرف بود. چندان علاقه ای به صلوات فرستادن نداشت. وقتی سعی کرد تا ساکت بودن را شروع کند، در نتیجه هر روز هزار مرتبه بر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صلوات می فرستاد. قبل از آن، وقت با ارزش خود را در گفتگوهای بیهوده تلف می کرد. پس از آنکه سکوت کرد، در دوازده روز، 12 هزار صلوات فرستاد. به خاطر مزاج پرحرف او، فعالیت مذهبی او در حلقه علمی دعوت اسلامی، نیز تأثیر بدی قرار گرفت. روزهای گذشته شورای مدنی در حلقه او برگزار شد تا اختلاف نظر بین آنها برطرف شود. با کمال تعجب، به دلیل سکوت او، تمام درگیری ها به راحتی حل شد. "ناظر" او با ابراز خوشحالی صراحتاً اینگونه گفت: "خیلی ترسیدم که شما شروع به بحث کنید و اوضاع بدتر شود، اما سکوت شما به ما آرامش داد." در اصل موضوع این است که به دلیل مجادله بیهوده او و عادت بد او به گفتگوی بیهوده، محیط "شورای مدنی" و ... تخریب می شد.

سلاح مدنی برای اعمال دینی:

برادران عزیز اسلامی! دقت کرده اید! نجات از گفتگوی بیهوده برای اعمال دینی نیز بسیار مفید است. بنابراین، هر که مبلغ سنت است، در هر حال باید سنجیده و ساکت باشد. هر کس که زیاد حرف می زند، مکالمه دیگران را قطع می کند، بین حرف کسی حرف می زند، بر سر چیزهای کوچک بحث می کند، به خاطر همه این خصوصیات، ترس از متأثر شدن اعمال نیکش وجود خواهد داشت، چنین شخصی، از سکوت که بهترین سلاح برای دفع شیطان است، محروم است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به سیدنا ابوذر غفاری وصیت کرده، فرمودند: "به کثرت سکوت کن. زیرا شیطان را دفع می کند و در کارهای دینی کمکت می کند." (شعب الایمان، ج 4، ص 242، حدیث 4942)

اللَّهُ اس سی پهل ایمان په موت دیدی

نقصان مری سبب سی هو سنت نبی کا

خدایا! قبل ازین با ایمان خاتمه کنی

نقصان رسد به سبب من سنتنبی را

(وسائل بخشش، ص 178)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

احق بدون فکر حرف می زند:

برادران عزیز اسلامی! عاقل اول فکر می کند و بعد حرف می زند و احمق هر چه در دهانش می آید به زبان می آورد. و برایش مهم نیست که به خاطر آن تحقیر شود. سیدنا حسن بصری رحمۃ اللہ علیہ می فرمایند: در میان مردم مشهور بود که زبان عاقل پشت قلبش است، پیش از سخن گفتن با قلبش مشورت می کند. یعنی اول فکر می کند که این را بگویم یا نه، اگر به نفعش باشد حرف می زند وگرنه سکوت می کند، از طرفی زبان احمق جلوی قلبش است، زیرا او هیچ شائنی برای مشورت با قلبش ندارد. او فقط هر چه در دهانش می آید به زبان می آورد. (تنبيه الغافلین ص 115)

مواظب زبان باش، همه کارهای سامان می یابد:

هرکس در مواظبت از زبانش موفق شود، تمام کارهای سامان می یابد. سیدنا یونس بن عبید رحمۃ اللہ علیہ می فرمایند: هر که زبانش خوب باشد همه کارهایش خوب است. (احیاء العلوم (اردو)، ج 3، ص 339، احیاء العلوم، ج 3، ص 137)

اول فکر کن بعد صحبت کن:

همانطور که شخصی به دلیل سهل انگاری در هنگام خرید، فریب خورده و از خریدش پشیمان می شود، به همین ترتیب فردی که بلا ضرورت از زبانش استفاده می کند پشیمان می شود. مردی بزرگواری رحمۃ اللہ علیہ می فرماید: "گفتگوی خود را مانند مال محفوظ نگه دار، و هنگامی که میخواهی مالت را (یعنی سخنت را) مصرف کنی، قبل از مصرف خوب فکر کن."

طریقه فکر کردن پیش از سخن گفتن:

ای شیفتگان رسول الله! به خاطر داشته باشید که هرگز از زبان پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم! هیچ کلمه بیهوده ای بیرون نیامده و هیچگاه قهقهه نزده. ای کاش! ما هم پیش از سخن گفتن فکر میکردیم. طرز تفکر قبل از صحبت می تواند اینگونه باشد که قبل از گفتن کلمات، از قلب خود سؤال کنیم که "هدف از گفتن آن چیست؟ آیا من کسی را به سوی نیکی دعوت می کنم؟ این چیزی را که می خواهم بگویم انجام می دهد؟ آیا برای من یا دیگران فایده ای دارد؟ آیا برای گفتن آن ثوابی کسب خواهیم کرد؟ آیا سخنان من مبالغه آمیز است که به دروغگویی بیانجامد؟ سیدنا علامه مولانا مفتی محمد امجد علی اعظمی رحمۃ اللہ علیہ ضمن بیان مثالی از مبالغه که به دروغ می انجامد، تصریح کرد: "اگر شخصی یک بار آمده و بگوید که هزار بار آمدم، دروغگو است." (بهار شریعت ج 3 ص 519) او همچنین باید فکر کند که آیا من کسی را که به دروغ چالپوسی کرده تعریف کرده ام؟ از کسی غیبت کرده ام؟ آیا کسی از این جمله من صدمه

می بیند؟ آیا به سبب ندامت از سخنم نوبت بخشش خواستن خواهد رسید؟ آیا درحین عصبانیت، بعد از سخنان پرخاشگرانه، ضرورت به پس گرفتن سخنم نخواهم شد؟ آیا راز خود یا دیگری را فاش نخواهم کرد؟ حتی پس از فکر کردن و قبل از صحبت، اگر معلوم شود که هیچ سود و زیان و ثواب و گناهی ندارد، حتی در این صورت نیز در گفتن این سخن نوعی ضرر وجود دارد، زیرا به جای زحمت دادن به زبان در گفتن این گونه سخنان بیهوده و بیفایده، اگر به نیت ثواب **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ** (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بگوئید و یا صلوات بفرستید، قطعاً این کار سودمندی است و این بهترین طریقه ی استفاده از وقتتان است که شما را به بهشت می رساند. مطمئناً از دست دادن چنین ثواب عظیم الشانی، ضرر بزرگی است .

ذکر و درود هر گهری ورد زبان رهی

میری فضول گوئی کی عادت نکال دو

بر ساعت ذکر و درود بر زبان ماند

فضول گوئی عادت من را بر آور

(وسائل بخشش ص 305)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّی اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

طریقه ی سکوت :

برادران عزیز اسلامی! گفت و گوی بیهوده گرچه گناهی نیست، اما ضرر و زیان دارد. بنابراین مناسب است از آن خود داری شود. کاش! کاش! ای کاش! این سعادت را داشتیم که به سکوت عادت کنیم. این ضروری نیست که فوراً نعمت عادت به سکوت به ما داده شود، بلکه ما باید برای کسب آن تلاش زیادی کنیم. کسی که می خواهد عادت به سکوت را در خود ایجاد کند، باید آن را جدی بگیرد و برای رفع این عادت بسیار تلاش کند. کلمه "ناامیدی" را از فرهنگ لغت خود دور کند . سیدنا موروک عجل رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ اظهار داشت که معامله ای که 20 سال تلاش کردم تا به آن برسم اما موفق نشدم، اما کوشش برای دستیابی به آن را رها نکردم. سؤال شد: آن چیز مهم چیست؟ پاسخ داده شد: سکوت. (الزهد للإمام احمد، ص 310، قول، 1762) هر که می خواهد عادت به "سکوت" را در خود ایجاد کند، نباید از زبان خود استفاده کند. در عوض، در صورت امکان، باید با نوشتن یا با زبان اشاره روزانه کمی مکالمه لازم را انجام دهد. **لَنْ شَاءَ اللَّهُ** به این ترتیب شروع به عادت کردن به سکوت می کند.

در مورد اشاره بیهوده نیز پاسخگویی وجود دارد:

به خاطر داشته باشید که در روز قیامت برای گفتگوهای بیهوده، بیهوده نگریستن (به معنای نگاه کردن بی هدف به اطراف)، نگاه کردن به صحنه های بیهوده، استفاده از زبان اشاره بیهوده توسط فرد سالم و یا لال، ایجاد صدای بیهوده و غیره پاسخگویی وجود دارد.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ در رساله ای با عنوان "اعمال نیک" که از طرف "دعوت اسلامی" نشر شده، در "عمل نیک" شماره 53 آمده است: آیا امروز بخاطر حفظ زبان خود را از گفتگوی بیهوده (یعنی گفتگوی که نه در دنیا سودمند است و نه در آخرت) وعادت دادن آن به سکوت از ایما و اشاره استفاده کرده اید؟ (بهتر است که روزانه حداقل چهار بار با نوشتن و حداقل سه بار با زبان اشاره صحبت کنید). در حالی که سعی می کنید عادت سکوت را در خود ایجاد کنید، ممکن است چند روزی موفق شوید، اما دوباره مانند قبل به عادت پرحرفی برگردید. اگر این اتفاق افتاد، امید خود را از دست ندهید. با تلاش مداوم، اگر اشتیاقتان واقعی باشد، **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**، مطمئناً روزی خواهد رسید که موفق شوید. به قول یک ضرب المثل عربی: «الَسَّيْءُ مِثْلِي وَالْإِثْمَاءُ مِنْ اللَّهِ» یعنی، تلاش از من است و تکمیل کار از طرف خداوند متعال. بنا به ضرب المثل عربی دیگر: «مَنْ جَدَّ وَجَدَ» یعنی، هر که تلاش کند به دست می آورد. در حالی که تمرین برای ایجاد عادت ساکت ماندن می کنید، مناسب است که لبخند بر لب داشته باشید به طوری که طرف مقابل نباید فکر کند که شما از دست او عصبانی هستید، و به همین دلیل دهانتان بسته است. در طول روزهای تمرین سکوت، خشم می تواند افزایش یابد. پس اگر کسی به اشاره شما را درک نکرد، اصلاً خشم خود را به او نشان نده، مبادا به خاطر آزار رساندن به ناحق گناهکار شوی. زبان اشاره فقط برای افرادی مناسب است که شما با آنها طرز فکر مشابهی دارید. در غیر این صورت ممکن است یک فرد غریبه از شما عصبانی شود، زیرا صحبت اشاره ای شما را درک نمی کند. بنابراین، بنا به نیاز با او صحبت کنید. در برخی موارد، صحبت کردن نیز واجب است **لَا تُلَاقُوا النَّاسَ إِلَّا بِسَلَامٍ** به ملاقات کننده با زبان. این را هم در نظر داشته باشید که باید با زبان سلام کنید نه با اشاره. جدا از **هَبْطُهَا** مواقع وجود دارد که باید با زبان سلام کرد. به همین ترتیب، اگر والدین و سایر افراد خانواده نگران میشوند، برحسب نیاز با زبان صحبت کنید.

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

فایده اندیشیدن قبل از حرف زدن:

اگر انسان فکر کند، یعنی اگر عادت فکر کردن قبل از صحبت در او ایجاد شود، خودش شروع به شناخت جملات

بی معنای خود می کند. اگر فقط جملات بیهوده باشد، اگرچه گناه نیست، مگرچندین نوع ضرر دارد. به عنوان مثال، شخص به خود زحمت می دهد که در این نوع گفتگوها از زبان خود استفاده کند و وقت با ارزش خود را تلف کند. اگر در این زمان تلف شده به ذکر الله، نماز یا مطالعه دینی مشغول می بود، ثواب زیادی کسب می کرد و یکی از بزرگترین اشکالات گفتگوی بیهوده این است، که در روز قیامت باید درقبالش حساب پس داده شود.

بحث بیهوده درباره دهشت افگنی :

مَعَاذَ اللَّهِ اگر هر موردی از دهشت در جایی رخ دهد، مردم وارد بحث های بیهوده می شوند و در برخی موارد بحث، گناه کار می شوند. بحث، گمان بیهوده، تحلیل احمقانه، افترا ناشیانه به یک رهبر یا یک حزب سیاسی و غیره در همه جا رایج است. گاهی اوقات این نوع گفتگو می تواند باعث وحشت، شایعات و غوغا در بین مردم شود. نفس عمیقاً به گفتن و گوش دادن درباره انفجارها و تروریسم احساس علاقه نشان می دهد. بسا اوقات بر لب های شخص الفاظ دعا گفته می شود مگر در دل از شنیدن چنین خبرهای هیجان انگیزی لذت می برد. ای کاش! این شر نفس را بشناسیم و از علاقه مندی به بحث تروریسم خودداری کنیم. با این حال، ما نباید از دعای مغفرت برای شهادت مظلومانه و همدردی با مسلمانان آسیب دیده وزخمی و دعای صلح و کمک به آنها غافل شویم، چرا که ثواب دارد. بنابراین، هر زمانی که احتمال گفتن یا گوش دادن به چنین بحث هایی وجود دارد، باید در دل خود فکر کنیم که قصدمان چیست. اگر نیت خیر باشد خوب است. با این حال، نتیجه این نوع گفتگو اغلب به عنوان منبع لذت یافت می شود.

دل آدم پر حرف سخت می شود :

از سیدنا عیسی علیه السلام روایت می کنند: غیر از **ذِکْرُ اللَّهِ** در هیچ گونه مکالمه ای کثرت نکن و گرنه دل شما سخت می شود و دل سخت از الله تعالی دور است، ولی تو از آن آگاه نیستی. (تنبيه الغافلين ص 118)

سیدنا امام مالک کسی را که عاشق غیبت بود متقاعد کرد :

افسوس! اگر این روزها کسی بیهوده گوی کند، عده ای او را همراهی می کنند و در حین خندیدن او را تشویق می کنند. متوجه باشید! بزرگان دین ما رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ در دل و زبان صادق بودند. همانطوری که سیدنا امام مالک رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ ، زمانی که فردی را می دید که زیاد صحبت می کند، به او می گفت: "بخشی از گفتگوی خود را همراه خود نگه دار (یعنی کمتر صحبت کنید). (تنبيه المغترين ص 190)

یاغی انسان شریفی شد :

ای طلبگاران رضای خداوند متعال! کسانی که واقعاً می خواهند اصلاح شوند باید به محیط مذهبی دعوت اسلامی بیوندند. حکایتی مدنی بسیار زیبا در اینجا ارائه شده است. به آن گوش دهید ولذت ببرید: یک جوان اهل کراچی، قبل از اینکه با محیط مذهبی دعوت اسلامی ارتباط برقرار کند، با جنایتکاران نشست و برخاست داشت. او از دوستان پر رنگ گرفت و به "گروه باغیان" پیوست. کتک زدن مردم، صدا زدن و دعوا کردن عمدی روال روزانه آنها بود. او حتی با خود اسلحه حمل می کرد. هیچ کس به دلیل فعالیت های جنایتکارانه اش دوست نداشت با او صحبت کند. خانواده، اقوام و همسایه ها همه از او بدشان می آمد. روزی از خواب غفلت بیدار شد به گونه ای که در همان منطقه یک برادر بزرگوار اسلامی زندگی می کرد که با نهضت مذهبی عاشقان رسول الله "دعوت اسلامی" همراه بود. عشق او به مرکز جهانی مدنی فیضان مدینه را از این عمل او درک کرد که از لیاقت آباد (منطقه ای نزدیک به مرکز جهانی مدنی فیضان مدینه کراچی) تا فیضان مدینه برای ادای نماز فجر پیاده می رفت. هنگامی که برادر اسلامی با تلاش انفرادی خود او را به پرهیز از گناهان و به نماز خواندن توصیه کرد، به گونه ای بر او اثر کرد که شروع به خواندن نماز کرد. روزی در مسجدی با برادر اسلامی مسئول دعوت اسلامی آشنا شد که در نتیجه تلاش فردی او، او به اجتماع هفتگی الهام بخش سنت دعوت اسلامی تشریف برد. در آنجا برکات سنت بود. سخنانی که در این اجتماع مذهبی انجام شد، دنیای او را از درون تکان داد. وقتی در اجتماع دینی همه با هم **ذِکْرُ اللَّهِ** را می خواندند، آرامش درونی پیدا می کرد. به برکت اجتماع ، چنان شور و شوق نیکوکاری در دلش بیدار شد که با دعوت اسلامی وابسته شد. از بدبختی و گناهان دیگر توبه کرد. شروع به دادن درس فیضان السنن کرد. تغییری که در زندگی او به وجود آمد باعث شگفتی افراد دیگر شد. عده ای با طعنه زدن به شور و شوق موقتی او دلش را می شکستند، اما او آرام به حرفشان گوش می داد و با خودش عهد می کرد که هر اتفاقی بیفتد از محیط مذهبی دست نکشد. پس از ترک گناهان، رزق و روزی او به برکت «اعمال نیکش» زیاد شد. **اَلْحَمْدُ لِلَّهِ** او همچنین سعادت انجام فعالیت های مذهبی را به عنوان ناظر مشاوره های منطقه ای به دست آورد.

سنور حائِی گِی آخرت اِنْ شَاءَ اللّٰه
تم اپنائی رکھو سدا مدنی ما حول
پیراسته خواهد شد آخرت انشاءالله عزوجل -
شما بیسنید ہمہ وقت مدنی ماحول
بہت سخت پچھتاوگی یاد رکھو
نہ عطار تم چھورنا مدنی من حول
بسیار شدید فکر خوابی کرد یاد دار -
ترک مکن عطار مدنی ماحول

(وسائل بخشش ص 646)

هفت علاج گناه به نسبت هفت حرف "بسم الله":

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ، به برکت آمدن محیط دینی دعوت اسلامی، تعداد بی شماری که نمازگزار نبودند، نمازگزار و گنهکاران به شریعت و سنت پا بند شدند. هر شخصی باید این محیط پربرکت مذهبی را بپذیرد. به رحمت خداوند متعال بعضی ذکر واذکار وجود دارند که سبب ترک گناه می شوند. در اینجا هفت ذکر ارائه شده است:

1. **يَا عَفُوْ:** با کثرت در گفتن آن انزجار از گناهان در دل به وجود می آید.
 2. **يَا مُحْصِي:** دست را روی سینه نگه دارید و هنگام خواب هفت بار آن را بگویید. **اِنْ شَاءَ اللّٰهُ** عبادت را دوست خواهی داشت.
 3. **يَا بَاعِثُ:** دست بر سینه بگذار و در خواب صد مرتبه آن را بخوان تا از عبادت لذت ببری. **اِنْ شَاءَ اللّٰهُ** نفرت از گناهان پیدا می شود.
 4. **يَا قَهَّارُ:** با توسل به این ذکر، حب دنیا از بین می رود و محبت به خدا و پیامبر اکرم **صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم** زیاد می شود.
 5. **اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ:** روزی ده مرتبه آن را بخوان تا از شر شیطان در امان بمانی.
 6. **يَا مُحْيِي يَا مُمِيتُ:** برای اینکه بدون حساب وارد بهشت شوی، دست بر سینه بگذار و هفت مرتبه آن را بخوان و بعد از هر نماز بر سینه دم کن. **اِنْ شَاءَ اللّٰهُ** عادت های بد از بین می روند و شما از عبادت لذت خواهید برد.
 7. **يَا بَاطِنُ:** بعد از هر نماز صد مرتبه آن را بخوان. **اِنْ شَاءَ اللّٰهُ** زمزمه های شیطانی و افکار بد را از خود دور خواهید کرد.
- یاد داشت: در اول و آخر هر ذکر بر رسول الله **صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم** صلوات بفرستید. قبل از خواندن ورد از علمای اهل سنت یا قاری قرآن اول آن را بشنوید و با مخرج صحیح آن را تلفظ کنید.

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْبِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ

هر کار خیری که انجامش سخت باشد ثواب بیشتری دارد:

برادران عزیز اسلامی! رهایی از عادت گفتگوی بیهوده کار بسیار دشواری است. با این حال، این نیز بسیار دلگرم کننده است که هر چه بیشتر برای فردی سخت باشد که از شر عادت گفتگوی بیهوده خلاص شود، ثواب بیشتری دریافت می کند. همانطور که پیامبر اکرم **صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم**! در مورد وضو گرفتن در سرمای شدید گفت: "هر کس در سرمای

شدید وضو بگیرد، ثواب او دو برابر است." (جامع صغیر، ص 512، حدیث، 8398) همین طور پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره کسی که با مشقت قرآن کریم تلاوت میکند، می فرماید: هر که قرآن کریم را با مکث کردن بخواند و برایش سخت است، یعنی زبانش به راحتی نمی گردد و به سختی تلفظ می کند، برای او دو اجر است. (مسلم، ص 312، حدیث، 1862) و همچنین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مورد کسی که دیگری را بر آرزوی خود مقدم می دارد، می گوید: هر کس آرزوی داشته باشد و دیگری را بر آرزوی خود ترجیح دهد، خداوند او را می بخشد. (اتحاف السادة، ص 779) بنابراین، ای عاشقان رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ! اگرچه دوست دارید به صحبت کردن ادامه دهید، اما اگر عادت کمتر صحبت کردن را در خود ایجاد کنید، مطمئناً ثوابش را خواهید گرفت. (إِنْ شَاءَ اللهُ)

سیدنا ابراهیم بن ادهم رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ می فرماید: "هر چه کار نیک در دنیا دشوارتر باشد، در روز قیامت، در ترازوی اعمال همانقدر سنگین تر می شود." (تذکره الاولیاء، ج 1، ص 90، خلاصه شده)

از گفتگوی بیهوده خودداری کنید:

از سیدنا ركب مصری رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ روایت شده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: مژده کسی را که با وجود نداشتن هیچ عیب و نقصی، تواضع میکند، بدون اینکه مسکین باشد خود را ذلیل بداند، مال اندوخته خود را در کار خیر انفاق کند، به فقرا رحم کند، با افراد عالم و صاحبان حکمت معاشرت کند. و خوشبختی برای کسی است که کسبش حلال است، باطنش زیباست، ظاهرش دینی است و دیگران از شرش محفوظ باشند. و بشارت کسی را که به علم خود عمل کند و مالی را که از نیازش بیش است در راه خدا انفاق کند و از گفتگوی بیهوده خودداری کند. (معجم کبیر، ج 5، ص 71، حدیث 4616)

در بهشت پشیمان نمی شود:

برادران عزیز اسلامی! لازم است که ارزش زمان خود را بدانیم. اتلاف وقت ضرر بزرگی است. این را از حدیث مبارک زیر بفهمید: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: بهشتیان بجز لحظاتی که نتوانسته اند **ذِکْرُ اللهِ** را به جا آورند، بخاطر هیچ چیز دیگری پشیمان نمی شوند. (معجم کبیر، ج 2، ص 93، حدیث 182)

شرح حدیث: سیدنا علامه علی قاری رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ در توضیح این بخش از حدیث مبارکه: "اهل بهشت" نوشته است: بهشتیان روز قیامت قبل از ورود به بهشت اینگونه پشیمان می شوند، زیرا در بهشت خجالت و پشیمانی وجود ندارد. (حرز ثمین شرح حصن حصین ص 209)

عمر را ضایع مکن در گفتگو یاد او کن یاد او کن یاد او

نوک قلم:

هنگامی که قلم سیدنا سلیم رازی رحمۃ اللہ علیہ (وفات: 447 هجری قمری) هنگام نوشتن از بین می رفت، (اگرچه کتابت دینی بانیست خوب، خودش کاری ثواب است و مگر مصداق ضرب المثل "یک تیر دو نشان") ذکر الله سبحانه و تعالی را نیز شروع میکرد تا که این وقت صرفا در تیز کردن نوک قلم نگذرد. (ابن عساکر، ج 72، ص 260)

درختی در بهشت بکارید:

مطمئناً زمان بسیار ارزشمند است. تصور کنید که اگر بخوانید هو دنیا در یک ثانیه درختی را در بهشت بکارید و راه کاشت درخت در بهشت بسیار آسان است. به روایتی مبارکه از این چهار اذکار هر کدام را بخوانی درختی در بهشت کاشته می شود. این چهار اذکار عبارتند از:

(1) **سُبْحَنَ اللّٰهُ (2) اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ (3) لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ (4) اللّٰهُ اَكْبَرُ**. (ابن ماجه ج 4 ص 252 حدیث 3807)

فضیلت صلوات فرستادن بر رسول الله صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم:

برادران عزیز اسلامی! دقت کردید! کاشت درخت در بهشت چقدر آسان است! اگر یکی از چهار اذکار یاد شده را بخوانید، یک درخت در بهشت برایتان کاشته می شود. و اگر هر چهار ذکر را بخوانید، چهار درخت در بهشت کاشته می شود. حالا این را در نظر بگیرید چقدر زمان ارزشمند است که درختان فقط با کمترین حرکت زبان کاشته می شوند. پس ای کاش به جای گفتگوی بیهوده، با کثرت در خواندن اذکار درختان زیادی می کاشتیم. حتی می توانیم در حال ایستادن، راه رفتن، نشستن یا کار کردن یا خوابیدن، در حال جمع کردن پاها، برنبی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم صلوات بفرستیم، که ثواب بزرگی نیز دارد. پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم فرمودند: هر که یک بار بر من صلوات بفرستد، خداوند ده رحمت بر او نازل می کند و ده گناه را از او برطرف می کند و ده درجه مقامش را بالا می برد. (نسائی ص 222 حدیث 1294)

بیطهتی اطهتی جاگتی سوتی

هو الهی! مرا شعار درود

بوقتِ نشتن و آرامیدن و بیدار شدن

خدایا! مرا شعا بُود درود

(ذوق نعت ص 74)

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّد

فایده دینی یا دنیوی گفتگو:

ای عاشقان رسول الله! چه خوب است که عادت کنیم قبل از حرف زدن به گونه ای فکر کنیم که صحبتی که می خواهیم انجام دهیم سودی دینی یا دنیوی خواهد داشت یا خیر؟ اگر صحبتمان بیهوده به نظر می رسد، به جای این آن را به زبان بیاوریم کاش! "الله الله" می گفتیم و یا توفیق فرستادن صلوات بر رسول الله ﷺ را داشتیم، یا با خواندن «سُبْحَنَ اللهُ ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ، اللهُ اَكْبَرُ ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ» درختی در بهشت غرس کنیم.

قصد گفتن سُبْحَنَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ یا تشویق مردم به گفتن آن :

به خاطر داشته باشید! شخص همچنین با گفتن «الله اکبر» یا «سُبْحَنَ اللهُ» به عنوان تعجب یا قدردانی، پاداش دریافت می کند. اما اگر نیت **ذِکْرُ اللهِ** در آن باشد، ثواب بیشتری می گیرد. گاه واعظان و نعت خوان ها به حاضرین می گویند: "بگو! سُبْحَنَ اللهُ" گفتن چنین جمله، و هر که آن را بخواند مستحق ثواب است. با این حال، اگر هر کسی که می خواهد آن را بگوید، اینطور بگوید، خیلی بهتر است: به نیت **ذِکْرُ اللهِ** بگو: «سُبْحَنَ اللهُ» پس هر که به قصد **ذِکْرُ اللهِ** «سُبْحَنَ اللهُ» گوید اجرش زیاد می شود.

سیدنا علامه عینی رحمۃ الله علیه (وفات: سال 855 هجری قمری) فرمودند: گفتن "الله اکبر" و "سُبْحَنَ اللهُ" در وقت متعجب شدن از چیزی، مستحب است. (عمدة القاری، ج 15، ص 335). سیدنا مفتی احمد یارخان رحمۃ الله علیه در «مرآت» گفته است: هر کس به هر نحوی **سُبْحَنَ اللهُ** یا **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ** یا **لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ** یا **الله اکبر** بگوید، ثواب صدقه نفل به او می رسد. خواه به نیت **ذِکْرُ اللهِ** بخواند یا برحسب عادت، و یا بعد از شنیدن سخن تعجب آوری **سُبْحَنَ اللهُ** و یا بخاطر شنیدن خوشخبری **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ** بگوید، به هر حال ثواب می گیرد چرا که نام الله متعال در هر شرایطی عبادت است. (مرآت ج 3 ص 98) خلاصه، هر چند ذکر و اذکار و تلاوت قرآن و درود و سلام و انجام عبادات خالص، به نیت ثواب جداگانه ای خوانده نشود، ثواب خواهد داشت. و اگر نیت کسب ثواب داشته باشی، ثواب زیادتری شود.

ذکر و درود هر گهری ورد زبان رهی میری فضول گوئی کی عادت نکال دو

هر ساعت ذکر و درود ورد زبان مائد

فضول گوئی عادت من را پر انداز

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّد

بہتر از شصت سال عبادت :

اگر بہ جای خواندن چیزی دلتان می خواهد سکوت کنید، شرایط کسب ثواب همچنان وجود دارد، یعنی بہ جای اینکه در افکار مختلف فرو بروید، غرق در یاد خدای متعال، و پیامبر اکرم صَلَّى اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم شوید. یا در معارف دینی تدبر و تفکر را آغاز کنید و یا در تکانہ ہای مرگ و تنہایی و وحشت قبر و وحشت روز قیامت تفکر کنید، در این صورت نیز وقتتان ضایع نشدہ است، بلکہ **اِنْ شَاءَ اللہ** ہر لحظہ آن شامل عبادت خواهد بود. پیامبر اکرم صَلَّى اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم فرمودند: (در امور آخرت) تفکر کردن یک لحظہ بہتر از عبادت شصت (60) سال است. (جامعۃ الصغیر ص 365 حدیث 5897)

ان کی یادون می کھو جایی مصطفیٰ مصطفیٰ کیچی

در ذکر ایشان گم شوی

مصطفیٰ مصطفیٰ کن

ارزش لحظہ ہای گرانبہا :

برادران عزیز اسلامی! زندگی دنیوی فقط از چند روز و ساعت ودقیقہ تشکیل شدہ است. ہر لحظہ زندگی گوہری است گرانبہا. ای کاش این توفیق را داشتیم کہ برای ہر لحظہ ارزش قائل بودیم، مبدا ہیچ یک از لحظات بی معنا نگذرانیم و خزانہ زندگی را در روز قیامت خالی از نیکی ہا نبینیم و اشک شرمندگی نریزیم. ای کاش عادت حساب کردن ہر ثانیہ از زندگی خود را داشتیم و لحظہ بہ لحظہ زندگی را صرف کارہای مفید می کردیم، مبدا پس از گذراندن زمان صرف شدہ در گفتگوی دوستانہ، در روز قیامت پشیمان شویم.

عامل بزرگ خجالت :

صحابی رسول اللہ صَلَّى اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم ، سیدنا عبداللہ ابن مسعود رَضِیَ اللہُ عَنْہُ می فرماید: "من از ہیچ روزی از عمرم بیشتر از آن روزی کہ از اعمال خیر خالی باشد، پشیمانی نمی کنم."

زمان مانند شمشیر است :

سیدنا امام شافعی رَحْمَةُ اللہِ عَلَیْہِ می فرماید: زمان مانند شمشیر است، آن را (با اعمال نیک) بکشید و گرنہ (با درگیر کردن شما در امور بیهودہ) شما را می کشد. (لواقح الانوار القدسیہ ص 83)

تلاوت در سکر الموت: سیدنا جنید بغدادی رحمۃ اللہ علیہ در زمان نزع قرآن می خواند، از او پرسیدند: تلاوت در این زمان؟ گفت: کتاب اعمال من در حال بسته شدن است، بنابراین من به سرعت اعمال نیک را در آن افزایش می دهم. (صید الخاطر ص 227) خداوند متعال او را بیامرزد و به خاطر او ما را بدون حساب ببخشد!

اٰمِیْنُ بِجَاہِ النَّبِیِّ الْاَمِیْنِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم

وقتی فیضان سنت وارد خانه شد :

اللہ اکبر! شور تلاوت قرآن کریم حتی در هنگام مرگ! خداوند متعال ما را نیز شوق تلاوت قرآن کریم عنایت فرماید! آمین! برای اینکه به شوق تلاوت و رهایی از عادت به گناه را دست یابید، با محیط دینی دعوت اسلامی معاشرت داشته باشید و با مطالعه کتب اسلامی مکتبه المدینہ بپردازید. برای ترغیب شما حکایتی تقدیم می شود: یک برادر اسلامی اهل ساهیوال (پنجاب) قبل از اینکه با محیط دینی دعوت اسلامی ارتباط برقرار کند، در زرق و برق دنیا و در اشکالی از گناهان غوطه ور بود. او همچنان نمازها را قضا می کرد، دروغ می گفت، غیبت می کرد، چغلی می کرد و بسیاری از گناهان کبیرہ دیگر را انجام می داد. زندگی او به گونه ای اصلاح شد که پسر عموی مادری اش که با محیط دعوت اسلامی در ارتباط بود به خانه اش آمد. خانواده با دیدن لباس ساده اما دینی او تحت تأثیر قرار گرفتند. او حکایت های متدنی اسلامی را برای اهل بیت نقل می کرد که به واسطه آن عشق به دعوت اسلامی در دلشان شکل گرفت. او همچنین کتابی با عنوان "فیضان السنن" با آنها هدیه داد. زمانی که آن برادر اسلامی و اهل بیتش آن کتاب را مطالعه کردند، تحولات مثبتی در خانه آنها به وجود آمد و زمان آن فرا رسید که این خانه با محیط دینی دعوت اسلامی آشنا شد. بعد از چند روز، وقتی این برادر اسلامی برای فراگیری و تعلیم سنن با قافله مدنی رفت و آمد کرد، به برکت آن یک مشت ریش بر صورت و عمامه ای بر سر گذاشت. سعادت او بیشتر شد که نه تنها در درس نظامی در دانشگاه مدینہ ثبت نام کرد، بلکه دو خواهرش نیز در درس نظامی دانشگاه مدینہ (بخش دختران) ثبت نام کردند.

ای عاشقان سنن مصطفی! هدیه دادن و پذیرفتن آن سنت است. رسول اللہ صلی اللہ علیہ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم فرمودند: **تَّهَادَوْا تَحَابُّوْا** یعنی "به یکدیگر هدیه بدهید، محبت بیشتر خواهد شد." (موطأ، ج 2 ص 407، حدیث 1731) از این حدیث مبارکہ دریافتیم که محبت با هدیه دادن زیاد می شود و اگر این هدیه یک کتاب دینی باشد، ممکن است علم نیز در آن افزایش یابد. بنا براین در صورت امکان از مکتبه المدینہ دعوت اسلامی کتب اسلامی خرید کنید و به اقوام و دوستان خود هدیه دهید. در مجالس وفات و عروسی و سایر مجالس برای ایصال ثواب، به بستگان متوفی خود توزیع کنید. این کتاب ها را نه

تنها توزیع کنید، بلکه مطالعه این کتاب ها را به عادت روزانه خود تبدیل کنید. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** بسیاری از معارف دینی را خواهید آموخت.

عمل کا هو جذبه عطا یا الهی گناہو سی مجھ کو بچا یا الهی
خدا یا! جزیه عمل عطا کنی - از معاصی مرا امان بخش خدا یا
سعادت ملی درس "فیضان سنت" کی روزانه دو مرتبه یا الهی
به بخش سعادت درس "فیضان سنت" را در هر روز دوتا

(وسائل بخشش، ص 102 و 103)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

ای رب مصطفی! به ما توفیق دوری از گفتگوی بیهوده عطا کن.

أَمِينَ بِجَاهِ النَّبِيِّ الْأَمِينِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

25 واقعه درباره خودداری از گفتگوی بیهوده

1) طوری صحبت نکن که بعداً باید عذرخواهی کنی :

میزبان پیامبر اکرم **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ**، سیدنا ابویوب انصاری **رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ**، می فرمایند: شخصی نزد پیامبر اکرم **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** آمد و عرض کرد: لطفاً مرا نصیحتی فرمائید. پیامبر اکرم **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** فرمودند: "هنگامی که بر نماز می ایستی، مانند کسی که می خواهد دنیا را ترک کند، نماز بخوان. طوری صحبت نکن که بعداً مجبور شوی عذرخواهی کنی. از چیزهایی که مردم در دست دارند کاملاً مأیوس باش. (مسند امام احمد بن حنبل، ج 9، ص 130، حدیث 23557)

شرح دو جزء حدیث :

سیدنا مفتی احمد یارخان **رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ** در توضیح این قسمت از حدیث مبارک "طوری صحبت نکن که بعداً مجبور شوی عذرخواهی کنی" ایشان **رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ** نوشته اند: این یک نصیحت بسیار جامع است. یعنی اغلب سکوت کنید. اما اگر مجبور شدید حرف بزنید، نیکو سخن بگویید. اینطور حرف نزنید که داری به کسی صدمه میزنی چون بعداً باید عذرخواهی کنی. ساکت ماندن تو را از صدها گناه نجات میدهد. یا معنایش این است که هیچ سخن زشتی نگو که به

خاطر آن باید توبه کنی. در مورد این قسمت از حدیث " از چیزهایی که مردم در دست دارند کاملاً مأیوس باش." سیدنا مفتی احمد یارخان رحمۃ اللہ علیہ نوشته است: شما هیچ امید و طمع به مال کسی نداشته باش، دلت غنی (یعنی مطمئن) می گردد، و مجبور نیستی از کسی چاپلوسی کنی. (مرآت ج 7 ص 54)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

(2) پدر عزیز! چرا حرف نمیزی؟

از صحابی ابن صحابی، سیدنا عبدالله بن عباس رضی اللہ عنہ روایت شده است که وقتی سیدنا آدم علیہ السلام به دنیا فرستاده شد، صاحب فرزندان بسیار شد، روزی همه پسران و نوه ها و نبیره هایش دور او جمع شدند و شروع به صحبت کردند، اما او ساکت ماند و صحبت نکرد. بچه ها متواضعانه گفتند: پدر جان! مشکل چیست؟ چه شده؟ ما داریم حرف میزنیم و شما ساکتید. سیدنا آدم علیہ السلام گفت: ای پسران من! هنگامی که خداوند متعال مرا از نزد خود (یعنی از بهشت) به دنیا فرستاد این وعده را از من گرفت که "ای آدم! کمتر صحبت کن تا جایی که به نزد من (یعنی بهشت) برگردی." (ایک چپ سو سکه (اردو)، ص 5، حسن السمیت فی الصمت، ص 11)

ای شیفتگان رسول الله! فهمیدیم که الله متعال دوست دارد که بنده اش ساکت بماند. از این رو، در این روایت، برای کسانی که بی هدف به صحبت می پردازند، پند بزرگی وجود دارد. الله متعال ما را «سکوت» از جد مبارکمان ابوالبشر سیدنا آدم علیہ السلام عنایت فرماید!

اٰمِيْنَ بِجَاہِ النَّبِيِّ الْاَمِيْنِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

(3) راه رسیدن به خوف از الله تعالی:

سیدنا مالک بن دینار رحمۃ اللہ علیہ بیان می کند که سیدنا داوود علیہ السلام ارشاد فرمودند: ای پرهیزگاران! بیایید تا شما را از ترس الله متعال آگاه کنم. هر کس از شما دوست دارد زنده بماند و اعمال نیک ببیند، چشم و زبان خود را حفظ کند. به بدی نگاه نکند و سخن بدی نگوید، زیرا خداوند به صدیقین رحمت می کند و سخن بدی نگوید، زیرا خداوند به صدیقین رحمت می کند. (الله والون کی باتین ج 2 ص 547، حلیۃ الاولیاء ج 2 ص 408 حدیث 2750)

برادران عزیز اسلامی! از این روایت دریافتیم که برای رسیدن به خوف از خداوند متعال و تقوای الهی باید چشم و

زبان خود را از گناهان و از چیزهای بیهوده نیز حفظ کنیم. علاوه بر این، ما باید خود را از دروغ و غیره نجات دهیم و حقیقت را برای همیشه در آغوش بگیریم. پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرمایند: صدق به سوی کار نیک و نیکی به بهشت می انجامد و انسان دائما راست می گوید تا اینکه در نزد الله متعال به عنوان صدیق (یعنی بسیار راستگو) نوشته میشود. و همانا کذب (یعنی دروغ) منجر به گناه می شود و گناه انسان را به سوی جهنم می برد. و همانا انسان دروغ می گوید تا آنجا که به عنوان کذاب (یعنی بزرگترین دروغگو) نزد الله متعال نوشته می شود. (بخاری ج 4 ص 125 حدیث 6094)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

4) نصیحتی به زبان در حال ایستادن بر کوه صفا:

صحابی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، سیدنا عبدالله بن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در حالی که بر کوه صفا، ایستاده بود، در حال تلبیه گفتن (یعنی لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ) بود. وی فرمود: ای زبان! خوب صحبت کن، زیرا سودمند است. و از گفتگوی بد خودداری کن، زیرا آرامش خواهی یافت. (این دو توصیه مرا رعایت کن) قبل از اینکه پشیمان شوید. (احیاء العلوم، ج 3، ص 135)

5) وای بر تو!

صحابی بن صحابی سیدنا عبدالله بن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می فرماید: "ای زبان! وای بر تو! خوب صحبت کن که در آن خیر وجود دارد. و از گفتار بد پرهیز که آرامش دارد." اطرافیان علت را پرسیدند، فرمود: به من خبر رسیده است که انسان در روز قیامت بیشترین ضرر را از زبانش می بیند. (الله اولون کی باتین، ج 1، ص 574)

برادران عزیز اسلامی! این حقیقت است که رضای الله متعال با گفتار نیکو حاصل می شود و هر که الله تعالی از او راضی باشد بهشت نصیبش می شود. و الله متعال با بد گفتن خشمگین می شود و هر کس الله سبحان بر او غضب کند به عذاب جهنم دچار می شود.

جهنم سی هم کو بچا یا الهی
تو جنت می هم کو بسا یا الهی
خدایا! از دوزخ مارا محفوظ گردان
تو در بهشت مارا آباد کن

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

6) من بیشتر دوست دارم سکوت کنم تا اینکه حرف بزنم :

سیدنا ابراهیم بن بشار رحمۃ اللہ علیہ گفت: روزی همه جمع شدیم، هر یک حداقل چیزی گفت، اما سیدنا ابراهیم بن ادهم رحمۃ اللہ علیہ ساکت ماند. ایشان هیچ چیزی نگفتند. وقتی مردم رفتند، من نگرانی خود را به او ابراز کردم، سپس گفت: "مکالمه نشان دهنده حماقت یک احمق و حکمت یک عاقل است." گفتم: "تو عاقل هستی پس چرا حرف نزدی؟" گفت: "دوست دارم سکوت کنم و غمگین شوم تا اینکه حرف بزنم و شرمنده شوم." (ایک چپ سو سکه (اردو)، ص 18، / حسن السمیت فی الصمت، ص 31)

سُبْحَنَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ ! چه قدر طرز فکر پیشینیان پارسای ما زیبا بود! در واقع، خرد مرد با سخن گفتن آشکار می شود. گاهی اوقات برای مردم آشکار می شود که این شخص پرحرف نمی داند کجا، چه زمانی و چه چیزی باید بگوید. "سکوت کنم و غمگین شوم" به این اشاره دارد که ممکن است پس از سکوت، غمگین شوی که چرا این جمله را در چنین موقعی در طول مکالمه نگفتی و ساکت ماندی و اگر این را می گفتی لذت می بردی و... به هر حال پیشیمانی بعد از صحبت بهتر از پیشیمانی بعد از سکوت است و همچنین پیشیمانی بعد از نخوردن بهتر از پیشیمانی بعد از خوردن غذا است.

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

7) سه تن از پارسایان که روی آب و هوا راه می رفتند :

یکی از تابعین سیدنا وهب بن منبه رحمۃ اللہ علیہ گفت: در بنی اسرائیل، دو تن از پارسایان در مرتبه ای از عبادت بودند که روی آب راه می رفتند. روزی در اقیانوس قدم می زدند، که مرد پارسای دیگری را دیدند که روی هوا راه می رفت. پارسایانی که روی آب راه می رفتند، از پارسایی که در هوا راه می رفت پرسیدند: ای بنده الله ! چگونه به این مقام رسیدی؟ فرمودند: «من به کمی از دنیا قانع بودم، نفس را از هوس و زبان را از گفتگوی بیهوده باز داشتم و به کارهایی که الله متعال برایم حکم کرده بود مشغول شدم. و من همیشه سکوت کردم. اگر به نام الله تعالی در مورد چیزی سوگند بخورم (به رحمت او امیدوارم) که سوگند مرا به جا آورد و اگر از او چیزی بخواهم به من عطا خواهد کرد.

(ایک چپ سو سکه (اردو)، ص 22، / حسن السمیت فی الصمت، ص 34)

درختی در بهشت – محافظت از شر:

الله کبر! آن مرد متقی که در هوا راه می رفت، حتی در حال سکوت نیز از عبادت بهره می برد، زیرا در وقت صرفه جویی شده از گفتگوهای بیهوده، این توفیق را داشت که در آن مدت عبادت الله متعال را بجا آورد. ای کاش ما هم فکری

کردیم که چیزی را که می‌خواهیم بگوییم به دین یا دنیایمان مفید است یا خیر؟ اگر نه، چرا با هدف جلب رضای الله متعال شروع به گفتن **سُبْحَنَ الله**، **سُبْحَنَ الله** گفتن نمی‌کنیم، هر بار که دعا می‌کنیم درختی در بهشت به رحمت الله متعال کاشته می‌شود. و همچنین به کثرت گفتن **سُبْحَنَ الله** در دنیا فواید زیادی دارد چنانچه رهبر میلیون‌ها شافعی، سیدنا امام شافعی **رحمته الله علیه** می‌فرمایند: من برای حفاظت از وبا چیزی سودمند تر از تسبیح ندیدم. " (حلیة الاولیاء، ج 9، ص 145، قول، 13440)

نکته: مراد از تسبیح، گفتن حمد و ثنای خداوند متعال است مثلاً گفتن: **سُبْحَنَ الله عَزَّوَجَلَّ** است.

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّی اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

(8) گویا چیزی در دهان گذاشته اند :

سیدنا ابراهیم بن بشار **رحمته الله علیه** می‌فرمایند: من بیش از شش سال در صحبت با برکت سیدنا ابراهیم بن ادهم **رحمته الله علیه** ماندم. او اغلب سکوت می‌کرد و هرگز از ما چیزی نمی‌پرسید، اما در واقع با او صحبت می‌کردیم. ما احساس می‌کردیم که ایشان گویا چیزی در دهان مبارکش گذاشته و او را از صحبت بازمی‌دارد. (عیون الحکایه (اردو)، ج 1، ص 204، / عیون الحکایه، ص 129)

کاش یک در آهنی حائل می‌بود :

سبحان الله: چقدر طرز فکر پیشینیان وارسته‌ما زیبا بود! در واقع، اینها مظهر خوبی‌ها بودند، اما ما پر از عیب هستیم. دوری از نشست‌های غیر ضروری با مردم نیز برای محافظت از زبان بسیار مفید است. صحابی پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله و سلم**، سیدنا سعد بن ابی وقاص **رضی الله عنه** می‌گفت: به خدای متعال سوگند! دوست دارم بین من و مردم دری آهنی حائل باشد، نه کسی با من صحبت کند و نه من با کسی صحبت کنم تا جایی که خدای متعال را ملاقات کنم.

(کتاب العزله لابن ابی الدنيا مع موسوعه، ج 6، ص 511، قول، 57)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّی اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

(9) بر زبان حکومت کردن :

شخصی از مرد بزرگواری پرسید که چگونه سیدنا احنف **رحمته الله علیه** رهبر شما شد، حالانکه نه از لحاظ عمر از شما بزرگ‌تر است و نه از شما ثروتمندتر است؟ مولای ایشان فرمودند: او به خاطر حکومت بر زبانش، از این رهبری

برخوردار است. (المستطرف ج 1 ص 147)

خداوند متعال توفیق دهنده است :

ای عاشقان رسول خدا! همانا هر که بر زبان خود مسلط شود، پادشاه «زبان» خود است، اما برای رسیدن به این سلطنت، باید لشکر نفس و شیطان را شکست دهد، و هر چند کار دشواری باشد، اما اگر شوق واقعی داشته باشد. با توفیق و رحمت خداوند متعال و با عنایت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هیچ چیزی غیر ممکن نیست. تلاش باید ادامه یابد. یک ضرب المثل عربی بسیار زیبا اینچنین می گوید: " الْسَّعْيُ مَتْنٌ وَالْإِتِّسَامُ مِنَ اللَّهِ ". به این معنی است که "تلاش ازسوی من و انجام آن، یعنی موفقیت از جانب خداوند متعال است."

صَلُّوْا عَلَى الْحَبِیْبِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

(10) چهار عالم، چهار قول :

سیدنا عبدالله بن مبارک رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فرمود: هنگامی که چهار عالم بزرگوار نزد پادشاهی گرد آمدند، پادشاه به آنها گفت: هر یکی از شما یک سخنی کوتاه اما جامع بگویید. یکی از علما گفت: فضیلت علم عالم خاموشی است، دیگری گفت: سودمندترین چیز برای مرد این است که به مقام و عمق عقل خود را بشناسد و بر اساس آن حرف بزند. سومی گفت: محتاط ترین شخص کسی است که به نعمت موجود مطمئن باشد نه به آن باور داشته باشد و نه بخاطر آن متحمل مشقت شود. چهارمی گفت: هیچ چیز برای بدن آرامش بیشتر از این نیست که به سرنوشت راضی باشد و قناعت کند. (ایک چوپ سوسکه (اردو)، ص 16)

مَا شَاءَ اللَّهُ! هر چهار قول مختصر اما جامع و حامل مرواریدهای ارزشمند مدنی است. یک ضرب المثل عربی می گوید: خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَذَلَّ. یعنی حسن گفتار آن است که مختصر و با استدلال باشد.

صَلُّوْا عَلَى الْحَبِیْبِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

(11) چهار پادشاه، چهار سخن :

سیدنا ابوبکر بن عیاش رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ گفت: چهار پادشاه از ایران، روم، هند و چین در جایی جمع شدند و چهار نفر از آنها چهار سخن گفته اند که گویی چهارتیر از یک کمان رها شده باشد. یکی گفت: من درمقایسه با سخنان گفته شده ام، درموقوف کردن سخنان ناگفته ام بیشتر توانا هستم. دومی گفت: سخنی که از دهانم برآمد بر من مسلط

است و من بر سخنی که از دهانم برآید مسلط هستم. سومی گفت: هرگز از سخن ناگفته شرمندۀ نشدم، اما مطمئناً از سخن گفته شده شرمندۀ شده ام. چهارمی گفت: من به کسی که سخن می گوید تعجب می کنم، اگر همان سخن به سوی خودش برگردد، به او آسیب می رساند؛ و اگر برنگردد سودی برایش ندارد.

(ایک چوپ سو سکھ (اردو)، ص 18، حصن السمیت فی الصمت، ص 30)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

12) او چهل سال نخندید :

تابعی بزرگوار، سیدنا حسن بصری رحمۃ اللہ علیہ چهل (40) سال نخندید. اگر او را نشسته می دیدند، به نظر می رسید که او یک زندانی است که برای سر بردن بیرون آورده شده است. و چون سخن می گفت، گویا لبانش خود روز قیامت را دیده. و وقتی ساکت است، انگار آتش در چشمانش شعله ور شد. وقتی علت غمگینی و خوف زدگی اش را از او پرسیدند، گفت: می ترسم اگر خداوند متعال به بعضی از اعمال ناپسند من نظر کند، غضبش را بر من فرود آورد و بگوید: برو! من تو را نمی بخشم، پس چه بر سرم خواهد آمد؟ (احیاء العلوم (اردو)، ج 4، ص 555-556، / احیاء العلوم، ج 4، 231)

فضیلت خوف از الله متعال :

الله اکبر! تابعی بزرگوار و وارسته خداوند متعال، سیدنا حسن بصری رحمۃ اللہ علیہ از ترس خداوند متعال هراسان می ماند، در این واقعه برای ما گناهکاران عبرت های بیشمار از مروارید مدنی موجود است. فضیلت های زیادی در ترس از خداوند متعال موجود است. خداوند متعال در آیه 12 سوره ملک جزء 29 می فرماید:

ترجمه کنز العرفان: در حقیقت کسانی که بدون دید از پروردگارشان می ترسند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است.

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

کَبِيرٌ ﴿١٢﴾

[کنز الایمان (ترجمه قرآن)] (قسمت 29، سوره الملک، آیه 12)

حدیث مبارکه: خوف خداوند متعال باعث افزایش روزی و عمر می شود :

از چهارمین خلیفه مسلمین سیدنا علی رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: هر که می خواهد عمر و روزی اش را افزایش دهد و از مرگ بد حفظ شود، باید از خدا بترسد و با خویشاوندان نیک رفتار کند.

(مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 302، حدیث 1212)

ترس از الله متعال یعنی چه؟

برادران عزیز اسلامی! مراد از خوف از خدای متعال، ترس از تدبیر پنهان خداوند، بی نیازی او، نارضایتی او، عذابهای او، غضب او و ترسیدن از هلاکت ایمان در اثر این غضب است. ای کاش خوف از خداوند متعال به معنای واقعی آن نصیب ما می شد.

زمانی کادر میری دل سی متا کر تو کر خوف اپنا عطا یا الهی

خوف زمانه از دل من محو کن و خوف خود توبده خدایا

تری خوف سی تیری دری سی همیشه می تهر تهر رهو کانپتا یا الهی

از هیبت تو و از خوف تو مدام من در فشم به رعشه

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

13) کسانی که حرف می زنند و سکوت می کنند:

سیدنا ابوحاتم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ فرموده: دو شخص علم حاصل کردند. یکی سکوت اختیار کرد و دیگری سخن گفتن. شخص گوینده ای به شخص سکوت کننده گفت: از علمت چه به دست آوردی که هیچ سلاحی بهتر از زبان برای کسب روزی نیست. شخص خاموش به گوینده گفت: چه برتری از علمت کسب کردی؟ که من معتقدم زبان برای زندانی شدن سزاوارتر است. (حسن السمعت ص 44)

بی شک در دایره ی شریعت بودن، نیکو سخن گفتن اشکالی ندارد. پرهیز از سخن زشت لازم است و از سخن بیهوده و غیر مفید نیز باید دوری کرد. دروغ گفتن در حال کسب رزق و روزی هم گناه است و گفتگوی بیهوده هم کار خوبی نیست.

14) تاکید بر سکوت برای پنهان کردن ضرر:

تاجری هزار دینار ضرر کرد! او به پسرش گفت: ببین، از این ضرر با کسی صحبت نکن. پسر گفت: پدر عزیز! این دستور شماست، بنابراین به کسی در مورد آن چیزی نمی گویم. اما خواهش می کنم به من بگویی که حکمت پنهان کردن این ضرر چیست؟ پدر گفت: سکوت لازم است، زیرا غیر از این مجبوریم دوزر را در یک زمان متحمل شویم. یکی ضرر مالی است و دیگری اینکه دشمنان (رقیبان) از ضرر ما خوشحال می شوند و ما را مسخره می کنند. (گلستان

سعدی ص 115)

خوشحالی از ضرر رسیدن به مسلمان دیگر:

ای عاشقان رسول خدا! ما از این روایت یاد گرفتیم که اگر متضرر شده باشیم، به جای افشای بی هدف آن به کسی، سکوت اختیار کنیم. ممکن است همانطور که ما فاش می کنیم، فردی جاهل از آن مطلع شود و به خاطر متضرر شدن ما شادی کند. به خاطر داشته باشید! شادی از بیماری یا مصیبت یا زیان مسلمانی را شماتت می گویند و شماتت شرعاً حرام است. از سیدنا واثله رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "شماتت برادرت را مکن. یعنی از گرفتاری او احساس مسرت نکن. برای خداوند متعال سخت نیست که او را مورد رحمت خود قرار دهد و تو را به این گرفتاری مبتلا کند." (ترمذی ج 4 ص 227 حدیث 2514)

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

15) سکوت طریقه ی خردمندان است :

جوان خردمندی که دارای صفات فراوانی بود، در مجالس اهل علم شرکت می کرد و از سخن گفتن خود را باز می داشت. پدرش روزی به او گفت: ای پسر! هر چه می دانی، همه را بگو. سپس جوان گفت: من از این می ترسم که مبادا مردم از من چیزی بپرسند که من در مورد آن اطلاعی ندارم و از این طریق شرمند شوم. (گلستان سعدی ص 116)

گفتن یک حکم نادرست :

ای عاشقان رسول خدا! ما از این روایت یاد گرفتیم که زمانی که با اهل علم هم صحبت شدیم، باید سکوت کنیم، به این طریق إِنْ شَاءَ اللّٰهُ می توانیم گفتگوی خوب آنها را بشنویم و درک کنیم. اولاً ممکن است با حرف زدن دائم از یادگیری و درک بی بهره باشیم و ثانیاً ممکن است سؤالی از ما پرسیده شود و نتوانیم پاسخی بدهیم. در نظر داشته باشیم که وقتی پاسخ صحیح سؤالی را نمی دانیم، نباید لجوجانه پاسخ نادرستی بدهیم، مخصوصاً پاسخ احکام شرعی را نباید داد مگر اینکه صد درصد درباره اش علم داشته باشیم. گفتن هر حکم شرعی از روی لجاجت، از دست دادن آخرت است. خداوند متعال در آیه 68 سوره یونس جزء 11 می فرماید:

ترجمه کنز العرفان: آیا به خدا چیزی را نسبتی می دهید که درباره آن علم ندارید؟!

أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾

سه نمونه از کسانی که از جواب دادن می ترسیدند :

مردمی که به دلیل لجاجت و بدون علم به سؤالات دینی پاسخ می دهند باید از این آیه عبرت بگیرند. اینها سه نمونه از علمای سعادت‌مندی هستند که با وجود داشتن علم به احکام دینی و پاسخگویی به سؤالات دیگران، از پاسخگویی به خداوند متعال ترسیده بودند:

(1) صحابی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، سیدنا عبدالله ابن مسعود رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرمود:

هر کس به هر سؤال مردم پاسخ دهد دیوانه است و (لا ادری یعنی نمی دانم) سپر عالم است چرا که اگر حکم نادرستی گفته باشد هلاک می شود.

(2) سیدنا ابوحفص نیشاپوری رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ می گوید: عالم کسی است که هرگاه از او سؤالی پرسیده شود، باید بترسد که اگر در روز قیامت از او سؤال شود که از کجا پاسخ داده است؟!

(3) هرگاه از سیدنا ابراهیم تیمی رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ حکمی می پرسیدند، گریه می کرد و می گفت: جز من کس دیگری را نیافتی که نزد من آمدی. (احیاء العلوم (اردو)، ج 1، ص 241 / احیاء العلوم، ج 1، ص 100)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّی اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

16) عقل‌مندی آنست که مکالمه کسی را قطع نکند :

سیدنا شیخ سعدی رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ می گوید: این را از عالمی شنیدم که می گفت هیچ کس به جهالت خود اقرار نمی کند مگر کسی که قبل از پایان گفتگوی شخص دیگری صحبتش را قطع کرده، سخن بگوید. شخص عاقل شروع به سخن گفتن نمی کند تا وقتی که سخن دیگری تمام نشده باشد. (گلستان سعدی ص 118)

بدون شک کسی که بیهوده حرف دیگری را قطع کند عاقل نیست:

ای عاشقان رسول خدا! از این روایت آمده است که هر کس بدون غرض صحبت کسی را قطع کند و گفتگوی خود را آغاز کند، خود را بی خرد ثابت می کند. وگرنه کسی که عاقل باشد قبل از اتمام سخن شخص دیگری سخن نمی گوید. این را هم در نظر داشته باشید که قطع مکالمه طرف مقابل و شروع مکالمه با شئون اسلامی مخالف است. در

جزوه 36 صفحه ای مکتبه المدینه، صفحه 30 «احترام المسلم» آمده است: رسول خدا ﷺ گفتگوی طرف مقابل را قطع نمی کرد. اما اگر کسی از حدش تجاوز می کرد، نهی می کرد یا آنجا را ترک می کرد.

(شمائل ترمذی، ص 199-200)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

17) سکوت لازم به رازداری است :

چند تن از غلامان خاص سیدنا سلطان محمود غزنوی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ از غلام مخصوص شاه پرسیدند که امروز شاه در این باره به تو چه گفت؟ شاه صلاح نمی داند هرآنچه به تو می گوید به ما نیز بگوید. در این مورد، غلام مخصوص شاه گفت: "شاه به من می گوید چون به من اعتماد دارد که به هیچ کس دیگری نمی گویم."

(گلستان سعدی ص 118 با اندکی تغییر)

ارسال پیام واتساپ به دیگران :

ای عاشقان رسول خدا! سخن نیز امانت است. گاهی اوقات شخصی در حالی که چیزی را به دیگری می گوید به اطراف نگاه می کند، که مطمئن شود کس دیگری به او گوش نمی دهد یا او را از گفتن سخنش به دیگران منع می کند. در این مواقع این راز لازم نیست به اشتراک گذاشته شود. گاهی با کسی سخنی میگوید که چنین سخنی لازم نیست به کسی دیگر گفته شود. در این صورت نیز نباید آن را به اشتراک گذاشت. برخی از افرادی که پیامهای واتساپ را از دوستان خود و غیره دریافت می کنند، مستقیماً به دیگران فوراً می کنند نیز باید محتاط باشند.

دو قول از پیامبر اکرم ﷺ در مورد نگفتن سخن فردی به دیگری :

به دو قول پیامبر اکرم ﷺ در مورد رازداری گوش دهید: 1) "وقتی کسی چیزی می گوید و درحین گفتن به اطراف نگاه می کند، این گفتگو امانت است." (ترمذی ج 3 ص 386 حدیث 1966م)

توضیح حدیث: در مرآت آمده است: یعنی اگر کسی شخصاً چیزی را به شما بگوید و در حین گفتگو یا در میان صحبت به اطراف نگاه کند که مبدا کسی به سخن او گوش دهد، هر چند با دهانش نگفته که به کسی نگوید، لیکن این حرکت او می گوید که این گفتگو یک راز است. پس آن را امانت بشمار، رازش را فاش نکن و به کسی نگو. سُبْحَنَ اللَّهُ، چه آموزش نیکویی! (مرآت ج 6 ص 629)

2) منافق سه نشانه دارد: هر گاه حرف می زند دروغ می گوید؛ هر گاه وعده می دهد، آن را زیر پا می گذارد؛ و هر گاه به او امانت داده شود، خیانت می کند (یعنی ثابت می کند که بی صداقت است). (بخاری، ج 1، ص 24، حدیث، 33) یعنی وقتی کسی او را رازدار سخن خود بداند، آن را برای دیگران آشکار می کند یا از پس دادن امانت امتناع می ورزد یا از امانت محافظت نمی کند، بلکه آن را خود استفاده می کند. (مکاشفه القلوب (اردو)، ص 95، / مکاشفه القلوب، ص 44)

صَلُّوْا عَلَى الْحَبِیْب صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

18) اگر آرامش می خواهی، پس سکوت کن :

سیدنا یونس بن عبید رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَیْهِ می فرماید: من چنین شخصی را می شناسم که بیست سال است آرزو می کند که یکی از روزهای زندگی اش مانند سیدنا عبدالله بن عون رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَیْهِ در آرامش بگذرد، اما نتوانست. او می خواهد سکوت نکند، بلکه هم سخن بگوید هم از شر زبان در امان باشد، همان گونه که سیدنا عبدالله بن عون رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَیْهِ از شر زبان در امان بود. (الله والون کی باتیں، ج 3، ص 57، / حلیۃ الاولیاء، ج 3، ص 43، با اختلافات جزئی)

یک فریب بزرگ :

از این روایت فهمیدیم که تنها برای اینکه انسان نیکو کاری شویم، آرزوی اعمال خیر کافی نیست. کارهای خیر باید انجام شود. در "احیاء العلوم" آمده است: سیدنا یحیی بن معاذ رازی رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَیْهِ می فرماید: یکی از بزرگ ترین نیرنگ ها در نزد من این است که انسان بدون خجالت مشغول گناه باشد و در عین حال امید به مغفرت نیز داشته باشد. و نیز بدون انجام هیچ عبادتی به قرب الهی امیدوار باشد. و منتظر خرمین بهشت با کاشتن بذر جهنم باشد؛ و با وجود انجام گناهان یکی پس از دیگری به جایگاه (بهشت) پرهیزگاران خوش بین باشد. سپس این دوبیتی را خواند:

تَرْجُو النَّجَاةَ وَلَمْ تَسْلُكْ مَسْلِكَهَا إِنَّ السَّيْفِیْنَةَ لَا تَجْرِي عَلَى الْبَیْسِ

ترجمه: تو امید به رستگاری داری اما در مسیر آن قدم نمی گذاری، همانا کشتی در خشکی حرکت نمی کند.

(احیاء العلوم ج 4 ص 417-418)

صَلُّوْا عَلَى الْحَبِیْب صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

19) حکمت چگونه به وجود می آید؟ :

سیدنا سفیان بن عیینہ رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَیْهِ گفت: من از سیدنا ابو خالد رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَیْهِ شنیدم که فرمودند حکمت از سه چیز

سرچشمه می گیرد: (1) با سکوت (2) با گوش دادن به دقت (3) با به خاطر سپردن پس از گوش دادن. و حکمت به سبب سه خصلت ثمر می دهد:

(1) روی آوردن به سوی سرای ابدی (یعنی بهشت) (یعنی انجام اعمالی که منجر به بهشت می شود) (2) با دوری از سرای نیرنگ (یعنی حب دنیا) (3) با آماده شدن برای مرگ قبل از فرا رسیدن آن. (الله والون کی باتین، ج 7، ص 336، / حلیۃ الاولیاء، ج 7، ص 330)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

20) چرا جواب نمیدهی؟:

یک بار از رهبر میلیون ها شافعی، سیدنا امام شافعی رحمۃ الله علیه چیزی پرسیده شد، او سکوت کرد. شخصی عرض کرد: سرورم! الله متعال شما را بیامرزد! چرا جواب نمی دهی؟ فرمودند: "اول باید بدانم که در جواب دادنم فضیلت است یا در سکوتم". (احیاء العلوم (اردو)، ج 1، ص 102، / احیاء العلوم، ص 44)

فکر کردن قبل از صحبت اینگونه است:

سُبْحَنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ! فکر کردن قبل از حرف زدن اینگونه است! ای کاش قبل از حرف زدن فکری کردیم که آیا در قبال سخنی که میگوئیم ثوابی دریافت میکنیم یا نه؟ سیدنا امام محمد بن محمد بن محمد غزالی رحمۃ الله علیه نوشته است: اصحاب و تابعین رضوان الله علیهم اجمعین به پنج چیز مشغول بودند: (1) تلاوت قرآن کریم (2) آباد کردن مساجد (3) ذکر الله (4) امر به معروف (5) نهی از منکر. و دلیلش این بود که از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیده بودند که فرمود: هر گفتگوی انسان برای او مفید نیست، در دسر است مگر نهی از منکر و امر به معروف و ذکر خداوند متعال. (ترمذی، ج 4، ص 185، حدیث، 242، / احیاء العلوم، ج 1، ص 100)

الله تعالی در قرآن کریم در آیه 114 سوره نساء جزء 5 فرموده است:

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ ط

ترجمه کنز العرفان: در بسیاری از سخنان درگوشی (و جلسات محرمانه) آنها، خیر و سودی نیست؛ مگر کسی که (به این وسیله)، امر به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند؛

(21) عاقل لال بهتر از جاهل احمق است:

سیدنا کعب الاحبار رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ می فرماید: سیدنا لقمان حکیم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به پسر خود گفت: پسر! "عاقل لال" بودن بهتر از "جاهل پرحرف" بودن است. اگر دلت می خواهد حرف بزنی اما زبانت را از سخن بیهوده باز می داری، برای بهتری است از این که با مردم بنشین و گفتگوی بیهوده و بی فایده انجام دهی. هر کاری داری، دلیل دارد، دلیل حکمت، تفکر است، دلیل تفکر سکوت است. هر چیزی مرکبی دارد. مرکب حکمت تواضع است. برای نادانی ات همین کافی است که مرکب حکمت را اختیار نکنی و برای هوشیاری ات همین کافی است که مردم از شر تو در امان بمانند.

(الله والون کی باتین، ج 6، ص 13، / حلیۃ الاولیاء، ج 6، ص 6)

مردم را از شر خود نجات دهید:

سُبْحَنَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ! در این واقعه از مروارید مدنی بسیار گرانبهائی یاد شده است و آخرین مروارید مدنی: " برای هوشیاری ات همین کافی است که مردم از شر تو در امان بمانند" نیز قابل توجه است. در این راستا چند مروارید مدنی عرض می گردد: پیامبر اکرم صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم به سیدنا ابوذر رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ فرمود: "مردم را از شر دور کن، زیرا این صدقه است که به خاطر جانت می دهی." (بخاری ج 2 ص 150 حدیث 2518 خلاصه شده)

شرح حدیث: در مرآت آمده است: یعنی سعی کن از تو به کسی ضرری نرسد. (مرآت ج 5 ص 181)

شیخ عبدالحق محدث دهلوی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در توضیح این حدیث مبارک می فرماید: ترک هر بدی چیزی است که به وسیله آن به خود صدقه می دهید. یعنی "به احدی بدی نکردن" نیز کاری نیکو است، درحالی که قادر به بدی کردن نیز هستی. صدقه دادن به مردم در واقع صدقه دادن به خودتان است. برای همین گفته شده به خودت صدقه بده. (اشعة اللمعات، ج 3، 203)

فضیلت نجات مردم از شر:

پیامبر اکرم صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم فرمود: انسان خوب درین شما کسی است که مردم از او امید به خیر (نیکی) دارند و از شر (بدی) او در امان هستند. و انسان بد در بین شما کسی است که مردم نه امیدی به خیر او دارند و نه امنیتی از شر او. (ترمذی ج 4 ص 116 حدیث 2270 خلاصه شده)

شرح حدیث: سیدنا مفتی احمد یارخان رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در وضاحت بخشی از این حدیث مبارکه: "مردم از او امید خوبی (نیکی) دارند و از شر (بدی) او در امان هستند"، بیان کرده است: یعنی مردم طبعاً از او رضایت دارند که این شخص به کسی آسیبی نمی رساند، و از او انتظار نیکی دارند. مفتی احمد یارخان رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در وضاحت این قسمت از حدیث: "مردم نه امیدی به خیر او دارند و نه امنیتی از شر او" می فرمایند: یعنی طبعاً مردم از او می ترسند که این

شخص خطرناک است. و از او باید دور ماند. هیچ خیری از او به کسی نخواهد رسید، و فقط شر (یعنی بدی) به مردم می رسد. (مرآت ج 6 ص 589)

سه عمل منتهی به بهشت :

سیدنا ابوسعید خدری رضی الله عنه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "کسی که از حلال می خورد و به سنت عمل می کند و مردم از شرش در امان باشند، وارد بهشت می شود." شخصی عرض کرد: ای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم! این روزها از این قبیل افراد زیاد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "در زمانه های بعد از من هم خواهند بود." (ترمذی ج 4 ص 233 حدیث 2528)

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

22) یک درهم صدقه در برابر هر جمله بیهوده :

مردی باتقوا می فرماید که من با خود عهد کرده ام که هر جمله بیهوده ای که از دهانم برآید، در بدلش دو رکعت نماز نفل ادا کنم، لیکن این مجازات برایم آسان بود. پس از آن، بخاطر هر جمله بیهوده، یک روزه (نفل) را بر خود لازم دانستم. این عمل نیز برایم آسان معلوم شد و از گفتگوی بیهوده خودداری نکردم تا این که اهدای یک درهم را برای هر جمله بیهوده ای بر خود لازم دانستم. پس این مجازات بر نفسم سخت تمام شد و بالاخره از گفتگوی بیهوده خودداری کردم. (قوت القلوب (اردو)، ج 1، ص 461 / قوت القلوب، ج 1، ص 202)

تلاش مستمر برای 20 سال :

در این واقعه! یک نکته عالی برای ترک عادت مکمله بیهوده وجود دارد. اگر انسان تعهد خود را جدی بگیرد و خالصانه تلاش کند، به فضل خداوند متعال کامیابی حاصل می شود. گفته می شود که: **مَا ثَبَّتَ نَبْطٌ**. یعنی "هر که ثابت قدم بماند رشد می کند". یعنی موفقیت با تلاش مستمر حاصل می شود. در احیاء العلوم آمده است: برخی از پارسایان میگویند: تا بیست سال در تلاوت قرآن کوشیدم و بیست سال از آن سود بردم. (احیاء العلوم (اردو)، ج 1، ص 902)

آیه قرآنی در مورد کوشش :

ای عاشقان رسول خدا! به جای ناامید شدن به دلیل تأخیر در موفقیت در هر کار خیر یا دینی، تلاش باید با صبر و همت ادامه یابد. در مورد تلاش، الله متعال در آیه 69 سوره عنکبوت جزء 21 می فرماید:

ترجمه کنز العرفان: و آنها که در راه ما (با خلوص

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا^ط

نیت (جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد.
--

مژده به کسانی که در راه خداوند متعال تلاش می کنند :

در "صراط الجنان" آمده است: معنای این آیه بسیار گسترده است. به همین دلیل مفسران آن را به گونه های مختلف تفسیر کرده اند. در اینجا به چهار قول اشاره شده است. (1) سیدنا عبدالله بن عباس رضی الله عنه فرموده اند: منظور (این آیه مبارکه) این است که کسانی که در اطاعت کردن از ما کوشیدند، حتماً به آنها راه های ثواب را نشان خواهیم داد. (2) سیدنا جنید رحمته الله علیه فرموده اند: یعنی کسانی که در توبه کردن تلاش می کنند، حتماً راه های اخلاص را به آنها نشان خواهیم داد. (3) سیدنا فضیل بن عیاض رحمته الله علیه فرموده اند: یعنی کسانی که در کسب علم کوشش کنند، حتماً راههای عمل را به آنها نشان خواهیم داد. (4) سیدنا سهل بن عبدالله رحمته الله علیه فرموده اند: یعنی کسانی که در اقامه سنت تلاش می کنند راه های بهشت را به آنها نشان می دهیم. (تفسیر مدارک ص 899 / تفسیر خازن ج 3 ص 457 انتخاب شده)

این آیه مبارکه درک جامعی از شریعت و طریقت است. یعنی کسانی که در توبه کوشش کنند، راههای اخلاص را خواهند یافت؛ کسانی که در کسب علم کوشش کنند، راه عمل را خواهند یافت. کسانی که در پیروی از سنت تلاش کنند، راه بهشت را خواهند یافت. برای رسیدن به الله متعال، راه هایی به تعداد تمام مخلوقات وجود دارد. (صراط الجنان ج 7 ص 409-410)

دانشجوی گند ذهنی امام بسیار برجسته ای شد (واقعه) :

رهبر بزرگ میلیون ها حنفی، سیدنا امام اعظم ابوحنیفه رحمته الله علیه به شاگردش سیدنا امام ابویوسف رحمته الله علیه فرمودند: "تو خیلی کند ذهن بودی، اما تلاش و پشتکارت باعث پیشرفت تو شد". (راه علم ص 53) ضرب المثلی عربی میگوید: «مَنْ جَدَّ وَجَدَ» یعنی "هر که تلاش کند به دست می آورد."

پادشاه و مورچه (واقعه) :

می گویند پادشاهی بیش از شش بار به منطقه ای با هدف فتح آن حمله کرد، اما در فتح آن منطقه ناکام ماند. وقتی در آخرین تهاجم او نیز شکست خورد، خسته شد و با حالتی افسرده وارد اتاقش شد و قصد داشت کمی استراحت کند. در حالی که به تهاجماتی فکری کرد که بارها و بارها شکست خوردند، ناگهان چشمش به مورچه ای افتاد که از دیوار

اتاق بالا می رفت. مورچه علیرغم افتادن، بارها و بارها از قصد خود برای بالا رفتن از دیوار دست نمی کشید. بارها به انتهای دیواری رسید اما بعد سقوط می کرد و دوباره شروع به بالا رفتن از دیواری کرد. سرانجام پس از 12 بار تلاش، مورچه به هدف خود رسید. می گویند وقتی پادشاه تالیش آن مورچه را دید، فهمید که تلاش رمز موفقیت است. پس از آن شاه دوباره با شور و اشتیاق جدید حمله کرد و در مأموریت خود موفق شد.

وہ کونسا عقدہ ہی جو واہو نہی سکتا ہمت کری انسان تو کیاہو نہی سکتا

لغات و معنی آن: عقدہ: گره. وا: باز شدن

معنی دوبیتی: آن چگونه گریه است که باز نمی شود؟ اگر آدمی تلاش کند، کدام کار است که نمی تواند انجام دهد؟

گرہ کار عجیبی کرد:

تابعی بزرگوار سیدنا شعبی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ فرمودند: شخصی به نام "عجلان" که غلام و محافظ "زیاد" (حکمران سلطنت بنی امیہ) بود به من گفت که وقتی "زیاد" از خانه خارج می شد، من جلوتر از او تا مسجد می رفتم و حتی بعد از ورود به مسجد، جلوتر از او می رفتم تا وارد اتاق شخصی اش شود. یک روز که وارد اتاق شخصی اش شد، گرہ ای را دید که در گوشه ای از خانه نشسته بود. وقتی رفتم آن را دور کنم، زیاد گفت: بگذار ببینم کچھ ہے؟ نماز ظهر را خواند و برگشت. وقتی بعد از اقامه نماز عصر به اتاق خصوصی برگشتیم، گرہ را در همان مکان یافتیم. درست اندکی قبل از غروب خورشید، وقتی یک موش ظاهر شد، گرہ جستی زد و آن را گرفت. زیاد گفت: هر که حاجتی دارد، اگر مانند این گرہ برایش کوشش کند، به حاجتش خواهد رسید. (اِنْ شَاءَ اللهُ) (الله والون کی باتیں، ج 4، ص 394)

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب صَلَّی اللہُ عَلَی مُحَمَّد

23) باید به سکوت خود افتخار کنید:

سیدنا لقمان حکیم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در حالی که نصیحتی به پسرش می کرد گفت: ای پسر! وقتی مردم به سخنان (نا سنجیده) خود افتخار میکردند، با آنها همکلام مشو بلکه در آن وقت تو باید به سکوت خود افتخار کنی (بنازی). (المستطرف ج 1 ص 147)

سکوت برتری دارد:

ای عاشقان رسول خدا! مروارید حکمت مدنی سیدنا لقمان حکیم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نیز قابل توجه است! در واقع، این یک واقعیت است که در گفتن سخنان شیرین، زیبا و طولانی هیچ برتری نیست. برتری این است که انسان فقط برای رضای الله متعال سکوت کند، با وجود این که می خواهد بیهوده حرف بزند. الله متعال ما را نیز کمال سکوت عنایت

فرماید. آمین! مکالمه زیبا که خالی از ثواب باشد اصلاً فایده ای ندارد. سیدنا مالک بن دینار رحمۃ اللہ علیہ می فرمایند: شاید کسی را ببینید که حتی یک اشتباه (طبق دستور زبان عربی) در گفتگوی او وجود نداشته باشد مگر اعمالش پر از اشتباهات است. (مسند ابراهیم بن ادهم ص 33 قول 24) سیدنا ابراهیم بن ادهم رحمۃ اللہ علیہ می فرمایند: ما گفت و گوی خود را زیبا کردیم و در آن اشتباهی نکردیم، ولی در اعمال خود خطا کردیم و مگر آن را اصلاح نکردیم. (المجالسه و جواهر العلم، ج 1، ص 332، قول 851)

24) پرنده توسط صدایش شکار شد :

سیدنا مخلد رحمۃ اللہ علیہ گفت: در بنی اسرائیل شخصی بود که اغلب سکوت می کرد، پادشاه شخصی را نزد او فرستاد تا دلیل سکوتش را جویا شود. اما او چیزی نگفت سپس پادشاه او را با مردم به شکار فرستاد تا اگر طعمه ای یافت، به ما بگوید. هنگامی که مردم یک پرنده را دیدند که به شدت غوغا می کرد، شاهینی را رها کردند که پرنده را شکار کرد. پس آن شخص گفت: سکوت برای همه چیز خوب است (چون آرامش دارد) و حتی برای پرندگان. (ایک چپ سو سکه خاموشی کی فضائل ص 22)

25) گفتن "من عمیقاً ناراحت شدم" یا "بسیار متأسفم"

هرچه از دهان مفتی اعظم هند رحمۃ اللہ علیہ، مولانا مصطفی رضاخان رحمۃ اللہ علیہ بیرون می آمد، صحیح بود هر وقت می شنید فلانی مرده است فوراً دستش را برای دعای مغفرت بلند می کرد. نامه هایی از این قبیل به دربارش می آمد، یک بار مجبور شد در جواب تسلیت نامه ای به شخصی نامه ای بنویسد. به مفتی مجیب الاسلام گفت: تو جواب را بنویس من امضا می کنم. از این رو مفتی مجیب الاسلام در جواب نامه نوشت: "نامه شما را دریافت کردم. از شنیدن خبر وفات فرزندان عمیقاً ناراحت شدم". مفتی اعظم پس از شنیدن چنین جوابی، فوراً حرفش را قطع کرد و گفت: "عمیقاً ناراحت نشدم" اما بله "ناراحت شدم". (جهان مفتی اعظم ص 319)

ای عاشقان رسول خدا! این دقت در نوشتن و گفتار یک مرد خدا و عاشق واقعی رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم بود. ما همچنین باید عادت به گفتن کلمات دقیق را در خود ایجاد کنیم. به عنوان مثال، پس از مرگ پدر شخصی، گفتن این جملات که «از خبر فوت پدرت خیلی تعجب کردم»، «واقعاً شوکه شدم»، «بسیار متأسفم»، «عمیقاً ناراحت شدم» نیز قابل توجه است. اگر کسی عمداً جملات فوق را بگوید، علیرغم اینکه در درونش احساسی ندارد، دروغ گفته، گناهکار و مستحق عذاب جهنم است.

گفتن "تب شدید" چگونه است؟

مفتی اعظم هند رحمۃ اللہ علیہ به برکت پدر محترمش اعلیٰ حضرت رحمۃ اللہ علیہ آموزش دقت در نوشتن و گفتار را فرا

گرفت. اعلیٰ حضرت رحمۃ اللہ علیہ نیز در سخنانش از کلمات بسیار دقیق استفاده می کرد. در صفحه 325 "ملفوظات اعلیٰ حضرت" آمده است: بعد از عصر شخصی (به اعلیٰ حضرت) گفت فلان مریض "تب شدیدی" دارد، ایشان ارشاد فرمودند: تب شدید یعنی اینکه تبش حدی ندارد، هرگز زوال نمی کند، خودت را دشنام نده، سپس فرمود: سوره مجادله (سوره اول جزء 28) را سه بار بعد از عصر بخوانید، در آب دم کنید و آن را بنوشید.

ای رب مصطفیٰ! کاری کن که برای زمان بی ارزشمان ارزش قائل شویم، ما را در زندگی از کارهای بیهوده نجات بده و توفیق انجام کارهای خیر و دوری از گناهان را عطا فرما.

آمِن بِجَاهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

صَلُّوا عَلَى الْحَبِيبِ! صَلَّيْ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

امضاء...

ماه رمضان، سال 1443 هجری قمری

مصادف با آوریل 2022

وتمت بالخیر

اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ، وَالصَّلٰوۃُ وَالسَّلَامُ عَلٰی خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ۔

بزرگترین سلاح شیطان

امام غزالی تعریف کردہ - است: برای گمراه کردن کسی زبان بزرگترین سلاح شیطان است. «احیاء العلوم، جلد 3، ص 133» ارباب سیدنا لقمان حکیم رحمہ اللہ تعالیٰ بہ اش دستور داد کہ بڑی را ذبح کن و دو بہترین قسمت گوشت آن برای من بیاور. طبق دستور لقمان حکیم زبان و قلبش را در خدمت تقدیم نمود. بعد از چند روز، ارباب او بار دیگر بہ اش دستور داد کہ یک بڑا ذبح کن و دو زشت ترین قسمت گوشت آن را برای من بیاور. بار دیگر او قلب و زبان را در خدمت ارباب خود برد. بر استفسار ارباب، سیدنا لقمان بہ اش گفت کہ اگر این دو عضو سالم و سرحال ہمانند از ہمہ اعضا بہتر ہستند اما اگر اینہا فاسد ہشوند از ہمہ اعضا زشت و قبیح تر می ہشوند.

«تفسیر طبری، جلد 10، ص 209»



مرکز جهانی مدنی، فیضان مدینہ، منطقہ سوداگران، بازار سبزیجات قدیم،

باب المدینہ، کراچی، پاکستان

UAN +92 21 111 25 26 92 0313-1139278

www.maktabatulmadinah.com / www.dawateislami.net

feedback@maktabatulmadinah.com / ilmia@dawateislami.net